

فرصت‌های کسب پاداش

[بیش از ۱۵۰ سبب داخل شدن به بهشت به توفیق خداوند متعال]

نویسنده:

نایف بن ممدوح بن عبدالعزیز

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمه الله

فرصت‌های کسب پاداش	عنوان کتاب:
نایف بن ممدوح بن عبدالعزیز	نویسنده:
اسحاق دبیری رحمه الله	ترجمه:
مواعظ و حکمت‌ها	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری	تاریخ انتشار:
www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

بشارتی بزرگ	۱۳
مقدمه	۱۵
فرصت‌های کسبِ ثواب و پاداش	۲۱
۱) بزرگی و عظمتِ پاداشِ توحید و پاک شدن گناهان به وسیله‌ی آن:.....	۲۱
۲) در موردِ کسی که به وسیله‌ی یک مگس وارد بهشت می‌شود و یا به وسیله‌ی یک مگس واردِ دوزخ می‌گردد:.....	۲۳
۳) ذکرِ دعایی که شرکِ کم و زیاد را می‌زداید:.....	۲۴
۴) فضل و وجوبِ نیکی به پدر و مادر:.....	۲۵
۵) بزرگی و وجوبِ صله‌ی رحم:.....	۲۶
۶) به ازای هر مؤمنِ زن و مرد برای شخص، حسنه‌ای نوشته می‌شود:.....	۲۷
۷) فرشتگانِ گمارده شده به شخص، «آمین» می‌گویند:.....	۲۸
۸) در موردِ کسی که می‌خواهد از آتشِ دوزخ نجات پیدا کند:.....	۲۸
۹) فضل و بزرگیِ ذکرِ خداوندِ متعال:.....	۲۹
۱۰) فضل و بزرگیِ مهربانی:.....	۳۲
۱۱) بر خدا لازم است که در روزِ قیامت از او راضی باشد:.....	۳۳
۱۲) فضل و بزرگیِ مسلمانانِ ضعیف و مستمندان:.....	۳۳
۱۳) هزار هزار حسنه و نیکی و خانه‌ای در بهشت:.....	۳۴
۱۴) فضل و بزرگیِ سلام کردن:.....	۳۵
۱۵) پاداشِ یاری نمودنِ مردم در دین:.....	۳۷

- ۱۶) در بیان این که فضل دنیا و نیکی آن، به ذکر کردن و عمل نیک انجام دادن و علم و دانش است: ۳۹
- ۱۷) فضل و بزرگی مجالس ذکر: ۳۹
- ۱۸) حسرت خوردن بهشتیان بر زمان : ۴۱
- ۱۹) فضل و بزرگی طلب علم شرعی: ۴۲
- ۲۰) فضل و برتری انسان عالم بر عابد: ۴۲
- ۲۱) فضل و بزرگی درود فرستادن بر پیامبر ﷺ: ۴۲
- ۲۲) در مورد کسی که [سوزاندن او] بر آتش حرام است: ۴۳
- ۲۳) در مورد فضل و بزرگی فرو خوردن خشم: ۴۳
- ۲۴) فضل و بزرگی آیه الكرسي: ۴۴
- ۲۶) ترغیب و تشویق به کندن قبر و شستن مردگان و کفن پوشانیدن به آنان: ۴۵
- ۲۷) فضل و بزرگی نماز بر جنازه و تشییع آن: ۴۶
- ۲۸) فضل و بزرگی زیاد بودن نمازگزاران بر جنازه‌ی مسلمان: ۴۶
- ۲۹) فضل و بزرگی حسن خلق: ۴۷
- ۳۰) از موجبات و دلایل بخشش: ۴۹
- ۳۱) عملی ساده همراه با نیت [خالص برای خدا] بالاترین و بزرگ‌ترین جایگاه و ارزش را نزد خداوند دارد: ۴۹
- ۳۲) چگونه بلائی ناگهانی از تو دفع می‌گردد؟ ۵۰
- ۳۳) خداوند او را از آنچه از کارهای دنیا و آخرت که غمگین و نگرانش می‌کند حفظ می‌کند [و مشکل او را برطرف می‌نماید]: ۵۱
- ۳۴) فضل و بزرگی قرائت سوره‌ی کهف در روز جمعه: ۵۲
- ۳۵) درخت خرمایی در بهشت: ۵۲
- ۳۶) گناهانش بخشوده می‌شود حتی اگر به اندازه‌ی کف دریا باشد: ۵۳

- ۳۷) نهالِ بهشت: ۵۳
- ۳۸) گنجی از گنج‌هایِ بهشت و دری از درهایِ آن: ۵۳
- ۳۹) باقیاتُ الصّالحات: ۵۴
- ۴۰) در مورد فضل و بزرگیِ قرائتِ قرآنِ کریم و تلاوتِ آن: ۵۵
- ۴۱) سوره‌ی اخلاص را دوست داشت و به دلیلِ آن به بهشت وعده داده شد: ۵۶
- ۴۲) فضل و بزرگی کسی که با جان و مالش، قرآن را به دیگران یاد می‌دهد یا به این امر کمک می‌کند: ۵۷
- ۴۳) فضل و بزرگیِ رفتن به مسجد برای آموختنِ علم یا قرائتِ قرآن: ۵۷
- ۴۴) ترغیب و تشویق در، گشودنِ درهایِ خیر و ترساندن از گشودنِ درهایِ شر و فتنه: ۵۸
- ۴۵) در مورد چند برابر نمودن نیکی‌ها: ۵۹
- ۴۶) در مورد فضل و بزرگی دعوت به سویِ خدا و حریص بودن بر هدایت مردم: ۶۰
- ۴۷) فضل و بزرگی کسی که سنّتِ حسنه‌ای در اسلام ایجاد می‌کند و نیز کسی که سنّت از بین رفته‌ای را زنده می‌گرداند: ۶۱
- ۴۸) فضل و بزرگی یاد دادن کارهای خیر به مردم: ۶۲
- ۴۹) در مورد فضل و بزرگی و واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر: ۶۲
- ۵۰) خودش را از دوزخ دور کرده است: ۶۴
- ۵۱) فضل و بزرگی دور کردنِ [هر چیز موجبِ] اذیت، از سر راه: ۶۴
- ۵۲) کردارهای نیک از [افتادنِ شخص در] پرتگاههایِ بلاحفاظت می‌نماید: ۶۵
- ۵۳) چهار خصلت و عملِ ساده هستند که انسان را واردِ بهشت می‌کنند: ۶۵
- ۵۴) نیکی و احسان به همسایه از چیزهایی است که انسان را واردِ بهشت می‌گرداند: ۶۶
- ۵۵) فضل و بزرگی دوست داشتن به خاطرِ خدا و ثواب و پاداشِ عظیمش: ۶۷
- ۵۶) مصافحه و دست دادن با همدیگر و بخشیده شدنِ گناهان: ۶۷

- ۵۷) هر کس دوست دارد که کارنامه‌اش او را خوشحال کند: ۶۹
- ۵۸) یکی به وسیله‌ی مقداری آب وارد بهشت می‌شود: ۶۹
- ۵۹) زن عابدی که به علت آزار و اذیت همسایه‌اش وارد دوزخ شد: ۶۹
- ۶۰) دفاع از برادرِ مؤمن در حالی که او غایب است از چیزهایی است که دوزخ را از تو دور می‌نماید: ۷۰
- ۶۱) کفّاره‌ی مجلس: ۷۰
- ۶۲) نکوهشِ دورویی: ۷۱
- ۶۳) تحریم سخن‌چینی: ۷۱
- ۶۴) سخنی که انسان را وارد بهشت می‌کند و سخنی که او را وارد دوزخ می‌گرداند: ۷۲
- ۶۵) آسان‌گیری و پاکی دل، از چیزهایی است که انسان را وارد بهشت می‌کند: ۷۲
- ۶۶) وجوب و بزرگی پوشاندن عیب و گناهان مسلمانان و حرام بودن پخش کردن آن بدون ضرورت: ۷۴
- ۶۷) خانه‌ای که در اطراف بهشت برای کسی که جدال و جرّ و بحث را با این که بر حقّ باشد، ترک نماید: ۷۵
- ۶۸) فضل و بزرگی اصلاح روابط بین مردم: ۷۵
- ۶۹) فضل و بزرگی عیادت مریض: ۷۶
- ۷۰) فضل و بزرگی اذان و مؤذّنین: ۷۷
- ۷۱) دو رکعت نمازی که بهشت را واجب می‌گرداند: ۷۸
- ۷۲) فضل و بزرگی رفتن به مسجد: ۷۸
- ۷۳) هفت کس هستند که خداوند، آنان را زیر سایه‌ی خویش می‌گیرد: ۷۹
- ۷۳) فضل و بزرگی وضو: ۸۰
- ۷۵) فضل و بزرگی گفتن شهادتین بعد از وضو: ۸۰
- ۷۶) فضل و بزرگی دو رکعت، نماز، بعد از وضو: ۸۱

- ۷۷) تکرار کردن اذان به دنبال مؤذن و پاداش آن: ۸۱
- ۷۸) فضل و بزرگی مسواک: ۸۲
- ۷۹) فضل و بزرگی نمازهای پنجگانه: ۸۲
- ۸۰) چوپانِ گوسفندی که پیامبر ﷺ [بر خروج از دوزخ] برایش شهادت داد: ۸۲
- ۸۱) فضل و بزرگی کسی که در بیابانی نماز می‌خواند در حالی که تنهاست: ۸۳
- ۸۲) فضل و بزرگی نمازهای صبح و عصر: ۸۴
- ۸۳) حضور یافتن در نماز صبح و عشاء، سلامتی است از نفاق: ۸۵
- ۸۴) به طور کلی هرکس نماز را ترک کند کافر می‌گردد: ۸۵
- ۸۵) ترک نماز جماعت، قویترین نشانه‌ی منافق است: ۸۶
- ۸۶) فضل و بزرگی رسیدن به جماعت در هنگام تکبیرة الإحرام (امام): ۸۶
- ۸۷) فضل و بزرگی نماز جمعه و رفتن برای آن (به مسجد جامع) در اوّل بامداد و اجر و پاداشی که دارد: ۸۷
- ۸۸) عملی مکتوب در علیین: ۸۷
- ۸۹) دعای بزرگی که گوینده‌ی آن نومید نمی‌شود و به خواسته‌ی خویش می‌رسد: .. ۸۸
- ۹۰) حدیثی که چگونگی استجابت دعا را توضیح می‌دهد: ۸۸
- ۹۱) در مورد محفوظ شدن از شرّ شیطان: ۸۹
- ۹۲) فضل و بزرگی دعا: ۹۰
- ۹۳) دعایی بزرگ بعد از بلند شدن از رکوع: ۹۰
- ۹۴) بهترین دعا: ۹۱
- ۹۵) نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگارش: ۹۱
- ۹۶) دعای بازپرداخت قرض: ۹۲
- ۹۷) مستحب بودن دعا در هنگام شنیدن صدای خروس: ۹۲
- ۹۸) پناه بردن به خدا از قضای بد و رسیدن سختی و بیچارگی: ۹۲

- ۹۲ بیشترین دعای پیامبر ﷺ: ۹۲
- ۹۳ دعایی برای استواری و ثبات در دین خدا: ۹۳
- ۹۳ دعایی که درهای آسمان برای آن، باز می‌شود: ۹۳
- ۱۰۲ خانه‌ای در بهشت برای کسی که مسجدی بسازد حتی اگر به اندازه‌ی جای پرنده‌ای باشد: ۹۴
- ۱۰۳ فضل و بزرگی نماز سنت قبل از نماز صبح: ۹۴
- ۱۰۴ فضل و بزرگی نمازهای سنت راتبه: ۹۴
- ۱۰۵ فضل و بزرگی نماز سنت ظهر و پاداش عظیم آن: ۹۵
- ۱۰۶ فضل و بزرگی دو رکعت نماز بعد از انجام گناه: ۹۵
- ۱۰۷ همراهی با پیامبر ﷺ در بهشت: ۹۶
- ۱۰۸ فضل و بزرگی سجده برای خداوند رب العالمین: ۹۶
- ۱۰۹ فضل و بزرگی دو رکعت نماز چاشت: ۹۷
- ۱۱۰ فضل و بزرگی قیام شب: ۹۷
- ۱۱۱ فضل و بزرگی با وضو بودن شب: ۹۸
- ۱۱۲ غذا می‌خورد و دعا می‌کند و لباس می‌پوشد و دعا می‌کند و در نتیجه بخشیده می‌شود: ۹۹
- ۱۱۳ چگونه شخص، در زمره‌ی ذاکرین نوشته خواهد شد؟ ۹۹
- ۱۱۴ نیتی که معادل قیام شب می‌باشد: ۹۹
- ۱۱۵ نمازی به ارزش صد هزار نماز: ۱۰۰
- ۱۱۶ فضل و بزرگی نماز اشراق: ۱۰۰
- ۱۱۷ پاداش بزرگ ارکان اسلام: ۱۰۱
- ۱۱۸ از فضایل حضور در نماز جماعت: ۱۰۱
- ۱۱۹ بیم دادن از ترک زکات: ۱۰۲

- ۱۲۰) فضل و بزرگیِ کفالتِ یتیم‌ها و بیوگان: ۱۰۲
- ۱۲۱) فضل و بزرگیِ فرزند: ۱۰۳
- ۱۲۲) فضل و بزرگیِ کسی که چند دختر داشته باشد و آنان را تربیت کند: ۱۰۴
- ۱۲۳) فضل و بزرگیِ پرورش دادن فرزندان بر عبادت: ۱۰۵
- ۱۲۴) فضل و بزرگیِ حفظِ قرآن و واداشتنِ فرزندان به حفظِ آن: ۱۰۵
- ۱۲۵) آن پادشاهایی که بعد از موتِ مؤمن به او می‌رسد: ۱۰۶
- ۱۲۶) فضل و بزرگیِ کسی که طفلی از دست داده باشد و بر آن، صبر کرده باشد: ۱۰۶
- ۱۲۷) خانه‌ی حمد در بهشت: ۱۰۸
- ۱۲۸) فضل و بزرگیِ صبر در هنگام مصیبت‌ها و بلاها: ۱۰۸
- ۱۲۹) ناراحتی و اندوه از چیزهایی است که گناهان را پاک می‌کند: ۱۱۰
- ۱۳۰) فضل و بزرگیِ کسی که بینایی‌اش را از دست داده و بر آن، صبر کرده است: ۱۱۱
- ۱۳۱) بر روی زمین راه می‌رود در حالی که گناهی بر او نیست: ۱۱۱
- ۱۳۲) فضل و بزرگیِ گریه کردن از ترسِ خداوند: ۱۱۲
- ۱۳۳) به خوبی و خیر زندگی کرد و به خوبی و خیر نیز مرد: ۱۱۲
- ۱۳۴) فضل و بزرگیِ کسی که عزیزی را از دست می‌دهد و بر آن، صبر می‌نماید: ۱۱۳
- ۱۳۵) بزرگ‌ترین استغفار: ۱۱۳
- ۱۳۶) فضل و بزرگیِ شفاعتِ خیر و واسطه‌ی عملِ نیک شدن: ۱۱۴
- ۱۳۷) محبوبترین مردم نزد خداوند و فضل و بزرگیِ برآورده نمودن احتیاجاتِ مسلمانان: ۱۱۵
- ۱۳۸) هرگاه خداوند، عبدی را دوست بدارد او را برای بندگانش محبوب می‌گرداند: ۱۱۶
- ۱۳۹) فضل و بزرگیِ نیکی و محبتِ مردم نسبت به عبد: ۱۱۶
- ۱۴۰) خداوند، او را برای انتخاب کردن در روز قیامت دعوت می‌کند: ۱۱۸

- ۱۴۱) فضل و بزرگیِ فروتنی و نکوهشِ غرور: ۱۱۸
- ۱۴۲) در مورد کسی که خواست از دوزخ نجات پیدا کند و وارد بهشت شود: ۱۲۰
- ۱۴۳) درجات در آخرت، چیست؟ ۱۲۱
- ۱۴۴) فضل و بزرگیِ امامِ عادل و کسی که در حکم او باشد: ۱۲۱
- ۱۴۵) فضل و بزرگیِ انسانِ پرهیزگار در مورد عورت و شکمش: ۱۲۲
- ۱۴۶) فضل و بزرگیِ کسی که عمرش دراز و عملش نیکو باشد: ۱۲۳
- ۱۴۷) فضل و بزرگیِ صدقه و این که صدقه در روز قیامت، مایه‌ی نجات است: ۱۲۴
- ۱۴۸) فضل و بزرگیِ شهادت در راه خدا: ۱۲۵
- ۱۴۹) بیان فراوانیِ انواعِ شهید از اَمّتِ مُحَمَّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ۱۲۷
- ۱۵۰) فضل و بزرگیِ کسی که شهادت را بخواهد: ۱۲۸
- ۱۵۱) فضل و بزرگیِ ایستادن در مقابلِ دشمن در راه خدا: ۱۲۸
- ۱۵۲) فضل و بزرگیِ کسی که در حالِ رویارویی با دشمن می‌میرد: ۱۳۰
- ۱۵۳) فضل و بزرگیِ تجهیزِ یک جنگاور در راه خدا: ۱۳۰
- ۱۵۴) روزه از چیزهایی است که انسان را از دوزخ دور می‌کند: ۱۳۱
- ۱۵۵) روزه‌ی ماهِ رمضان: ۱۳۲
- ۱۵۶) روزه‌ی شش روز از ماهِ شوال: ۱۳۲
- ۱۵۷) پاداشِ روزه‌ی سه روز: ۱۳۲
- ۱۵۸) روزه‌ی روزِ عرفه: ۱۳۲
- ۱۵۹) روزه‌ی روزِ عاشورا: ۱۳۳
- ۱۶۰) فضل و بزرگیِ افطار دادن به روزه‌دار: ۱۳۳
- ۱۶۱) فضل و بزرگیِ عبادت در شبِ قدر: ۱۳۳
- ۱۶۲) فضل و بزرگیِ حج و عمره: ۱۳۳
- ۱۶۳) عملِ صالح در ده روزِ اوّلِ ذی حجّه: ۱۳۴

- باب: دوری از آن چه که اعمال انسان را باطل می‌گرداند ۱۳۵
- ۱۶۴) خداوند، آن را همچون ذراتِ غبارِ پراکنده در هوا می‌گرداند: ۱۳۵
- ۱۶۵) مفلسان و بی‌چیزانِ روزِ قیامت: ۱۳۵
- ۱۶۶) پس اگر کسی پرسید: راه نجات پیدا کردن از حقّ الناس چیست: ۱۳۶
- باب: دوری کردن از توکل بر خدا بدون عمل ۱۳۹
- باب: فضل و بزرگی توبه و استغفار ۱۵۳
- فصلی در مورد بیان وسعت رحمت خداوند و خوش‌حالی او از توبه‌ی بنده‌ی مؤمنش
..... ۱۵۵
- کتاب‌ها و رساله‌هایی که تهیه کردن و خواندنِ آنها توصیه می‌شود ۱۶۷
- نوارها ۱۷۳

بشارتی بزرگ

خداوند بزرگ فرموده است:

﴿قُلْ يَعْبَادِي الَّذِينَ اسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾﴾ [الزمر: 53-61].

«بگو: (ای محمد): ای بندگانِ (مؤمن) من که (با افراط و زیاده‌روی در گناهان) بر خود، اسراف روا داشته‌اید، از رحمت (و مغفرت) خدا نومید نشوید؛ حقیقتاً خدا همه‌ی گناهان را (از هر نوعی که باشد، اگر بخواهد) یک جا می‌آمرزد. بی‌گمان او آمرزگار مهربان است. و (با انجام طاعات، پرهیز از معاصی، تسلیم شدن به فرمان و گردن نهادن به حکم خدا) به سوی پروردگارِ خویش باز گردید و منقاد او شوید، پیش از آن که بر شما، عذاب (دنیا) بیاید و دیگر، یاری نشوید. و پیش از آن که به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی‌زنید، عذاب بر شما فرود آید (و شما را غافل‌گیر سازد) از نیکوترین چیزی که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل شده است (یعنی قرآن) پیروی کنید. تا مبادا کسی بگوید: دریغا بر آنچه که در کار خدا فرو گذاشتم (و از ایمان به خدا ﷻ و قرآن و عمل به آن فروگذاری کردم) بی‌تردید من از تمسخرکنندگان (به دینِ خدا در دنیا)

بودم. یا (اینکه کافر در روز قیامت) بگوید: اگر خدا هدایت‌م می‌کرد مسلماً از متّقیان بودم. یا چون عذاب را ببیند بگوید: کاش مرا (به سوی دنیا) برگشتی بود تا از نیکوکاران (و مؤمنان به خدا ﷻ و یکتاپرستان وی و از نیکوکاران در اعمالِ خویش) می‌شدم. نه چنان است (که تو می‌گویی ای بنده‌ی پشیمان از گذشته‌ی خویش در سرایِ دنیا بلکه حقّ این است که: آیاتِ من (یعنی قرآن) بر تو آمد و تو آن‌ها را تکذیب کردی و تکبّر ورزیدی و از کافران شدی. و روزِ قیامت، کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند (هنگامی که مدّعی شدند خدایِ سبحان، شریک و زن و فرزند دارد) روسیاه می‌بینی. آیا منزلگاهِ متکبّران در جهنّم نیست؟، خداوند، کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، (از عذابِ جهنّم) رهایی می‌بخشد و به مقصودشان (یعنی رضایت او و بهشت برین) می‌رساند؛ نه هیچ‌گونه بدی و بلایی بدیشان می‌رسد و نه اندوهگین می‌شوند».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، إِلَّا مَنْ أْبَى»

«تمام افرادِ امتِ من واردِ بهشت می‌شوند مگر آن که سر باز زند».

گفتند: «ای رسولِ خدا، و چه کسی سر باز می‌زند؟ فرمود:

«مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أْبَى» (به روایت از بخاری).

«هر کس مرا اطاعت کند وارد بهشت می‌شود و کسی که نافرمانی من کند، سر باز

زده است».

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّم وَبَارَكَ عَلَى عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ الْمُبْعُوثِ بِالْحَقِّ رَحْمَةً
لِلْعَالَمِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ تَبِعَ سُنَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

برادر مؤمن گرامی ام، این کتاب در مورد موضوع‌هایی مربوط به بعضی از فضایل اعمالی است که از کتاب خداوند متعال یعنی قرآن و آن احادیثی که به صورت صحیح به پیامبر اکرم - که والاترین سلام و درود پروردگارش بر او باد - نسبت داده شده است جمع کرده‌ام و نام آن را «فرصتهای کسب پاداش - و بیش از ۱۵۰ سبب واردکننده‌ی بهشت» به رحمت و عفو و گذشت و منت خداوند سبحان، نهادم.

و نمی‌گویم که: اسباب وارد شدن به بهشت، فقط به آن‌هایی که من ذکر کرده‌ام منحصر و محدود می‌شود، بلکه این اسباب، مقداری بوده است که من توانسته‌ام جمع کنم و علم و آگاهی‌ام بر آن احاطه داشته است در حالی که فضل خداوند، واسع و گسترده است:

﴿رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا﴾ [غافر: 7].

«پروردگارا، رحمت و علم تو بر همه چیز، احاطه دارد».

فکر تدوین و جمع این کتاب در سال ۱۴۱۱ هـ ق به ذهنم خطور کرد و عنوان موردنظرم در آن زمان «الْكَسْبُ الثَّوْبِيُّ لِلْمُسْتُمْرِينَ» بود. روزها و سال‌ها گذشت و من به علت کمبود بار علمی و کساد سرمایه، در مورد آن، چیزی ننوشتم تا این که شبی برای شام همراه عده‌ای از بزرگان در جایی، دعوت کسی بودیم که در او صلاح و نیکی سراغ دارم - خدا به او پاداش نیک دهد. او به هریک از حاضرین نسخه‌ای از جزوه‌ای که در مورد راههای کسب اجر و پاداش بود، داد. من از جمله‌ی کسانی بودم که از آن خوشم آمد و از آن استفاده نمودم و این جزوه بسیار زیبا و مختصر بود. روش و ترتیب خوب

آن مرا متعجب نمود ولی این طور به نظرم رسید که به بعضی مطالب اضافی و پس و پیش کردن‌هایی که من آن را گران‌بها و سودمند می‌دیدم، نیاز دارد؛ مثل:

(۱) در مقدمه‌اش، فضل و بزرگی توحید، ذکر نشده بود و این، مهمترین موضوعی بود که فُضلاً و بزرگان به عنوان خطا و کوتاهی به آن، نسبت می‌دادند و این موضوع، بدون شک - إن شاء الله - از نوع سهو و اشتباه بوده است و نه بیشتر ولی من چیزی نمی‌گویم مگر این را که علما می‌گویند: به خاطر خدا مواظب توحید و عقیده‌ی صحیح باشید، زیرا ما قومی هستیم که خداوند، ما را عزت و بزرگی نداده مگر به وسیله‌ی این توحید و هرگاه، آن را ترک کنیم، خداوند، ما را ذلیل و خوار می‌نماید و هلاک خواهد ساخت.

(۲) در آن فقط به موضوع حدیث و ثواب عمل اشاره شده است بدون ذکر لفظ: «پیامبر ﷺ فرمود» و این کار را به خاطر اختصار انجام داده‌اند با این که حدیث‌ها و شماره‌های آن‌ها را در کتاب‌های مرجع ذکر کرده‌اند ولی اگر عمل اول را که انجام نداده‌اند انجام می‌دادند و عمل دوم را که انجام داده‌اند، انجام نمی‌دادند، بهتر بود، زیرا فضل و بزرگی درود فرستادن بر پیامبر ﷺ بر هیچ انسان عاقلی پوشیده نیست.

اما غیر از موارد فوق، چیزی افضلیت و مکان‌الای آن را خدشه‌دار نمی‌کند و إن شاء الله، آنان اجر و پاداش خویش را خواهند گرفت.

و خواننده‌ی محترم، این مطلب را از تو پنهان نمی‌کنم که من شخصاً از آنچه که در آن جزوه بود استفاده کرده‌ام ولی - الحمدلله - از آن، تقلید نکرده‌ام و هرکس که آن‌ها را با هم مقایسه کند، فرق آن‌ها را با اذن خداوند در خواهد یافت.

حاصل آنچه که گذشت و خلاصه‌ای که دوست دارم ذکر کنم این است که: حقیقتاً اگر فضل خداوند متعال و آن جزوه که صاحب آن مجلس به من هدیه کرد و در بین همه توزیع کرد، نبود، نوشتن این رساله ممکن نمی‌شد. البته فکر نوشتن «الكسب الثمین

للمستثمرین» را هم نداشتم و حتی آن را فراموش کرده بودم بلکه چیزی که به ذهنم خطور کرد گذاشتنِ اضافات و تعدیلاتی بر آن جزوه‌ی کوچک که در بینمان توزیع شد و تجدید چاپ آن جزوه همراه آن اضافات ولی بدون نسبت دادن آن به خودم بود، زیرا این کار نتیجه‌ی عمل من نبود. وقتی که فکرم را با چند عالمِ فاضل در میان گذاشتم یکی از آنان که می‌خواست مرا به انجام آن تشجیع نماید به من گفت: «چرا احادیثی را که مربوط به مواردِ موردِ نظرت باشد، در آن جمع نمی‌کنی؟» و من در حالی که این کار را مشکل می‌دیدم گفتم: «از کجا می‌توانم این کار را انجام دهم؟» او پاسخ داد: «از کتاب‌های حدیث».

با وجودِ ضعف و کمی علمم، حقیقتاً شور و شوق و آرزوی انجام این عمل، مرا به سوی خود می‌کشاند و پاک و منزّه است کسی که این کار را بر من آسان گردانید، آن گونه که - قسم به خدا - حتی نفهمیدم که چه وقت این کار به پایان رسید. با این عمل که روزهای زیبایی را با آن گذراندم از طریقِ بحث و جستجو در احادیثِ پاکترین انسان یعنی حضرت محمد ﷺ مانوس شدم و این گفته را از شما پنهان نمی‌کنم که من مشتاق بودم که این کار را به پایان برسانم ولی وقتی که به پایان رسید به دلیلِ توقّف جستجو و بررسی و کوشش و غورم در احادیث و نورانی شدن قلبم به وسیله‌ی ورق زدن کتاب‌های سنّت و حدیث، محزون و ناراحت گشتم ولی به هر حال از خداوندِ متعال می‌خواهم که آن را وسیله‌ی وصال گرداند و - قسم به خدا - در آن، روشنایی چشم و آسودگی خیال است.

در این بحثم تا آن جا که برایم ممکن بوده بر اختصار و خلاصه بودن، حریص بوده‌ام و این کار را به شیوه‌های زیر انجام داده‌ام:

(الف) در اکثر موارد، نام صحابی را که حدیث را روایت کرده است، نیاورده‌ام و فقط به ذکر لفظ: «پیامبر ﷺ فرمود»، اکتفا کرده‌ام.

(ب) احادیث را به منابعِ روایتِ آن‌ها، با شماره‌ی آن‌ها، چنان که خیلی‌ها این کار را انجام می‌دهند نسبت نداده‌ام بلکه فقط به ذکرِ مواردِ اصلی که نامِ منبعِ حدیث و درجه‌ی حدیث است، اکتفا نموده‌ام.

(ج) حواشی موجود در موردِ حدیث را در آن، قرار نداده‌ام تا رساله را با آن سنگین نگردانم و فقط به نقلِ شرح‌هایِ علماء در موردِ بعضی از الفاظِ غریبِ آن اکتفا کرده‌ام. از خدا می‌خواهم که آن را خالص گرداند و هیچ لگه و شائبه‌ای در آن قرار ندهد و به کسی که آن جزوه را تهیه کرده و کسی که آن را به ما هدیه داد و کسی که این کار را به من پیشنهاد کرد، پاداش خیر بدهد.

(د) ممکن است که خواننده‌ی محترم متوجه عدمِ تسلسلِ موضوع‌ها و فصل‌ها گردد؛ بنده این کار را برای تنوع و تشویقِ خواننده انجام داده‌ام و این کار، روش من در این رساله بوده است و خدا را بر آن سپاس می‌گویم.

در آخر، چیزی نمی‌توانم بگویم مگر این که خداوند متعالی را که هیچ معبود به حقی جز او نیست، شکر و سپاس بگویم، بر آن که به پایان رسانیدن این عملِ ناچیز را بر من آسان نمود و سپس از یاران بزرگ و اولیایِ نعمتم بعد از خداوند متعال یعنی پدر و مادر بزرگواریم تشکر نمایم؛ آن کسانی که اگر آن‌ها نبودند نمی‌دانم که اکنون، حال و وضعم چگونه می‌بود و در این مجال کم نمی‌توانم چیزی بگویم مگر این که:

﴿رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: 24].

«پروردگارا، آن‌ها را موردِ مرحمت قرار ده چنان که مرا در خردی پروردند.»
و از خداوند متعال خواستارم که از طرف من بهترین پاداشی را که تاکنون از طرف فرزندى به والدینش داده است به آنان عطا نماید و به درگاهِ خداوند تضرع می‌کنم و از او می‌خواهم با منت و کرم خویش عاقبت من و والدینم و همه‌ی مسلمانان را نیکو گرداند و این عمل را در کفّه‌ی نیکی‌هایِ ترازویِ آن دو و هر کس دیگر قرار دهد که بر من، بزرگی و حقی دارند، چه در رأی و مشورت چه در آشنا کردن من با حدیث یا کمک من

به وسیله‌ی نامه، و نیز از خداوند عزّ وجلّ می‌خواهم اجر و پاداشِ فراوان دهد به کسانی که مرا در چاپ و نشرِ این اثر، یاری دادند و نیز از او می‌خواهم که عبد و بنده‌ی فقیرش را از ثواب و پاداش، محروم نگرداند و آن را عملِ خالص و مقبولی گرداند که هیچ ریا و کسبِ شهرت و خود بزرگ‌بینی در آن نباشد و آن را نزدیک‌کننده‌ی به باغهای بهشتش و نجات‌دهنده از آتش دوزخش گرداند و برکتِ خویش را در زمانِ حیات و بعد از مماتم به من بنمایاند که این کار به دست او است سبحانه و توانا بر آن و بهترین کسی است که می‌توان از او درخواست نمود و او برایم کافی و بهترین وکیل است، و درود و سلامِ خداوند بر پیامبر ما محمد و آل او و اصحاب او باد.

نوشته‌ی محتاج به خداوند

نایف بن ممدوح بن عبدالعزیز

آل سعود

در ۱۵ ربیع‌الأول سال ۱۴۲۱

فرصت‌های کسبِ ثواب و پاداش

(۱) بزرگی و عظمتِ پاداشِ توحید و پاک شدن گناهان به وسیله‌ی آن:

✽ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾ ﴿۸۲﴾
[الأنعام: ۸۲].

«کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم (یعنی شرک) نیالودند برای ایشان ایمنی است و آنان راه‌یافتگانند.»

و چنان که به صورتِ صحیح در صحیح بخاری از پیامبر ﷺ نقل شده است می‌فرماید:

«الظلم هو الشِّرْك». «ظلم همان شرک است.»

✽ پیامبر ﷺ به معاذ فرمود:

«یا معاذُ هلْ تدری حقَّ اللهِ علی العبادِ؟ و ما حقَّ العبادِ علی اللهِ؟»

«ای معاذ آیا حقّ خدا بر بندگان را می‌دانی؟ و حقّ بندگان بر خدا چیست؟»

معاذ ﷺ گفت: که گفتم: «خدا و رسول او آگاه‌ترند. پیامبر ﷺ فرمودند:

«فإنَّ حقَّ اللهِ علی العبادِ أنْ یعبُدوهُ ولا یُشْرکوا بهِ شیئاً وحقَّ العبادِ علی اللهِ أنْ لا یُعذَّبَ منْ لا یُشْرک بهِ شیئاً.»

«حقّ خداوند بر بندگانش این است که او را عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند و حقّ بندگان بر خدا این است که او کسی را که چیزی را شریک خدا قرار نمی‌دهد، عذاب ننماید.»

گفتم: که «آیا این را به مردم بشارت دهم؟» ایشان فرمودند:

«لَا تَبَشِّرْهُمْ فَيَتَّكَلُوا» (متفقٌ علیه) ^(۱).

«این موضوع را) به آنان بشارت مده (و برایشان بازگو مکن) چون (اگر از این موضوع باخبر شوند) دست از کار می‌کشند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من قال: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن محمدًا عبده و رسوله و أن عيسى عبد الله و ابن أمته و كلمته ألقاها إلى مريم و روح منه و أن الجنة حق و أن النار حق أدخله الله من أي أبواب الجنة الثمانية شاء» (به روایت از مسلم).

«هرکس بگوید: گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی جز الله ﷻ نیست و محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست و عیسی ﷺ عبد و بنده‌ی خدا و فرزند بنده‌ی خدا و کلمه‌ی اوست که خدا او را به مریم القا نمود و روحی است از او، بهشت حق است و دوزخ حق است، خدا او را از هریک از درهای هشتگانه‌ی بهشت که بخواهد وارد بهشت می‌کند».

و در ادامه‌ی حدیث فوق در روایتی دیگر از مسلم آمده است که:

«أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ».

«خداوند، او را بر هر عمل (نیک) که داشته‌باشد، (چه کم و چه زیاد) وارد بهشت می‌گرداند».

* بخاری و مسلم روایتی دارند از حدیث عتبان که رسول خدا ﷺ فرمود:

«فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ» ^(۲).

^۱ - حدیث متفقٌ علیه حدیثی است که امام بخاری و امام مسلم در صحیحشان روایت کرده باشند. (مترجم).

^۲ - در مورد احادیثی از این دست چند نظر وجود دارد:

- ۱- تمام این حدیثها قبل از نزول و وجوب فریض و سایر دستورات دینی بوده است.
- ۲- نظر دوم که نظر شیخ حسن بصری نیز می‌باشد این است که هرکس این کلمه (لا إله الا الله) را بر زبان براند و به حق و فریض و مقتضیات آن عمل نماید، شامل این حدیث می‌گردد.

«خدا کسی را که بگوید: هیچ معبود به حقی غیر از الله ﷻ نیست، (و به مقتضیات آن، عمل کند) و هدف و مقصودش از این گفته خدا باشد، بر دوزخ حرام گردانیده است».

* پیامبر ﷺ فرمود: خداوند متعال فرموده است:

«...يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لِأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«ای پسر آدم، اگر به اندازه‌ی زمین، خطا و گناه داشته باشی سپس مرا ملاقات کنی در حالی که چیزی را شریک من قرار نداده باشی من هم به اندازه‌ی زمین برایت بخشش و مغفرت خواهم داشت (و تمام گناهانت را خواهم بخشید)».

۲) در مورد کسی که به وسیله‌ی یک مگس وارد بهشت می‌شود و یا به وسیله‌ی یک مگس وارد دوزخ می‌گردد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«دَخَلَ الْجَنَّةَ رَجُلٌ فِي ذَبَابٍ وَدَخَلَ النَّارَ فِي ذَبَابٍ».

«مردی به وسیله‌ی مگسی وارد بهشت می‌شود و به وسیله‌ی مگسی وارد دوزخ می‌گردد».

گفتند که: این موضوع چه طور ممکن است؟ فرمود:

«مَرَّ رَجُلَانِ عَلَى قَوْمٍ هُمْ صَنَمٌ لَا يَجُوزُهُ أَحَدٌ حَتَّى يَقْرَبَ لَهُ شَيْئًا فَقَالُوا لِأَحَدِهِمَا: «قَرِّبْ»

قال: لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ أَقْرَبُهُ، قَالُوا لَهُ: قَرِّبْ لَوْ ذَبَابًا، فَقَرَّبَ ذَبَابًا، فَخَلَّوْا سَبِيلَهُ، فَدَخَلَ النَّارَ.

و قالوا للآخر: قَرِّبْ، فقال: ما كنتُ لأقربَ لأحدٍ شيئاً دونَ الله عزَّ و جلَّ، فضربوا عنقه،

فَدَخَلَ الْجَنَّةَ». (به روایت از امام احمد. و این حدیث همان‌گونه که شیخ ما صالح فوزان

نظر سوم این است که این کلمه را بگوید و سپس از گناهانش پشیمان شده و توبه کرده و بعد مرده باشد که این نظر، نظر امام بخاری می‌باشد. (مترجم).

در «إعانة المستفيد» گفته است «مرسل الصحابی» است از طارق بن شهاب و گفته که حدیث مرسل الصحابی حجت است^(۱).

«دو مرد بر قومی گذر می‌کنند که آن قوم دارای بتی هستند و اجازه نمی‌دهند که هیچ‌کس از آن بت گذر کند مگر این که چیزی برایش قربانی کند. آن قوم به یکی از آن دو می‌گویند: قربانی کن، او می‌گوید: چیزی ندارم که قربانی کنم. به او می‌گویند: قربانی کن حتی اگر یک مگس باشد، و او مگسی را قربانی می‌کند پس او را رها می‌کنند ولی او وارد دوزخ می‌شود. آن قوم به شخصِ دوّم می‌گویند: «قربانی کن». او در جواب می‌گوید: «من برای هیچ‌کس غیر از خدای عزّ و جل چیزی قربانی نمی‌کنم» در نتیجه آن‌ها گردنش را می‌زنند و او وارد بهشت می‌شود».

۳) ذکر دعایی که شرک کم و زیاد را می‌زداید:

پیامبر ﷺ به حضرت ابوبکر فرمود:

«والَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، الشِّرْكَ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمَلُّ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتَهُ ذَهَبَ عَنْكَ قَلِيلُهُ وَكَثِيرُهُ؟ قَالَ: قُلْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ، وَأَنَا أَعْلَمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ، لِمَا لَا أَعْلَمُ». (به روایت از بخاری در ادب مفرد و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«قسم به کسی که جان من به دست اوست، شرک از حرکت مورچه پوشیده‌تر است. آیا تو را به انجام کاری راهنمایی نکنم که هرگاه آن را انجام دهی شرک زیاد و کم به وسیله‌ی آن از تو زدوده شود؟ (در ادامه) فرمود: و بگو: خداوندا، من به تو پناه می‌برم از

^۱ - حدیث «مرسل الصحابی» حدیثی است که یک صحابی از قول یا عمل پیامبر ﷺ روایت می‌کند ولی آن را به دلیل خردسالی یا تأخیر در اسلام آوردن یا حاضر نبودنش مستقیماً ندیده و نشنیده، و حکم مشهور درباره‌ی آن نزد جمهور علما این است که این نوع حدیث، صحیح است و به آن احتجاج می‌گردد (تیسیر مصطلح الحدیث). (مترجم).

این که برای تو شریک قایل شوم در حالی که می‌دانم، و در مورد آنچه (از شرک) که بر آن علم و آگاهی ندارم از تو طلب بخشش و مغفرت می‌نمایم».

۴) فضل و وجوب نیکی به پدر و مادر:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [النساء: 36].

«... و به پدر و مادر نیکی کنید...»

* پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«رَغِمَ أَنْفٌ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ».

«پوزه‌اش بر خاک مالیده شود و باز پوزه‌اش بر خاک مالیده شود و باز پوزه‌اش بر خاک مالیده شود».

گفتند: چه کسی یا رسول‌الله؟ فرمود:

«مَنْ أَدْرَكَ أَبُوَيْهِ عِنْدَ الْكَبْرِ أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ». (به روایت از مسلم).

«کسی که پدر یا مادرش یا هر دوی آنها را در زمان پیری و کهولت دریابد و (با این حال) به بهشت وارد نشود».

و «رَغِمَ أَنْفٌ» کنایه از خواری و پستی است مثل این که به «رِغَام» که همان خاک است با خواری و پستی چسبیده باشد و پناه بر خدا از این حال زیرا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ﴾ [الحج: 18].

«و خداوند هر کس را خوار گرداند هیچ کس نمی‌تواند او را گرامی گرداند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَا يَجْزِي وَلَدٌ وَالِدًا إِلَّا أَنْ يَجِدَهُ مَمْلُوكًا فَيَشْتَرِيهِ فَيَعْتَقُهُ». (به روایت از مسلم).

«هیچ فرزندی نمی‌تواند پاداش پدرش را بدهد مگر این که پدرش را در حالِ بردگی ببیند و او را بخرد و آزاد نماید».

۵) بزرگی و وجوبِ صلهِ رحِم:

* پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ حَتَّىٰ إِذَا فَرَغَ مِنْهُمْ قَامَتِ الرَّحْمُ فَقَالَتْ: هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِكِ مِنْ الْقَطِيعَةِ قَالَ: «نَعَمْ، أَمَا تَرْضِينَ أَنْ أَصِلَ مِنْ وَصْلِكَ وَأَقْطَعَ مِنْ قِطْعِكَ؟» قَالَتْ: «بَلَىٰ» قَالَ: فَذَلِكَ لَكَ. ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِقْرُوا إِنْ شِئْتُمْ»

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ ﴿۲۲﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ﴾ ﴿۲۳﴾ [محمد: 22-23] (به روایت از مسلم).

«خداوند، مخلوقات را آفرید و وقتی که از این کار فارغ شد خویشاوندی ایستاد و گفت: این مقام، مقام پناه بردن از قطع رابطه‌ی خویشاوندی است. فرمود: آری؛ آیا راضی نمی‌شوی که رابطه برقرار کنم با کسی که تو را برقرار می‌نماید و قطع رابطه کنم با کسی که تو را قطع نماید؟ گفت: بلی. خداوند فرمود: پس این را به تو عطا کردم. سپس پیامبر ﷺ فرمود: و اگر خواستید (این آیه را) بخوانید:

«پس چه بسا اگر متولی امور شوید، البته نزدیک است که در زمین فتنه و فساد کنید و پیوند خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید. این گروه (ستمگر و فسادافروز) همان کسانی هستند که خدا آنان را لعنت کرده (و از رحمت خویش دور ساخته و طرد کرده است) و آنان را (از شنیدن حق) ناشنوا و چشم‌هایشان را کور کرده است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قاطِعُ رَحِمٍ». (به روایت از مسلم).

«کسی که رابطه‌ی خویشاوندی را قطع نماید (و آن را به جا نیاورد) وارد بهشت

نمی‌شود».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَبْسُطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيَنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ». (متفقٌ علیه).

«هر کس که دوست دارد که روزیش فراوان گردد و اجلش به تأخیر افتد (و عمرش طولانی گردد) باید صله‌ی رحم را به جا آورد.»

* و از انس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «دو در هستند که زود، در همین دنیا باز می‌شوند (و شخص نتیجه‌ی آن‌ها را در همین دنیا می‌بیند): ستم و قطع رابطه‌ی خویشاوندی». (به روایت از بخاری در ادب مفرد، و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

۶) به ازای هر مؤمن زن و مرد برای شخص، حسنه‌ای نوشته می‌شود:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ اسْتَغْفَرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ حَسَنَةً» (به روایت از طبرانی و آلبانی آن را «حسن» دانسته است).

«کسی که برای زنان و مردان مؤمن طلب بخشش و مغفرت نماید به ازای هر زن و مرد مؤمن، یک نیکی برای او نوشته می‌شود.»

پس چه زیباست که انسان برای خود و پدر و مادر و زنان و مردان مؤمن، چه آنان که در قید حیاتند و چه آنان که به جهان ابدی رحلت کرده‌اند، طلب بخشش و مغفرت نماید. خداوند متعال در مورد دعای حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید:

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [نوح: 28].

«ای پروردگار من، مرا و پدر و مادرم را بیمارز و هر کس را که به خانه‌ی من در آید (در حالی که) ایمان آورده باشد و نیز تمام مردان و زنان مؤمن را.»

و نیز در ذکر دعای حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ [ابراهیم: 41].

«پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود، من و پدر و مادرم و مؤمنان را بیمارز.»

و در توصیف مؤمنان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾﴾ [الحشر: 10].

«و کسانی که بعد از ایشان (یعنی مهاجرین و انصار) آمده‌اند می‌گویند: «پروردگارا، ما را و برادران ما را که در ایمان از ما پیشی گرفتند ببامرز و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند هیچ غلی (و کینه و بغض و حسدی) قرار مده که تو بسیار رؤوف و مهربانی».

۷) فرشتگان گمارده شده به شخص، «آمین» می‌گویند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«دَعْوَةُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ مُسْتَجَابَةٌ، عِنْدَ رَأْسِهِ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ، كَمَا دَعَا لِأَخِيهِ بِخَيْرٍ قَالَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِهِ: «آمِينَ، وَلَكَ بِمِثْلٍ». (به روایت از مسلم).

«دعای یک نفر مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب او (بدون این که او باخبر باشد) مستجاب می‌شود (زیرا) در کنار سرش فرشته‌ای گمارده شده بر او وجود دارد؛ هر وقت که او برای برادر مسلمانش دعای خیر نمود آن فرشته‌ی مأمور شده بر او می‌گوید: آمین و مانند همین دعا برای تو نیز باشد».

«بِظَهْرِ الْغَيْبِ»: یعنی در غیاب او، و چه قدر لطیف است چیزی که در شرح این حدیث بزرگ گفته شده است: یکی از سلف گفت: «وقتی که ما می‌خواستیم دعایمان مستجاب گردد در عدم حضور برادران مؤمنان برایشان دعا می‌کردیم».

۸) در مورد کسی که می‌خواهد از آتش دوزخ نجات پیدا کند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَالَ حِينَ يَصْبُحُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

ورسولک، أعتق الله ربعة ذلك اليوم من التار فإن قالها أربع مرات أعتقه الله ذلك اليوم من التار». (شیخ ما علامه عبدالعزیزین باز رحمته گفته است: این حدیث را ابو داود با سند حسن روایت کرده است).

«هر کس که بامداد می‌کند بگوید: خداوند، من بامداد نموده‌ام و تو و حاملانِ عرش و فرشتگان و همه‌ی آفریدگانت را به شاهد می‌گیرم که: تو خدایی و هیچ معبودی به حقّی غیر از تو نیست، یگانه‌ای و هیچ شریکی نداری و این که محمد بنده و فرستاده‌ی تو است، خداوند یک چهارم آن روز او را از آتش آزاد می‌کند و اگر آن را چهار بار بگوید، خداوند، او را کلاً در آن روز از آتش آزاد می‌کند».

۹) فضل و بزرگی ذکر خداوند متعال:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِينَ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِينَ وَالصَّامَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: 35].

«بی‌گمان مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان متواضع و پرهیزگار و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاک‌دامن و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، خدا برای همه‌ی آنان، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است».

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

«كلمتان خفيفتان على اللسان، ثقيلتان في الميزان. حبيبتان إلى الرحمن: سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظيم».

دو جمله هست که بر زبان، ساده و سبک ولی در ترازوی (اعمال) سنگین و پیش خداوند بخشنده، محبوب و دوست‌داشتنی می‌باشد: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ»^(۱).

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَأَنْ أَقُولَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ». (به روایت از مسلم).

«این که بگویم: پاک و منزّه است خدا و هر حمد و سپاس و ستایش نیکویی مخصوص اوست و هیچ معبود به حقّی غیر از الله ﷻ وجود ندارد و خدا از هر چیزی بزرگ‌تر است، برایم از هر چه که خورشید بر آن طلوع کرده (یعنی از همه چیز) محبوب‌تر و خوشایندتر است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَتْ لَهُ عِدَلُ عَشْرِ رِقَابٍ وَكَتَبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَمُحِيتُ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ وَكَانَتْ لَهُ حِرْزاً مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَمْسَى وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلِ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدٌ عَمَلٌ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ». (مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ).

«هر کس در روز صد بار بگوید: هیچ معبود به حقّی غیر از الله ﷻ نیست و یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و هر ستایش نیکویی از آن اوست و او بر هر کاری تواناست، به اندازه‌ی آزاد کردن ده برده ثواب دارد و صد نیکی برایش نوشته می‌شود و صد گناه از او پاک می‌شود و این عمل وسیله‌ای می‌شود برای محافظت او از شیطان در آن روز تا زمانی که به شب می‌رسد و هیچ کس عملی بهتر از او انجام نداده است مگر کسی که این کار را بیشتر انجام داده باشد».

^۱ - یعنی: خداوند، پاک و منزّه است و من مشغول سپاس و ستایش او هستم و دیگری یعنی: پاک و منزّه است خداوند بزرگ. (مترجم).

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعٌ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» لَا يَضْرِكُ بِأَيِّهِنَّ بَدَأَتْ». (به روایت از مسلم).

«دوست داشتنی‌ترین کلام نزد خداوند، چهار چیز است: پاک و منزّه است خدا، و هر ستایش نیکویی مخصوص اوست، و هیچ معبودی به حقی غیر او نیست، و خدا بزرگ‌تر است از آن که با چیز دیگری مقایسه گردد و (هر وقت خواستی آن‌ها را بگویی) با هر کدام که شروع کنی فرق نمی‌کند».

* و پیامبر ﷺ فرمود:

«الطَّهْوَرُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». (به روایت از مسلم).

«پاکی نصف ایمان است و «الحمد لله» (کفّه‌ی حسنات) ترازوی (اعمال) را پر می‌کند و «سبحان الله والحمد لله» بین آسمان زمین را پر می‌کنند - یا پر می‌کند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا عَمَلُ بَنِ آدَمَ عَمَلًا أَنْجِي لَهُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ». (طبرانی آن را با سند حسن تخریج کرده و علامه ابن باز - رحمه الله - در «تحفة الاختیار» به آن احتجاج کرده است).

«انسان هیچ عملی نجات دهنده‌تر از ذکر خدا برای رهایی از عذاب او انجام نداده است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مِثْلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُهُ مِثْلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ». (به روایت از بخاری).

«مثال کسی که ذکر پروردگارش را به جای می‌آورد و کسی که ذکر او را انجام نمی‌دهد همانند انسان زنده و مرده است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَفْضَلُ الذِّكْرِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را «حسن» دانسته است).

«بزرگترین ذکر «لا إله إلا الله» می‌باشد».

* در روایات آمده است که مردی گفت: «یا رسول الله ﷺ دستورات اسلام برای من خیلی زیاد است، مرا از عملی آگاه کن که به آن چنگ زنم و آن را پیوسته (بپیوسته) بعد از انجام واجبات، انجام دهم. پس پیامبر ﷺ به او فرمود:

«لا يزال لسانك رطبا من ذكر الله». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«پیوسته زبانت از ذکر خداوند، خیس باشد (و پیوسته مشغول ذکر خدا باش).

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَيَعِجْرُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟»

«آیا یکی از شما هست که نتواند هر روز هزار نیکی کسب نماید؟».

پس یکی از حاضرین در محضر او پرسید: «چگونه هریک از ما می‌تواند هزار نیکی کسب نماید؟» ایشان فرمودند:

«يَسْبُحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ، فَيَكْتُبُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ أَوْ يَحُطُّ عَنْهُ أَلْفَ خَطِيئَةٍ». (به روایت از مسلم).

«صد بار (سبحان الله) بگوید و در نتیجه آن هزار نیکی برای او نوشته می‌شود یا هزار گناه او پاک می‌گردد».

۱۰) فضل و بزرگی مهربانی:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ. اِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمُ مِنَ السَّمَاءِ». (به روایت از ترمذی، و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«خداوند مهربان، مهربانان را می‌بخشد و نسبت به آنان مهربان است. شما با آنان که در زمینند مهربانی کنید در نتیجه آن که در آسمان است به شما رحم و مهربانی خواهد کرد.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ». (به روایت از بخاری رَوَاهُ در ادب مفرد و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«کسی که رحم نکند به او رحم نمی‌شود.»

و در اهل بهشت گروهی هستند که رسول الله ﷺ این گونه از آنان خبر می‌دهد: «أَهْلُ الْجَنَّةِ ثَلَاثَةٌ ... ذَكَرَ مِنْهُمْ: «وَرَجُلٌ رَحِيمٌ رَقِيقٌ الْقَلْبِ لِكُلِّ ذِي قُرْبَى وَمُسْلِمٍ». (به روایت از مسلم).

«اهل بهشت سه گونه‌اند ...» و یکی از آنها را چنین ذکر می‌کند: «و مردی نازک‌دل و مهربان نسبت به هر خویشاوند و مسلمانی.»

۱۱) بر خدا لازم است که در روز قیامت از او راضی باشد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«ما من عبدٍ مسلمٍ يقولُ حينَ يصبُحُ وحينَ يمسي ثلاثَ مرَّاتٍ: رضيتُ بالله ربًّا وبالإسلام ديناً وبمحمدٍ ص نبياً، إلا كانَ حقاً على الله إن يرضيه يومَ القيامةِ». (ابن ماجه آن را حسن دانسته و ابن باز نیز با او موافقت کرده است).

«هیچ بنده‌ی مسلمانی نیست که هرگاه وارد صبح و شب شود و در این حال سه بار بگوید: به خدا به عنوان پروردگار و به اسلام به عنوان دین و به محمد ﷺ به عنوان نبی و پیامبر، راضی شدم، مگر این که در روز قیامت بر خدا لازم می‌شود که از او راضی شود.»

۱۲) فضل و بزرگی مسلمانان ضعیف و مستمندان:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«هَلْ تَنْصُرُونَ وَتَرْزُقُونَ إِلَّا بضعفائكم؟» (به روایت از بخاری).

«آیا شما به دلیلی غیر از (وجود) ضعیفانان است که یاری می‌شوید و روزی داده

می‌شوید؟»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«رَبِّ أَشْعَثَ أَغْبَرَ مدفوع بالأبواب، لو أقسم على الله لأبره». (به روایت از مسلم).

«چه بسا مرد ژولیده موی خاک‌آلودی که همه او را از در خویش می‌رانند و طرد

می‌کنند که اگر خدا را قسم دهد، خدا به قسم او عمل می‌کند».

۱۳) هزار هزار حسنه و نیکی و خانه‌ای در بهشت:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من دخل السَّوقَ، فقال: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يُحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير، كتب الله له ألف ألف حسنة

ومحا عنه ألف ألف سيئة ورفع له ألف ألف درجة».

«کسی که وارد بازار شود و بگوید: هیچ معبود به حقی جز الله ﷻ نیست، یگانه است

و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، هر ستایش نیکویی مخصوص اوست، زنده

می‌گرداند و می‌میراند و او زنده است و نمی‌میرد، خیر و نیکی فقط به دست اوست و او

بر هر کاری تواناست، خدا برای او هزار هزار نیکی و حسنه می‌نویسد و هزار هزار گناه

را از او پاک می‌گرداند و درجات او را هزار هزار درجه بالا می‌برد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من قال في السَّوقِ: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيي ويميت

وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير، كتب الله له ألف ألف حسنة و محا

عنه أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئِهِ وَبَنِي لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». (ترمذی آن را روایت کرده و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«هر کس در بازار بگوید: «هیچ معبود به حقی جز الله ﷻ نیست، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، هر ستایشِ نیکویی مخصوصِ اوست، زنده می‌گرداند و می‌میراند و او زنده است و نمی‌میرد، خیر و نیکی فقط به دستِ اوست و او بر هر کاری تواناست، خدا برای او هزار هزار نیکی و حسنه می‌نویسد و هزار هزار گناه را از او پاک می‌گرداند و خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌کند».

۱۴) فضل و بزرگی سلام کردن:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ مَنْ بَدَأَهُمْ بِالسَّلَامِ». (به روایت از ابو داود و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«بی‌گمان شایسته‌ترین مردم به (محبت و نزدیکی به) خدا کسی است که ابتدا او به دیگران سلام می‌کند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تَتُومِنُوا وَلَا تَتُومِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا. أَوْلَا أَدْلُكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشَوْا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ». (به روایت از مسلم).

«سوگند به کسی که جان من به دستِ اوست هرگز داخلِ بهشت نمی‌شوید تا زمانی که ایمان نیاورید و ایمان نمی‌آورید تا به همدیگر محبت نورزید. آیا شما را راهنمایی نکنم به چیزی که اگر آن را انجام دهید به همدیگر محبت خواهید ورزید؟ سلام را در بیتان آشکار نمایید».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ أَفْشُوا السَّلَامَ وَأَطْعَمُوا الطَّعَامَ وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ وَالتَّاسُّ نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ». (ابن ماجه آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته؛ همان‌گونه که در «صحیح الجامع» آمده است).

«ای مردم، سلام را آشکار نمایید و (به دیگران) غذا دهید و صله‌ی رحم را به جا آورید و در حالی که مردم در خوابند نماز بخوانید تا با سلامت وارد بهشت شوید».

* از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت شده است که مردی پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «السلام علیکم» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «عَشْرًا».

«ده (برابر، سلام بر خودت)».

سپس کس دیگری آمد و گفت: «السلامُ علیکم ورحمةُ الله». پیامبر (در جواب او) فرمود: «عِشْرُونَ».

«بیست (برابر سلام بر خودت)».

سپس، مرد دیگری آمد و گفت: «السلامُ علیکم ورحمةُ الله وبرکاته». پیامبر (در جواب او) فرمود: «ثَلَاثُونَ».

«سی (برابر سلام بر خودت)» (آن را ترمذی روایت کرده و آلبانی صحیح دانسته است).

خداوند تو را رحمت کند، به این فضایلِ عظیم و بخشش‌هایِ بزرگِ الهی در موردِ بزرگی و پاداشِ سلام کردن نگاه کن و ببین که این کار از وسیله‌هایی است که انسان را به بهشت وارد می‌کند و شایسته‌ترین مردم نسبت به خدا و نزدیک‌ترینشان به رحمت خدا کسی است که اوّل سلام می‌کند. ولی دقت کن که چه قدر دیده می‌شود که بیشترِ مسلمانان، این فضل و بزرگی را ضایع می‌گردانند و نسبت به آن سهل‌انگاری می‌نمایند در حالی که پاداشِ آن، نزدِ خداوند، بسیار بزرگ است؟ پس ای مسلمان گرامی، این

فرصتِ بزرگ را غنیمت شمار و به این عمل مبادرت کن و بر سلام کردن بر کسی که می‌شناسی و یا نمی‌شناسی، ثروتمند باشد یا فقیر، عرب باشد یا عجم، حریص باش و بدان که اگر کسی که به او سلام می‌کنی ضعیف یا فقیر باشد و یا این که خیر دنیوی از جانب او متوجه تو نگردد، پاداشِ آن بزرگ‌تر و نزدِ خداوند بالاتر است، و هر کس که به خاطرِ خدا فروتنی کند خدا او را بلندمرتبه می‌گرداند.

۱۵) پاداشِ یاری نمودنِ مردم در دین:

حل کردنِ مشکلِ کسانی که دارایِ مشکلند و آسان‌گیری بر کسی که تنگ‌دست است و مهلت دادن و گذشت از او از جمله اسبابی است که انسان را وارد بهشت می‌گرداند.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من سرّه أن ینجیه الله من کرب یوم القیامة وأن یظلّه تحت عرشه، فلینظر معسراً».

(طبرانی آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«کسی که دوست دارد که خداوند او را از مشکلاتِ روزِ قیامت نجات دهد و او را (در آن روز) زیر سایه‌ی عرشِ خود قرار دهد پس او نیز باید مراقب و مواظب کسی که دارای مشکل و یا تنگ‌دست است باشد».

و در روایتی از مسلم [در مورد حدیث فوق] آمده است که:

«مَنْ سرّه أن ینجیه الله من کرب یوم القیامة فلینفس عن معسرٍ أو یضع عنه».

«هر کس دوست دارد که خدا او را از مشکلاتِ روزِ قیامت نجات دهد باید بر کسی که دارای مشکل است آسان بگیرد یا این که از او گذشت نماید».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«كَانَ رَجُلٌ یداینُ التّاس و كان یقولُ لفتاهُ: إذ أتیت معسراً فتجاوزُ عنه لعلَّ الله عزَّ وجلَّ یتجاوزُ عنّا، فلقى الله فتجاوزَ عنه». (متفق علیه).

«مردی بود که با مردم معامله می‌کرد و به آنان قرض می‌داد. او به خدمتکارش می‌گفت: وقتی سر و کارت با کسی افتاد که تنگ‌دست بود از او گذشت کن به این امید

که خداوند عزّ و جل نیز از ما در گذرد؛ در نتیجه وقتی (بعد از مرگش) خدا را ملاقات نمود، او از گناهانش در گذشت.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا، فَلَهُ كُلُّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ قَبْلَ أَنْ يَحِلَّ الدَّيْنُ، فَإِذَا حُلَّ الدَّيْنُ فَأَنْظَرُهُ بَعْدَ ذَلِكَ، فَلَهُ كُلُّ يَوْمٍ مِثْلِيهِ صَدَقَةٌ». (حاکم آن را صحیح دانسته و آلبانی هم با او موافق بوده است).

«کسی که به شخصِ تنگ‌دستی کمک کند (و به او قرض بدهد)، تا قبل از مهلتِ بازپرداختِ قرض، هر روز برای او صدقه‌ای حساب می‌گردد و وقتی که مهلتِ بازپرداختِ قرض فرا رسید و او دوباره ملاحظه‌ی شخصِ تنگ‌دست را نمود، هر روز دو برابرِ حالتِ قبل، برایش صدقه حساب می‌گردد.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يَسْتَظِلُّ فِي ظِلِّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِرَجُلٍ أَنْظَرَ مُعْسِرًا حَتَّى يَجِدَ شَيْئًا، أَوْ تَصَدَّقَ عَلَيْهِ بِمَا يَطْلُبُهُ، يَقُولُ: مَا لِي عَلَيْكَ صَدَقَةٌ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ، وَيُخْرِقُ صَحِيفَتَهُ». (به روایت از طبرانی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«بی‌گمان اولین کسی که در روز قیامت زیر سایه‌ی خدا قرار خواهد گرفت مردی است که ملاحظه‌ی شخصِ تنگ‌دستی را نموده تا چیزی پیدا کند (و قرض او را بپردازد) یا این که آن مقدار که او لازم دارد به او صدقه داده است این گونه که به او گفته است: آنچه که تو از من بدهکاری (قرضداری)، به خاطرِ خدا بر تو صدقه باشد و نوشته‌اش را (که مدرکِ آن قرض است) پاره کرده است.»

و آن قسمت که می‌گوید: «آنچه که تو از من بدهکاری (قرضداری)، به خاطرِ خدا بر تو صدقه باشد»، باید بدونِ منت باشد زیرا منت نهادن از چیزهایی است که عمل را نابود می‌کند و معنی آن قسمت که می‌گوید: «و نوشته‌اش را پاره می‌کند» یعنی: آنچه را که بر عهده‌ی اوست قطع می‌نماید. پس خوشا به حال کسی که خداوند به او توفیقِ عمل به

این حدیثِ عظیم و تطبیقش با آن را حتی برای یک بار در عمرش به او عطا کرده باشد و این عمل، قرض دادن تو، به برادرِ مسلمانان و مراعات نمودن او [برای بازپرداخت قرض] یا در صورتی که تنگ‌دست باشد، بخشیدن قرض به او یا صدقه دادن به او، به اندازه‌ای که می‌خواهد می‌باشد و هر قدر، مالت پیشِ نفست دوست‌داشتنی‌تر و ارزشش نزد تو بیشتر باشد، این عملت برای خدا خالصانه‌تر خواهد بود و نزد خداوند، بزرگ‌تر، و بشارت باد بر تو که در این حالت از زمره‌ی کسانی خواهی شد که خداوند آنان را در کتابش یاد کرده است، آن جا که می‌فرماید:

﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: 9].

«و دیگران را بر خود بر می‌گزینند ولو خود، نیازمندی و فقری داشته باشند و هر کس از آزمندیِ نفس خود، نگاه داشته شد، آنان همان رستگارانند.»

۱۶) در بیان این که فضل دنیا و نیکی آن، به ذکر کردن و عمل نیک انجام دادن و علم و دانش است:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى، وَمَا وَالَاهُ وَعَالَمٌ أَوْ مَتَعَلَّمٌ». (ترمذی آن را حسن داشته و آلبانی هم با او موافقت کرده است).

«دنیا و آنچه در اوست نفرین شده و شوم است مگر ذکرِ خداوندِ متعال و کسی که با او دوستی ورزد و انسانِ عالم و کسی که به دنبال علم است.»

۱۷) فضل و بزرگی مجالس ذکر:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطَّرِيقِ، يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا أَقْوَامًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ، تَنَادَوْا: هَلُمَّوا إِلَيْنَا حَاجَتَكُمْ. قَالَ: فَيُحَقِّقُونَهُمْ بِأَجْنَحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا. قَالَ: فَيَسْأَلُهُم

رَبَّهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ: ما يقولُ عبادي؟ قال: تقول: يَسْبَحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيُحْمَدُونَكَ، وَيُجَدِّدُونَكَ، قال: فيقول: هل رأوني؟ قال: فيقولون: لا والله، ما رأوك. قال: فيقول: وكيف لو رأوني؟ قال: يقولون: لو رأوك، كانوا أشدَّ لك عبادَةً وأشدَّ لك تمجيدًا وتحميدًا وأكثرَ لك تسييحًا. قال: يقول: فما يسألوني؟ قال: يقولون: يسألونك الجنَّة. قال: يقول: و هل رأوها؟ قال يقولون: لا والله يا ربِّ، ما رأوها. قال يقول: فكيف لو أنَّهُم رأوها؟ قال: يقولون: لو أنَّهُم رأوها كانوا أشدَّ عليها حرصاً وأشدَّ عليها طلباً وأعظم فيها رغبةً. قال: فمَمَّ يتعوذون؟ قال: يقولون: من النَّارِ. قال: يقول: وهل رأوها؟ قال يقولون: لا والله يا ربِّ، ما رأوها. قال: يقول: فكيف لو رأوها؟ قال: يقولون: لو رأوها كانوا أشدَّ منها فراراً وأشدَّ لها مخافةً. قال: فيقول: فأشهدُكم أنِّي قد غفرتُ لهم. قال: يقول ملكه من الملائكة: فيهم فلانٌ ليس منهم إنَّما جاءَ لحاجةٍ. قال: هم الجلساء. لا يشقى بهم جليسهم».

وفي روايةٍ لمسلمٍ: «يقولُ اللهُ تعالى: ولهُ غفرتُ، هم القومُ لا يشقى بهم جليسهم». (متفقٌ عليه).

«خداوند فرشته‌هایی دارد که در راه‌ها می‌گردند و به دنبال اهل ذکر و ذاکرین می‌گردند و وقتی که عده‌ای را یافتند که در حال ذکر خدا هستند ندا سر می‌دهند: بشتابید به سوی نیازتان (که این مجلس ذکر و حضور در آن می‌باشد که نیاز و مطلوب اصلی هر انسانی است). پیامبر فرمود: و با بال‌هایشان افراد حاضر در مجلس را می‌پوشانند (و تعداد آن‌ها آن قدر زیاد می‌شود) تا اینکه به آسمان دنیا می‌رسند. پیامبر فرمود: خدا در حالی که به حال بندگانش از فرشتگان، آگاه‌تر است از آنان می‌پرسد: بندگانم چه می‌گویند؟ پیامبر فرمود: آنان در جواب می‌گویند: آنان تسییح تو می‌گویند (سبحان الله) و تکبیر تو می‌گویند (الله اکبر) و حمد و ستایش تو می‌کنند (الحمد لله) و تو را بزرگ می‌دانند. پیامبر فرمود: پس خداوند می‌فرماید: «آیا مرا دیده‌اند؟» پیامبر فرمود: «آنان در جواب می‌گویند: قسم به خدا نه، تو را ندیده‌اند. پیامبر فرمود: خداوند به آنان می‌فرماید: و اگر مرا می‌دیدند، چه طور می‌شد؟ پیامبر فرمود: آنان در جواب می‌گویند: اگر تو را می‌دیدند، تو را شدیدتر حمد و سپاس و ستایش می‌گفتند و شدیدتر تمجید می‌کردند و

بیشتر تسبیح می‌گفتند. پیامبر فرمود: خداوند به آنان می‌فرماید: از من چه می‌خواهند؟ پیامبر فرمود: آنان در جواب می‌گویند: از تو بهشت می‌خواهند. پیامبر فرمود: خداوند می‌فرماید: و آیا آن را دیده‌اند؟ پیامبر فرمود: و آنان در جواب می‌گویند: نه قسم به خدا آن را ندیده‌اند. پیامبر فرمود: خداوند می‌فرماید: چگونه می‌شد اگر آن را می‌دیدند؟ پیامبر فرمود: آن‌ها در جواب می‌گویند: (اگر آن را می‌دیدند) حرص و طلبشان برای آن شدیدتر می‌شد و رغبت و میلشان برای آن بزرگ‌تر می‌گشت. (پیامبر فرمود:) خداوند به آنان می‌فرماید: و از چه (به من) پناه می‌آورند؟ پیامبر فرمود: آنان در جواب می‌گویند: از آتش دوزخ. پیامبر فرمود: خداوند می‌فرماید: و اگر آن را می‌دیدند چه طور می‌شد؟ پیامبر فرمود: آنان در جواب می‌گویند: اگر آن را می‌دیدند، شدیدتر از آن فرار می‌کردند و می‌ترسیدند. پیامبر فرمود: پس خداوند می‌فرماید: پس من شما را به شاهد می‌گیرم که آنان را بخشیدم. پیامبر فرمود: فرشته‌ای از آن فرشتگان می‌گوید: در میانشان فلان کس است که از آنان نیست بلکه برای نیازی (شخصی، بینشان) آمده است. خداوند به آنان جواب می‌دهد که: آنان در مجلس نشسته‌اند (و حضور دارند) و کسی که با آنان بنشیند بدبخت و بیچاره نمی‌شود (بلکه سعادت‌مند می‌گردد).

و در روایتی از مسلم (به جای قسمت آخر حدیث فوق) آمده است: خداوند متعال می‌فرماید: و او را بخشیدم. آنان قومی هستند که هم‌مجلسشان به دلیل آن‌ها بدبخت و بیچاره نمی‌شود (بلکه سعادت‌مند می‌گردد).

۱۸) حسرت خوردن بهشتیان بر زمان :

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَيْسَ يَتَحَسَّرُ أَهْلُ الْجَنَّةِ إِلَّا عَلَى سَاعَةٍ مَرَّتْ بِهِمْ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا». (آن را طبرانی روایت کرده و سلیم هلالی آن را صحیح دانسته است).

«بهشتیان بر هیچ چیزی حسرت نمی‌خورند مگر بر لحظه‌ای که بر آنان گذشته و در آن، ذکر خداوند عزّ و جل را نکرده باشند».

۱۹) فضل و بزرگی طلب علم شرعی:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ بِهِ عِلْماً سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ». (به روایت از بخاری).
 «هر کس راهی برود که در آن طالب علمی باشد، خداوند (نیز) راهی به سوی بهشت را برای او آماده می‌کند».

۲۰) فضل و برتری انسان عالم بر عابد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ، كَفَضْلِ عَلِيٍّ عَلَى أَدْنَاكُمْ»، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ حَتَّى الثَّمَلَةَ فِي جِجْرِهَا وَحَتَّى الْحَوْثَ لِيَصْلُوهَا عَلَى مَعْلَمِ النَّاسِ الْخَيْرِ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).
 «فضل و برتری عالم و دانشمند بر انسان عابد، همانند فضل و برتری من بر پایین‌ترین شماس است». سپس فرمود: «بی‌گمان خداوند و فرشتگان و ساکنان زمین‌ها و آسمان‌ها، حتی آن مورچه‌ای که در لانه‌اش است و حتی ماهی، بر کسی که نیکی و خیر به مردم می‌آموزد درود می‌فرستد».

۲۱) فضل و بزرگی درود فرستادن بر پیامبر ﷺ:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ ثَلَاثًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَبَنَى لِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». (بغوی در «شرح السنة» آن را صحیح دانسته است).
 «هر کس سه بار بر من درود فرستد، خداوند ده بار بر او درود می‌فرستد و خانه‌ای در بهشت برایش ساخته می‌شود».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ حِينَ يَصْبِحُ عَشْرًا وَحِينَ يَمْسِي عَشْرًا، أُدْرِكْتُهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (طبرانی آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).
 «هرکس هنگامی که وارد صبح می‌شود، ده بار بر من درود بفرستد و هر گاه وارد شب می‌شود، ده بار، شفاعت من در روز قیامت شامل او خواهد شد».

۲۲) در مورد کسی که [سوزاندن او] بر آتش حرام است:

* پیامبر ﷺ در حدیث عتبان رضی الله عنه که قبلاً ذکر کردیم فرمود:
 «فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتَغِي بِهَا وَجَهَ اللَّهِ». (متفقٌ علیه).
 «خداوند، کسی را که بگوید: «لا إله إلا الله» و هدف و مقصودش از این گفته فقط خدا باشد بر دوزخ حرام گردانیده است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَى النَّارِ أَوْ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ؟ عَلَى كُلِّ قَرِيبٍ هَيِّنٍ سَهْلٍ». (ترمذی، آن را حسن دانسته ولی آلبانی آن را صحیح دانسته است).
 «آیا شما را از کسی که بر آتش دوزخ حرام است یا (به عبارتی دیگر) آتش دوزخ بر او حرام است باخبر نسازم؟ بر هر کس (به دیگران و قلب‌هایشان) نزدیک و (رفتارش) نرم و (رابطه با او) آسان است (و تندخو نیست)». و «قریب» یعنی: نزدیک به قلبها، مهربان و بدور از عصبانیت.

۲۳) در مورد فضل و بزرگی فرو خوردن خشم:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَنْقِذَهُ دَعَاؤُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَخْضِرَ مِنَ الْحُورِ مَا شَاءَ». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی هم با او موافقت کرده است).

«هرکس خشمی را فرو خورد در حالی که قادر به عمل به آن می‌باشد، خداوند پاک و متعال در روز قیامت بر بالای سر مردم او را صدا می‌زند تا هر حوری که می‌خواهد انتخاب نماید».

* پیامبر ﷺ در حدیثی که مردم را برای خدا محبوب می‌گرداند می‌فرماید:
 «وَمَنْ كَفَّ غَضَبَهُ سَتَرَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَلَوْ شَاءَ أَنْ يَمْضِيَهُ أَمْضَاهُ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ رِضًى يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (طبرانی و ابن ابی الدنيا آن را روایت کرده و آلبانی در «صحیح الجامع» آن را حسن دانسته است).

«هرکس از عصبانیت و خشمش دست بردارد خداوند، عیب او را می‌پوشاند و هر کس که عصبانیتش را فرو خورد ولو اینکه خواسته باشد که به خشمش عمل نماید، خداوند در روز قیامت قلبش را از رضایت پر می‌کند».

۲۴) فضل و بزرگی آیه الكرسي:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عَقَبَ كُلَّ صَلَاةٍ لَمْ يَمْنَعُهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ». (نسائی)
 آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است.
 «هر کس بعد از هر نمازی «آیه الكرسي» را بخواند هیچ چیز مانع وارد شدن او به بهشت نمی‌شود و فقط کافی است که بمیرد (تا وارد آن شود)».

۲۵) بهشت و دوزخ در مورد آنان چه می‌گویند؟

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ اسْتَجَارَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ثَلَاثًا قَالَتِ النَّارُ: اللَّهُمَّ أَجْرُهُ مِنِّي وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ ثَلَاثًا قَالَتِ الْجَنَّةُ: اللَّهُمَّ ادْخُلْهُ فِيَّ». (بغوی رحمه الله آن را صحیح دانسته است).

«هر کس سه بار از (رفتن) به دوزخ به خداوند پناه ببرد، دوزخ می‌گوید: «خداوندا از دست من نجاتش ده (و او را پناه ده)» و هر کس سه بار از خدا بهشت را بخواهد بهشت می‌گوید: «خداوندا، او را در من داخل نما».

۲۶) ترغیب و تشویق به کندن قبر و شستن مردگان و کفن پوشانیدن به آنان:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَكَتَمَ عَلَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً، وَمَنْ كَفَنَ مَيِّتًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ سُنْدِسٍ وَاسْتَبْرَقٍ فِي الْجَنَّةِ وَمَنْ حَفَرَ لَمِيَّتٍ قَبْرًا فَأَجَنَّهُ فِيهِ أَجْرِي اللَّهُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ مَسْكِنٍ أَسْكَنَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (حاکم آن را روایت کرده و گفته است که: براساس شرط مسلم، صحیح است و آلبانی رحمته در «صحیح الترغیب» آن را صحیح دانسته است).

«هر کس مرده‌ای را بشوید و غسلش دهد و بعد، اسرار و عیب او را بپوشاند، خداوند او را می‌بخشاید و هر کس به مرده‌ای کفنی بپوشاند، خداوند در بهشت به او (لباس) ابریشم لطیف و ستبر خواهد پوشاند و هر کس برای مرده‌ای قبری حفر کند و او را در آن جای دهد و روی آن را بپوشاند خداوند از پاداش به اندازه‌ی منزلی به او عطا می‌کند که او را تا روز قیامت، ساکن آن می‌گرداند».

پس خوشا به حال کسی که مؤمنی را غسل داده و شسته یا او را کفن پوشانده و یا برای برادر مؤمنش قبری حفر کرده است تا او را در آن پنهان سازد و یا این که در این کارها شرکت داشته است ولو این که به وسیله‌ی اموال خود میّت بوده باشد و اگر این، ثواب و پاداش کسی است که فقط یک قبر حفر کرده است پس خود، مقایسه کن و ببین که اجر و پاداش کسی که قبرستانی را وقف می‌کند تا بندگان خدا که تعدادشان را فقط او می‌داند در آن دفن کردند چه قدر است و نیز اجر و پاداش کسی که مرده‌شورخانه‌ای برای مردگان وقف می‌نماید یا قیمت چندین کفن را که با آن عده‌ای از مردگان را می‌پوشاند پرداخت نماید چه اندازه می‌گردد؟ پس درس بگیرید ای کسانی که بر انجام این اعمال نعمت یافته‌اید؛ ای کسانی که انجام آن‌ها برایتان آسان است، این فرصت را

غنیمت شمارید زیرا از برادرانتان در دین و عقیده در مشرق‌ها و مغرب‌های زمین هستند که می‌میرند و قیمت کمترین و ساده‌ترین چیزی را که لازم است مسلمانی با آن به خاک سپرده شود ندارند (یعنی خرج کفن و دفن).

۲۷) فضل و بزرگی نماز بر جنازه و تشییع آن:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ جَنَازَةً وَلَمْ يَتَّبِعْهَا فَلَهُ قِيرَاطٌ فَإِنْ تَبِعَهَا فَلَهُ قِيرَاطَانِ»
 «هر کس بر جنازه‌ای نماز بگزارد ولی به دنبال آن (برای تشییعش) نرود یک «قیراط» (پاداش) می‌گیرد و اگر به دنبال آن (برای تشییعش) هم برود، دو «قیراط» (پاداش) می‌گیرد».

گفته شد که آن دو قیراط چیستند؟ ایشان در جواب فرمودند:

«أَصْغَرُهُمَا مِثْلُ أَحَدٍ».

«کوچکترین آن‌ها به اندازه‌ی کوه احد است».

۲۸) فضل و بزرگی زیاد بودن نماز گزاران بر جنازه‌ی مسلمان:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ، فَيَقُومُ عَلَيَّ جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا لَا يَشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا شَقَّعَهُمُ اللَّهُ فِيهِ». (به روایت از مسلم)
 «هیچ مرد مسلمانی نیست که اگر بمیرد و چهل نفر که به خدا شرک نمی‌ورزند، بر جنازه‌اش حاضر شوند، حتماً خداوند آنان را برای میت شفیع قرار می‌دهد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ صَفُوفٍ فَقَدْ أَوْجَبَ». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی هم با او موافقت کرده است).

«هرکس که (بمیرد) و سه صف بر او نماز میت بخوانند بهشت بر او واجب می‌شود.» و «أَوْجَبَ» یعنی: بهشت برایش واجب شد.

۲۹) فضل و بزرگی حسن خلق:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا». (به روایت از مسلم).

«بی‌گمان، خوش‌خلق‌ترین‌هایتان از بهترین‌هایتان می‌باشند.»

* از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «از رسول خدا ﷺ در مورد چیزی که بیشتر، مردم را وارد بهشت می‌کند سؤال شد. ایشان فرمودند:

«تَقْوَى اللَّهِ وَحَسَنُ الْخُلُقِ».

«پرهیزگاری خداوند و حسن خلق.»

و نیز در مورد چیزی که بیشتر، مردم را وارد دوزخ می‌گرداند، از او سؤال شد و ایشان فرمودند:

«الْفُجْرُ وَالْفِرْحُ». (ترمذی آن را روایت کرده و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«دهان و عورت (انسان)».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَبْعَثُ الْفَاحِشَ الْبَذِيءَ».

«هیچ چیزی در ترازوی فرد مؤمن در روز قیامت سنگین‌تر از خلق نیک نیست و خداوند از هر عمل مضر و ناپسند و نو و بدیعی (در دین) بدش می‌آید (و آن را ناپسند می‌دارد)».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَدْرِكُهُ بِحَسَنِ خَلْقِهِ دَرَجَةٌ الصَّائِمِ الْقَائِمِ». (ابو داود آن را روایت کرده و آلبانی صحیح دانسته است).

«بی‌گمان، مؤمن به وسیله‌ی خوش‌خویی‌اش به درجه و مقام کسی که زیاد روزه می‌گیرد و شبها عبادت می‌کند می‌رسد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا». (به روایت از ابوداود و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«کامل‌ترین مؤمنین از نظر ایمان بهترین آنان از نظر خلق و خوی است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا، الْمُوْطَأُونَ أَكْنَافًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُولِفُونَ». (به روایت از طبرانی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«بی‌گمان نزدیک‌ترین شما به من از نظر جایگاه، بهترین شما از نظر خلق و خوی، ساده‌ترین و مهیاترین شما برای اطرافیانش (برای ایجاد رابطه) می‌باشند یعنی آنان که (زود با دیگران) انس می‌گیرند و (زود) با آنان انس گرفته می‌شود».

ابن‌کنیر در کتاب «التَّهْيَاة» در مورد معنی «الموْطَأُونَ أَكْنَافًا» گفته است: اصل و ریشه‌ی «الموْطَأُونَ» از «توطئه» می‌باشد که به معنای آماده‌سازی و تواضع [برای انجام کاری] است و «فراش و طیبی» یعنی زیرانداز و رخت‌خوابی که پهلوی شخص خوابیده بر روی آن را اذیت نمی‌کند و «الأکناف» یعنی جوانب و کناره‌ها. در این جا مقصود از ترکیب فوق‌الذکر، کسانی است که اطراف آنان گود است [و همان طور که آب و سیالات دیگر خیلی راحت به جای گود سرازیر می‌شوند] آنان که با ایشان نشست و برخاست می‌کنند، راحت در آن، جای می‌گیرند بدون اینکه اذیت شوند و ناراحت گردند.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِساً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقاً وَإِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي مَجْلِساً يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الثَّرَاوُونَ وَالتَّشَدَّقُونَ وَالتَّمْفِيهُونَ».

«بی‌گمان محبوب‌ترین شما نسبت به من و نزدیک‌ترین شما به من از نظر جایگاه در روز قیامت، بهترین شما از نظر خلق و خوی و مبعوض‌ترین شما نسبت به من و دورترین شما به من از نظر جایگاه در روز قیامت آنانی‌اند که زیاد سخن می‌گویند و با مردم به زشتی سخن می‌گویند و به آنان دشنام می‌دهند و نیز «تمفیهون».

گفتند: «یا رسول الله ﷺ ثرثارون و متشدقون را می‌شناسیم ولی «تمفیهون» یعنی چه؟ فرمود: «متکبرین». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

ابن مبارک رحمته در تفسیر حسن خلق گفته است: حسن خلق، همان گشادگی رو و نیکی کردن به دیگران و دست کشیدن از اذیت دیگران است.

و ترمذی رحمته در شرح معنی «متشدق» می‌گوید که: متشدق کسی است که در کلام و سخن گفتنش بر مردم ستم روا می‌دارد و نسبت به آنان دشنام‌گوی و زشت‌گفتار می‌گردد».

۳۰) از موجبات و دلایل بخشش:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ مِنْ مُوجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ: بَذْلُ السَّلَامِ وَحَسَنَ الْكَلَامِ». (به روایت از طبرانی و آلبانی در «صحیح الترغیب» آن را صحیح دانسته است).

«از موجبات مغفرت و بخشش (الهی) سلام کردن و گفتار نیک است».

۳۱) عملی ساده همراه با نیت [خالص برای خدا] بالاترین و بزرگ‌ترین جایگاه و ارزش را نزد خداوند دارد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أحدثكم حديثاً فاحفظوه، إنما الدنيا لأربعة نفر: عبد رزقه الله مالاً وعلماً فهو يتقى فيه ربه ويصل فيه رحمه ويعلم لله فيه حقاً فهذا بأفضل المنازل. و عبد رزقه الله علماً ولم يرزقه مالاً فهو صادق النية يقول: لو أن لي مالاً لعملت بعمل فلان، فهو بنيته فأجرهما سواء...» إلى أن ذكر الرجلين الآخرين». (به روایت از ترمذی و البانی آن را صحیح دانسته است).

«حدیثی برایتان بیان می‌کنم پس آن را حفظ کنید؛ دنیا فقط برای چهار نفر است: بنده‌ای که خدا به او هم مال داده و هم علم و او درباره‌ی آن، تقوای خداوند را پیشه می‌کند و به وسیله‌ی آن صله‌ی رحم را به جا می‌آورد و می‌داند که در آن، برای خدا حقی است (زکات و صدقه و ...) و این بالاترین و بهترین جایگاه است. و (دیگری) بنده‌ای که خدا به او علم داده ولی به او مال نداده است و در حالی که در نیتش صادق است می‌گوید: اگر مالی داشتم همانند فلان کس (نفر قبل) عمل می‌کردم، پس او نتیجه‌ی نیتش را می‌بیند و پاداش هر دو نفر باهم برابر است...» و بعد آن دو نفر باقیمانده‌ی دیگر را نیز ذکر می‌نماید.

پس ای برادرم به خاطر خدا، فکر کن و ببین که چه قدر می‌توانی ثواب و پاداش زیاد داشته باشی، حتی اگر مالی [برا بخشیدن و خرج نمودن در راه خدا] نداشته باشی بلکه فقط کافی است که صادق باشی و با اخلاص بگویی: «اگر من هم اندازه‌ی فلان تاجر مال داشتم همانند او عمل خیر انجام می‌دادم» [و با این گفته] هر دو تایتان در اجر و ثواب و پاداش باهم برابر خواهید شد. ببینید که این چه نعمت بزرگی است، پس سپاس و ستایش برای خدایی که فقط او شایسته تعریف و تمجید است.

۳۲) چگونه بلای ناگهانی از تو دفع می‌گردد؟

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَمْ تَصِبْهُ فِجَاءٌ بَلَاءٍ حَتَّىٰ يَصْبِحَ وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يَصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَمْ تَصِبْهُ فِجَاءٌ بَلَاءٍ حَتَّىٰ يَمْسِيَ». (به روایت از ابوداود و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هر کس (در اوّل شب) سه بار بگوید: به نام خداوندی که با (گفتن) اسم او هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان نمی‌تواند (به شخص) ضرر برساند و او شنوا و داناست، هیچ بلائی ناگهانی تا صبح به او نمی‌رسد و هر کس آن را وقتی که وارد صبح می‌شود، سه بار بگوید، هیچ بلائی ناگهانی تا شب به او نمی‌رسد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَيَضُرُّهُ شَيْءٌ». (ترمذی آن را روایت کرده و گفته است که حدیثی است حسن و صحیح و شیخ ابن باز رحمته در «تحفه الأخیار» با او موافقت کرده است).

«هیچ بنده‌ای نیست که در اوّل صبح هر روز و اوّل هر شب سه بار بگوید: «به نام خداوندی که با (گفتن) اسم او هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان نمی‌تواند (به او)، ضرر برساند و او شنوا و داناست، و چیزی به او آسیب برساند».

۳۳) خداوند او را از آنچه از کارهای دنیا و آخرت که غمگین و نگرانش می‌کند حفظ می‌کند [و مشکل او را برطرف می‌نماید]:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ حِينَ يَصْبِحُ وَحِينَ يَمْسِي: حَسْبِيَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، سَبْعَ مَرَّاتٍ، كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمُّهُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». (ابن السنی رحمته آن را روایت کرده و «شعیب» و «عبدالقادر اروناووظ» -وقفهما الله- آن را صحیح دانسته‌اند).

«هر کس در اوّل روز و اوّل شب، هفت بار بگوید: خداوند، برای من کافی است، هیچ معبود به حقی جز او نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرشِ عظیم است، خداوند، هر مشکلی از امور دنیا و آخرت را که او را غمگین و نگران می‌کند، برایش برطرف می‌نماید.»

۳۴) فضل و بزرگی قرائت سوره‌ی کهف در روز جمعه:

* پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«من قرأ سورة الكهف في يوم الجمعة أضاء له من النور ما بين الجمعتين». (به روایت از نسائی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هرکس سوره‌ی کهف را در روز جمعه قرائت کند، مابین دو جمع‌اش از نور، روشن می‌گردد.»

۳۵) درخت خرمایی در بهشت:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من قال: سبحان الله العظيم و بحمده، غرست له نخلة في الجنة». (به روایت از ترمذی آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هر کس بگوید: «سبحان الله العظيم و بحمده (پاک و منزّه است خداوند بزرگ و من به حمد و ستایش او مشغولم)» درخت خرمایی در بهشت برایش کاشته می‌شود.»

حال، خود در نظر بگیرید کسی که ذکر فوق را روزی صد بار بگوید چند درخت خرمای در بهشت خواهد داشت، پس ببینید که فضل و رحمت خداوند بسیار وسیع‌تر و بزرگ‌تر از آن است که ما تصور می‌کنیم:

﴿وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [البقرة: ۲۶۱].

«و خداوند، پاداش هر کس را که بخواهد چند برابر می‌کند.»

۳۶) گناهانش بخشوده می‌شود حتی اگر به اندازه‌ی کف دریا باشد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». (به روایت از ترمذی، و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هرکس صدبار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» (پاک و منزّه است خداوند و من به حمد و ستایش او مشغولم) گناهانش حتی اگر به اندازه‌ی کفِ روی دریا باشد بخشوده می‌شود».

۳۷) نهال بهشت:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَقْرَبُ أُمَّتِكَ مِنِّي السَّلَامَ وَأَخْبِرُهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَأَنَّهَا قِيَعَانٌ وَأَنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«در شبی که به آسمان برده شدم (لیلة الإسراء) با ابراهیم عليه السلام ملاقات نمودم و او به من گفت: «ای محمد از طرف من به امتت سلام برسان و به آنان خبر ده که خاکِ بهشت، پاک و آبِ آن، شیرین و گوارا و صاف و زمینِ آن هموار است و بی‌گمان نهالِ آن، (ذکر): سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ (پاک و منزّه است خداوند و هر حمد و ستایش نیکویی مخصوص اوست و هیچ معبود به حقّی جز او نیست و او از هر چیزی بزرگ‌تر است) می‌باشد».

۳۸) گنجی از گنج‌های بهشت و دری از درهای آن:* از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «پیامبر ﷺ به من فرمود:

«أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟»

«آیا تو را بر گنجی از گنجهای بهشت آگاه نسازم؟»

عرض کردم: آری ای رسول خدا. ایشان فرمودند:

«لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (متفقٌ علیه).

«هیچ توانایی و نیرویی نیست مگر به (یاری و دست) خداوند».

* از قیس بن سعد رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ؟»

«آیا تو را به دری از درهای بهشت راهنمایی نکنم؟»

عرض کردم: «آری». ایشان فرمودند:

«لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ توانایی و نیرویی نیست مگر به (یاری و دست) خداوند».

۳۹) باقیات الصالحات:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ

أَمَلًا﴾ [الكهف: 46].

«دارایی و فرزندان، زینتِ زندگیِ دنیایند (و زوال‌پذیر و گذرا) و اما اعمالِ شایسته‌ای که نتایج آن، جاودانه است بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگارت دارد و بهترین امید و آرزوست».

و پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر «الباقیات الصالحات» فرمود:

«الباقیات الصالحات: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة

إلا بالله». (شیخ ابن باز رحمته الله گفته است: این حدیث را نسائی روایت کرده و ابن حبان و حاکم صحیح دانسته‌اند).

«باقیات الصالحات عبارتند از: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا حول

ولا قوة إلا بالله».

و معنایش این است که «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» و «لا حول ولا قوة إلا بالله» از زینت زندگانی دنیا بهتر است.

۴۰) در مورد فضل و بزرگی قرائت قرآن کریم و تلاوت آن:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِقْرُؤُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ» (به روایت از مسلم).
«قرآن بخوانید زیرا قرآن در روز قیامت، شفیع یارانش می‌گردد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: إِقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ، كَمَا كُنْتَ تَرْتِّلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَأُ بِهَا». (ترمذی آن را روایت کرده و گفته است: صحیح است و آلبانی با او موافقت کرده است).

«به همنشین قرآن (در روز قیامت) گفته می‌شود: «قرآن را همان‌گونه که در دنیا به ترتیل می‌خواندی، به ترتیل بخوان و بالا برو و بی‌گمان منزلت و مقام تو نزد آخرین آیه‌ای است که آن را می‌خوانی».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يَجِيءُ صَاحِبُ الْقُرْآنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ حَلِّهِ، فَيُلْبَسُ تَاجَ الْكِرَامَةِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ زِدْهُ، فَيُلْبَسُ حُلَّةَ الْكِرَامَةِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ ارْضَ عَنْهُ، فَيَقُولُ: رَضِيْتُ عَنْهُ، فَيُقَالُ لَهُ: اقْرَأْ وَأَرْقُ، وَيُعْطَى بِكُلِّ آيَةٍ حَسَنَةً». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی هم با او موافقت کرده است).

«روز قیامت، همنشین با قرآن می‌آید و قرآن می‌گوید: ای پروردگرم، او را آراسته گردان و بپوشان، پس بر او تاج کرامت و بزرگواری می‌نهند. باز می‌گوید: ای پروردگرم، آن را بیشتر کن، پس لباس کرامت و بزرگواری به او پوشانده می‌شود و سپس می‌گوید:

ای پروردگار من، از او راضی شو، پس خدا هم از او راضی می‌شود. سپس به او گفته می‌شود که: قرآن بخوان و بالا رو و با هر آیه، حسنه‌ای به تو اضافه می‌گردد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ: «الم» حَرْفٌ وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلاَمٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ». (به روایت از ترمذی و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هرکس حرفی از کتاب خدا بخواند به وسیله‌ی آن حسنه‌ای نصیب او می‌شود و هر حسنه‌ی آن به ده برابر پاداش داده می‌شود. نمی‌گوییم که «الم» یک حرف است بلکه «الف» یک حرف و «لام» یک حرف و «میم» یک حرف است».

پس ببین - خدا تو را ببخشاید و به تو رحم کند - که چند آیه در قرآن است و در این آیات چند هزار حرف وجود دارد و ثواب قرائت آن چه قدر عظیم و بزرگ می‌گردد. این موضوع، دلیل بر وسعت فضل خدا و احسان و نیکی عظیم اوست. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [یونس: 58].

«بگو: به فضل و رحمت خدا - به همین (نه چیز دیگری) - باید مردمان شادمان شوند. این بهتر از چیزهایی است که (از حطام دنیا) گرد می‌آورند».

۴۱) سوره‌ی اخلاص را دوست داشت و به دلیل آن به بهشت وعده داده شد:

* از انس رضی الله عنه روایت شده است که مردی گفت: «ای رسول خدا، من این سوره یعنی:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، رَا دُوسْت دَارْم﴾. پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ حَبَّكَ إِيَّاهَا يَدْخُلُكَ الْجَنَّةَ». (به روایت از ترمذی و بخاری در صحیحش آن را به صورت معلق^(۱)، روایت کرده است).

«بی‌گمان دوست داشتن این سوره توسط تو، تو را وارد بهشت خواهد کرد».

۴۲) فضل و بزرگی کسی که با جان و مالش، قرآن را به دیگران یاد می‌دهد یا به این امر کمک می‌کند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ». (به روایت از بخاری).

«بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران یاد بدهد».

۴۳) فضل و بزرگی رفتن به مسجد برای آموختن علم یا قرائت قرآن:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَغْدُوَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى بُطْحَانَ أَوْ إِلَى الْعَقِيقِ فَيَأْتِي مِنْهُ بِنَاقَتَيْنِ كَوْمَاوَيْنِ فِي غَيْرِ إِثْمٍ وَلَا قَطْعِ رَحِمٍ».

«کدام یک از شما دوست دارد که اول صبح به بطحان و عقیق برود و از آن جا بدون این که نافرمانی خدا کند یا یک رابطه‌ی خویشاوندی را قطع کند، دو شتر بزرگ کوهان (بدست آورد و) با خود بیاورد؟ ما در جواب گفتیم: «ای رسول خدا همه‌ی ما چنین چیزی را دوست داریم». ایشان فرمودند:

^۱ - حدیث معلق حدیثی است که از مبدأ سندش یک راوی یا بیشتر و به صورت متوالی حذف شده باشد و یکی از صورت‌هایش این است که کلّ سند غیر از صحابی یا صحابی و تابعی حذف شده باشد. حدیث معلق مطلق ضعیف و مردود است ولی این نوع حدیث اگر در کتاب صحیح بخاری و مسلم با صیغهی جزم مثل «قال و ذکر و حکى» آمده باشد حکم به صحت آن داده می‌شود. (تیسیر مصطلح الحدیث) (مترجم).

«فَلَا نَ يَغْدُو أَحَدَكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَيَتَعَلَّمَ آيَاتَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ نَاقَتَيْنِ وَثَلَاثَ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثٍ وَأَرْبَعٌ خَيْرٌ مِنْ أَرْبَعٍ وَمِنْ أَعْدَائِهِنَّ مِنَ الْإِبِلِ». (مسلم و احمد آن را روایت کرده‌اند و لفظ این حدیث از روایت احمد است).

«پس (بدانید که) هریک از شما اگر هر روز صبح به مسجد برود و دو آیه از کتاب خداوند عزّ وجل یاد بگیرد، برای او از دو شتر و یاد گرفتن سه آیه از سه شتر و آموختن چهار آیه از چهار شتر و (به همین منوال) هر تعداد آیه (از قرآن) یاد بگیرد برای او از آن تعداد شتر (بزرگ کوهان) بهتر است»^(۱).

و «بطحان»: اسم مکانی در نزدیکی مدینه و «عقیق»: وادی در مدینه است. «کوماوین» مفرد آن «کوماء» است و «شتر کوماء» یعنی شتری که کوهانش بزرگ است و معنی حدیث، این است که کسی که به مسجد می‌رود و دو آیه از کتاب خدا یاد می‌گیرد و یا می‌خواند برای او از دو شتر که هریک دارای دو کوهان بزرگ می‌باشد بهتر است و سه آیه از سه شتر و چهار آیه از چهار شتر و پنجاه آیه از پنجاه شتر و هرچه بیشتر یاد بگیرد و بخواند خداوند سبحانه و تعالی نیز ارزش و پاداش آن را بیشتر می‌گرداند. پس نگاه کن - خداوند من و تو را برای طاعتش توفیق دهد - به این فضلِ عظیم و خوشا به حال کسی که به این عمل اهمیت می‌دهد و مقداری از وقت خود را در هر روز برای خواندن قرآن اختصاص می‌دهد ولو این که پنج آیه باشد که حتی چند ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد. چه نعمت‌های زیادی که در دسترس است و چه فرصت‌های زیادی که ما هر روز آن‌ها را ضایع می‌کنیم و از آن‌ها غافلیم.

۴۴) ترغیب و تشویق در، گشودن درهای خیر و ترساندن از گشودن درهای شر و فتنه:

^۱ - در آن زمان، شتر بزرگ کوهان یکی از بهترین و ارزشمندترین اموال اعراب بود پس منظور از شتر بزرگ کوهان، مهمترین اموال در هر زمان است. (مترجم).

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْخَيْرَ خَزَائِنٌ وَلِتَلْكَ الْخَزَائِنِ مَفَاتِيحُ، فَطُوبَى لِمَنْ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَفْتاحًا لِلْخَيْرِ مَغْلَقًا لِلشَّرِّ وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مَفْتاحًا لِلشَّرِّ مَغْلَقًا لِلْخَيْرِ». (به روایت از ابن ماجه و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«بی‌گمان، این خیر به صورت گنج‌هایی است و آن گنج‌ها دارای کلیدهایی می‌باشد، پس خوشا به حال کسی که خداوند، او را کلید خیر و قفل شر قرار داده و وای به حال بنده‌ای که خداوند، او را کلیدی برای شر و قفلی برای خیر گردانیده است».

* و پیامبر ﷺ تفسیر معنای «طوبی» را در حدیثی دیگر آورده و فرموده است:

«طُوبَى شَجْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةٌ مِائَةٌ عَامٍ، ثِيَابُ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَخْرُجُ مِنْ أَكْمَامِهَا». (احمد آن را روایت کرده و آلبانی در «صحيح الجامع» آن را حسن دانسته است).
«طوبی درختی است در بهشت که ارتفاع آن به اندازه‌ی مسیر صد سال (راه رفتن) است و لباس بهشتیان از میوه‌ی آن ساخته می‌شود».

۴۵) در مورد چند برابر نمودن نیکی‌ها:

* پیامبر ﷺ در حدیثی که از پروردگار متعالش روایت می‌کند می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلُهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضَعِيفٍ إِلَى أضعافٍ كَثِيرَةٍ وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلُهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً».

«خداوند، نیکی‌ها و گناهان را (در لوح محفوظ) نوشت و آن را (برای فرشتگان و مکلفین آینده) این چنین بیان نمود: هر کس تصمیم به انجام عمل نیکی گرفت ولی (به دلیل فراموشی و یا نبودن اسباب و وسایل کار) بدان عمل نکرد، خداوند، آن را به عنوان یک نیکی کامل (و انجام شده) می‌نویسد و اگر تصمیم بر انجام آن گرفت و بدان عمل هم کرد، خداوند عزّ و جلّ آن را به ده نیکی و یا تا هفتصد برابر و یا بیشتر (باتوجه به

خواست خود و اخلاصِ عملِ شخص) می‌نویسد و اگر قصدِ انجامِ گناهی کرد ولی (به دلیلِ ترس و خوف از خدا) بدان عمل نکرد خداوند، آن را به عنوان حسنه‌ای کامل می‌نویسد و اگر قصدِ آن را کرد و بدان عمل هم کرد، خداوند، فقط یک گناه برایش می‌نویسد». (متفقٌ علیه).

۴۶) در موردِ فضل و بزرگی دعوت به سویِ خدا و حریص بودن بر هدایت مردم:

پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه فرمود:

«وَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بَكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حَمْرِ النَّعَمِ». (متفقٌ علیه).
«قسم به خدا که اگر خداوند فقط یک نفر را به وسیله‌ی تو هدایت کند، برای تو از شترِ قرمز بهتر است».

و در روایتِ طبرانی و حاکم (در قسمتِ آخرِ حدیثِ فوق) آمده است:
«خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ». (شیخ باسم الجواهره گفته است: که این حدیث از تمام طرقِ روایت شده حسن است).
«برای تو از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب کرده (یعنی از هر چیزی) بهتر است».

و «حَمْرُ النَّعَمِ» یعنی: شترِ قرمز که از نفیس‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین اموالِ عرب‌ها بوده است.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ دَعَا إِلَى هَدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا». (به روایت از مسلم).

«هرکس (مردم را) به سوی هدایت (یعنی عملی که شخص را به سوی بهشت می‌کشاند) دعوت کند (و آنان از او پیروی کنند) اجر و پاداش آنان تماماً و بدون کم و کاست به او نیز می‌رسد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«نَصَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مَقَالَتِي فَبَلَّغَهَا، فُرَبَّ حَامِلِ فِقْهِهِ غَيْرِ فِقْهِهِ وَرُبَّ حَامِلِ فِقْهِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ». (به روایت از ابن ماجه و آلبنانی آن را صحیح دانسته است).

«خداوند نیکی کند با کسی که حدیث مرا می‌شنود و آن را (بدون کم و کاست و یا زیادی) به دیگران می‌رساند زیرا چه بسا حامل علمی (یا حدیثی) که نا آگاه بر آن (علم و یا حدیث) باشد و چه بسا حامل علم (و یا حدیثی) که آن را به کسی که ازو داناتر و عالتر است می‌رساند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ». (به روایت از مسلم).

«هر کس که (کس دیگری را) به سوی عمل خیری راهنمایی کند (و او آن را انجام دهد) به اندازه‌ی فاعل آن عمل، به او نیز اجر و پاداش می‌رسد».

۴۷) فضل و بزرگی کسی که سنت حسنه‌ای در اسلام ایجاد می‌کند و نیز کسی که سنت از بین رفته‌ای را زنده می‌گرداند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سَنَةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا بَعْدَهُ، مَنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْءٌ». (به روایت از مسلم).

«هرکس در اسلام، عملی نیکو وضع کند پاداش آن را می‌بیند و (به اندازه‌ی پاداش کسانی که بعد از او آن کار را انجام می‌دهند نیز بدون کم و کاست، پاداش می‌گیرد».

یعنی: هرکس به مردم، قرآن و ذکرها و نماز و اسلوب دعوت به سوی خدا و روش‌های ظریف امر به معروف و انجام عمل نیک را یاد بدهد، به اذن خداوند، به

وسيله‌ی آن پاداش‌های عظیمی بدست می‌آورد و در روز قیامت در حالی که آن را می‌بیند اصلاً فکر نمی‌کند که اجر و پاداش او (در اثر آن اعمال) تا آن اندازه بزرگ و عظیم شده باشد، پس خوشا به حال علما و دعوت‌گران به سوی خیر و هدایت.

امام صنعانی رحمته الله در توضیحش بر این حدیث در کتاب «سُبُلُ السَّلَام» گفته است: «معنای آن، نشان دادن و دعوت کردن دیگران به انجام عمل خیر، و هدایت و ارشاد کسی که طالب خیر است و از او طلب ارشاد و هدایت کرده است، و موعظه و اندرز و یادآوری و تألیف علوم سودمند می‌باشد. کلام همچون درّ و گوهر پیامبر از جانب خداست، پس معانیش چه کامل و شامل و مبانی و هدایت‌هایش به سوی خیر دنیا و آخرت چه قدر واضح و آشکاراست،

۴۸) فضل و بزرگی یاد دادن کارهای خیر به مردم:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلِ بِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ». (به روایت از ابن ماجه و آل‌بانی آن را حسن دانسته است).

«هرکس علمی به دیگران بیاموزد (و آنان به آن علم، عمل کنند) به اندازه‌ی کسی که به آن عمل می‌کند اجر و پاداش می‌برد به صورتی که پاداش او از کسی که به آن عمل کرده است کمتر نمی‌باشد».

۴۹) در مورد فضل و بزرگی و واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الْحَجِيَّتَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوْءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابٍ بَعْیَسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾

﴿[الأعراف: 165].﴾

«کسانی را که (دیگران را نصیحت می‌نمودند و آنان را) از بدی نهی می‌کردند (از عذاب به دور داشتیم و از بلا) رهانیدیم و کسانی را که (مخالفت فرمان می‌کردند و بیشتر

و بیشتر گناه می‌ورزیدند و بدین وسیله بر خود و جامعه) ستم می‌نمودند، به خاطر استمرار بر معاصی و نافرمانی به عذابِ سختی گرفتار ساختیم».

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْفُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ﴾ [هود: 117].

«و پروردگار تو این چنین نبوده است که شهری را به ستم نابود کند در حالی که مردمانش اصلاحگر بوده باشند». ابن کثیر رحمته [در مورد این آیه] گفته است که: یعنی عذاب و شکنجه‌ی خداوند هیچ‌گاه به آبادی و شهری که ساکنان آن اصلاحگر باشند نمی‌رسد، بلکه این کار تا زمانی که ظالم و ستمگر نشوند بر سر آنان در نمی‌آید زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ﴾ [هود: 101].

«آنان به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم نمودند».

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ يَبْعَثُ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ». (ترمذی آن را حسن دانسته ولی آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«سوگند به کسی که جانم به دست اوست که حتماً باید امر به معروف و نهی از منکر نمایید و الاً بسیار محتمل خواهد بود که خدا عذاب و عقابی (به دلیل آن) بر شما فرو فرستد و بعد از آن (برای دفع آن) دعا می‌کنید و از او می‌خواهید ولی دعایتان مستجاب نمی‌گردد».

* ام‌المؤمنین زینب رضی الله عنها از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال نمود و گفت: «ای رسول خدا با

این که در میانمان، اصلاحگران هم باشند هلاک می‌شویم؟، ایشان فرمودند:

«نعم. إذا كَثُرَ الْحَبِثُ».

«آری. هرگاه گناه و معاصی زیاد شود».

۵۰) خودش را از دوزخ دور کرده است:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّهُ خَلَقَ كُلَّ إِنْسَانٍ مِنْ بَنِي آدَمَ عَلَى سِتِّينَ وَثَلَاثِمِائَةَ مَفْصِلٍ فَمَنْ كَبَّرَ اللَّهَ وَحَمَدَ اللَّهَ وَهَلَّلَ اللَّهَ وَسَبَّحَ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ وَعَزَلَ حَجْرًا عَنْ طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ شَوْكَةً أَوْ عَظْمًا عَنْ طَرِيقِ النَّاسِ وَأَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنْ مَنكَرٍ عَدَدَ [تلكه] السِّتِّينَ وَالثَّلَاثِمِائَةَ [السَّلَامَى]. فَإِنَّهُ يَمْشِي يَوْمئِذٍ وَقَدْ زُخِرَ نَفْسُهُ عَنِ النَّارِ». (به روایت از مسلم)

«بی‌گمان هر انسانی از بنی‌آدم بر ۳۶۰ مفصل خلق شده است پس هر کس به اندازه‌ی آن ۳۶۰ مفصل «الله اکبر» بگوید و «الحمد لله» بگوید و «لا إله إلا الله» و «سبحان الله» و «أستغفر الله» بگوید و سنگی یا خاری و یا استخوانی از سر راه مردم بردارد و امر به انجام عمل نیکی یا نهی از عمل ناپسندی کند بی‌گمان در آن روز خود را از آتش دوزخ دور کرده (و نجات داده) است.»

۵۱) فضل و بزرگی دور کردن [هر چیز موجب] اذیت، از سر راه:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَقَدْ رَأَيْتُ رَجُلًا يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ، فِي شَجَرَةٍ قَطَعَهَا مِنْ ظَهْرِ الطَّرِيقِ كَانَتْ تُوذِي النَّاسَ» (به روایت از مسلم).

«مردی را دیدم که به دلیل برداشتن درختی از سر راه که مردم را اذیت می‌کرد به بهشت رفته، از لذت‌های آن استفاده می‌کرد.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَرَّ رَجُلٌ بِغَصْنِ شَجَرَةٍ عَلَى ظَهْرِ طَرِيقٍ. فَقَالَ: وَاللَّهِ لَأُنْحِيَنَّ هَذَا عَنِ الْمُسْلِمِينَ لَا يُؤْذِيهِمْ. فَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ». (به روایت از مسلم).

«شخصی گذرش بر درختی بر روی راه افتاد و گفت: «قسم به خدا، که این را از سر راه مسلمانان بر می‌دارم و دور می‌اندازم تا آن‌ها را اذیت نکنند». پس او را (به دلیل همین کار) وارد بهشت کرد».

۵۲) کردارهای نیک از [افتادن شخص در] پرتگاههای بلا حفاظت می‌نماید:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«صنائع المعروف تقي مصارع السوء والصدقه خفيًا تطفى غضب الرب وصله الرحم تزيد في العمر وكل معروف صدقة وأهل المعروف في الدنيا هم أهل معروف في الآخرة».
(طبرانی آن را روایت کرده و آلبانی آن را حسن دانسته است).
«انجام کارهای نیک از (افتادن شخص در) پرتگاههای بلا حفاظت می‌نماید و صدقه‌ی پنهانی خشم پروردگار را می‌نشاند و صله‌ی رحم عمر را زیاد می‌کند و هر کار نیکی صدقه‌ای است و نیکوکاران در دنیا، نیکوچالان در آخرت خواهند بود».

۵۳) چهار خصلت و عمل ساده هستند که انسان را وارد بهشت می‌کنند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ الْيَوْمَ صَائِمًا؟»

«چه کسی از شما امروز را با روزه شروع کرده است؟»

حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: من.

پیامبر (در ادامه) فرمود:

«فَمَنْ تَبِعَ مِنْكُمْ الْيَوْمَ جَنَازَةً؟»

«چه کسی از شما امروز جنازه‌ای را تشییع کرده است؟»

حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: من.

پیامبر فرمود:

«فَمَنْ أَطْعَمَ مِنْكُمْ الْيَوْمَ مَسْكِينًا؟»

«چه کسی از شما امروز مسکینی را طعام داده است؟»

حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: من.

پیامبر فرمود:

«فَمَنْ عَادَ مِنْكُمْ الْيَوْمَ مَرِيضًا؟»

«چه کسی از شما امروز، مریضی را عیادت کرده است؟»

حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: من.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَا اجْتَمَعَنَ فِي امْرِئٍ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ». (به روایت از مسلم).

«این کارها در کسی با هم جمع نمی‌شوند مگر این که (شخص به سبب این اعمال)

وارد بهشت می‌شود.»

امام قرطبی رحمته الله در «الْمُفْهِم» گفته است: «بی‌گمان هر کس در هر روز از زندگی

دنیایش این اعمال را باهم جمع گرداند و انجام دهد به این اجر و پاداش می‌رسد.»

۵۴) نیکی و احسان به همسایه از چیزهایی است که انسان را وارد بهشت

می‌گرداند:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ، وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ، وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ.»

«قسم به خدا ایمان ندارد، قسم به خدا ایمان ندارد، قسم به خدا ایمان ندارد»

گفته شد: «و چه کسی یا رسول خدا؟». ایشان فرمودند:

«الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارَهُ بَوَائِقَهُ». (به روایت از بخاری).

«کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد.»

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ لَا يَأْمَنُ جَارَهُ بَوَائِقَهُ». (به روایت از مسلم).

«کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد وارد بهشت نمی‌شود.»

امام ندوی رحمته اللہ علیہ گفته است: بوائقِ غائله‌ها و شرهاست و برعکسِ فوق می‌توان گفت: که هر کس با همسایه‌اش نیکی و احسان کند، در برابرِ آن پاداش خواهد دید و دلیلِ آن، نصوصِ صریح و آشکارِ قرآن و سنت است که بر این موضوع تأکید می‌کنند که نیکی به همسایه جزوِ کارهای شایسته است که مسلمان در برابرِ آن، پاداش داده می‌شود».

۵۵) فضل و بزرگیِ دوست داشتن به خاطرِ خدا و ثواب و پاداشِ عظیمش:

* پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيْنَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْيَوْمِ أَظْلَهُمْ فِي ظِلِّي يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلِّي». (به روایت از مسلم).

«خداوند در روزِ قیامت می‌فرماید: «کجايند آنان که به خاطرِ جلال و عظمتِ من همدیگر را دوست داشتند؟ امروز، در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی من نیست آنان را در سایه‌ی خویش قرار می‌دهم».

* پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الْمُتَحَابِّونَ فِي جَلَالِي لَهُمْ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ يَغْبِطُهُمُ التَّيِّبُونَ وَالشُّهَدَاءُ». (ترمذی گفته است که: این حدیث حدیثی است صحیح و آلبانی هم آن را صحیح دانسته است).

«خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: «آنان که به خاطرِ جلال و عظمت و طاعتِ من همدیگر را دوست می‌دارند، منبرهایی از نور دارند که پیامبران و شهدا به حالِ آنان غبطه می‌خورند».

۵۶) مصافحه و دست دادن با همدیگر و بخشیده شدنِ گناهان:

* پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود:

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَلْتَقِيَانِ فَيَتَصَفَحَانِ إِلَّا غُفِرَ لهُمَا قَبْلَ أَنْ يَفْتَرَقَا». (ترمذی آن را حسن دانسته ولی آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ دو مسلمانی نیستند که همدیگر را ملاقات کنند و باهم دست بدهند مگر این که قبل از جدا شدنشان از هم، گناهانشان بخشیده می‌شود».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«ما من مسلمین التقيا فأخذ أحدهما بيد صاحبه إلاَّ كانَ حقًا على الله أن يحضَرَ دعاءَهما ولا يفرقَ بينَ أيديهما حتى يغفرَ لهُمَا». (آن را امام احمد در «المسند» روایت کرده و شعیب گفته است: این حدیث «صحیح» لغیره» می‌باشد).

«هیچ دو مسلمانی نیستند که باهم ملاقات کنند و یکی از آنها دست دیگری را بگیرد مگر این که حق (واجبی) است بر خدا که دعایشان را مستجاب کند و بین دست‌هایشان جدایی نیفکند تا این که گناهانشان را ببخشد».

و «كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ» یعنی حقی است که خداوند سبحان لطف کرده و آن را اظهار کرده و بر خود قرار داده است. پاک و منزّه است او و حمد و ستایش او را می‌گوییم. و معنی «يَحْضُرُ دَعَاءَهُمَا» این است که خدا دعایشان را مستجاب می‌کند؛ و این از بزرگ‌ترین چیزهایی است که بیان می‌کند که از اثرات دوستی به خاطر خدا اجتماع کلمه و الفت و دوام محبت و موافقت و همراهی بین مسلمانان می‌باشد.

اما مصافحه و دست دادن با زنان نامحرم جایز نیست زیرا این عمل، شرعاً حرام می‌باشد؛ پیامبر ﷺ فرموده است:

«لأن يطعن في رأس رجلٍ بمخيطٍ من حديدٍ خيرٌ له من أن يمَسَّ امرأةً لا تحلُّ له». (به روایت از رویانی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«اگر با یک سوزن آهنی به سر مردی زده شود، برای او بهتر از این است که زن نامحرمی را لمس کند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إني لا أصافحُ النساءِ إنما قولي لمائةِ امرأةٍ كقولي لامرأةٍ واحدةٍ». (امام مالک آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«من (برای گرفتن بیعت)، با زنان دست نمی‌دهم بلکه گفته‌ی من (در مورد بیعت) برای صد زن، مانند گفته‌ام برای یک زن (و برای گرفتن بیعت از تک تک آنان کافی) است.»

۵۷) هر کس دوست دارد که کارنامه‌اش او را خوشحال کند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ تُسَرَّهُ صَحِيفَتُهُ فَلَكَ ثَرٌّ فِيهَا مِنَ الْاسْتِغْفَارِ». (بیهقی آن را در «شعب ایمان» روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).
«هر کس دوست دارد که کارنامه‌ی اعمالش او را خوشحال نماید باید زیاد استغفار و طلب بخشش نماید.»

۵۸) یکی به وسیله‌ی مقداری آب وارد بهشت می‌شود:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ رَجُلًا رَأَى كَلْبًا يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَشِ فَأَخَذَ حُقَّةً فَجَعَلَ يَغْرِفُ لَهُ بِهَ حَتَّى أَرَوَاهُ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ». (به روایت از بخاری).
«مردی سگی را دید که از شدت تشنگی، زمین را می‌خورد پس او کفشش را درآورد و به وسیله‌ی آن شروع کرد به آب دادن به سگ، تا این که آن را سیراب نمود. خداوند برای تشکر از او، او را وارد بهشت نمود.»

۵۹) زن عابدی که به علت آزار و اذیت همسایه‌اش وارد دوزخ شد:

* از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «به پیامبر ﷺ گفته شد: ای رسول خدا فلان زن شب عبادت می‌کند و روز را روزه می‌گیرد و کار می‌کند و صدقه می‌دهد ولی همسایه‌اش را با زبانش آزار می‌دهد». پیامبر ﷺ فرمود:
«لَا خَيْرَ فِيهَا، هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ».

«هیچ خیری در او نیست و او جهنمی می‌باشد».

گفتند: و فلان زن، نمازهای واجب را می‌خواند و به عنوان صدقه، پنیر خشک به دیگران می‌بخشد و کسی را اذیت نمی‌کند».

پیامبر ﷺ فرمود:

«هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (بخاری آن را در «ادب مفرد» روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«او از بهشتیان است».

و «اُتُور» جمع «ثور» می‌باشد که پنیر خشک است.

۶۰) دفاع از برادر مؤمن در حالی که او غایب است از چیزهایی است که دوزخ را از تو دور می‌نماید:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضٍ أَخِيهِ، رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ النَّارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (ترمذی آن را حسن دانسته ولی آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«کسی که از آبروی برادر (مؤمنش) محافظت نماید، خداوند در روز قیامت، آتش را از او دور خواهد کرد». و منظور از «عرض» در این جا: آوازه و شهرت می‌باشد. الله أعلم.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ وَقَاهُ اللَّهُ شَرًّا مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَشَرًّا مَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی هم با او موافقت کرده است).

«هر کس که خداوند، او را از شرّ زبانش و آنچه که در بین دو پایش (یعنی عورتش) قرار دارد، نجات دهد، وارد بهشت می‌شود».

و مراد از «مابین اللّحیین»، زبان است.

۶۱) کفاره‌ی مجلس:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثَرَ لَغَطُهُ، فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مَنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِلَّا غَفَرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ». (ترمذی آن را روایت کرده و آلبانی صحیح دانسته است).

«هرکس در مجلسی بنشیند و در آن، زیاد حرف بزند، اگر قبل از این که از آن مجلس خارج شود بگوید: «خداوندا، تو پاک و منزهی و من ستایش تو می‌گویم و گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی جز تو نیست، از تو طلب بخشش و مغفرت می‌نمایم و به سوی تو باز می‌گردم» حتماً آنچه (از گناه) که در آن مجلس داشته است بخشیده می‌شود».

۶۲) نکوهش دورویی:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ ذَالِوَجْهِينَ الَّذِي يَأْتِي هُوْلَاءَ بِوَجْهِ وَهُوْلَاءَ بِوَجْهِ». (به روایت از مسلم).

«بی‌گمان از بدترین مردم، انسان دوروست که به گونه‌ای پیشِ عده‌ای می‌رود (و با آنان رفتار می‌نماید) و با عده‌ای دیگر به گونه‌ای دیگر».

۶۳) تحریم سخن چینی:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَّامٌ». (به روایت از مسلم).

«هیچ انسان سخن‌چینی وارد بهشت نمی‌شود».

و سخن‌چینی، بازگو کردن سخنان مردم در بینشان با هدف بهم زدن روابط آنان می‌باشد.

۶۴) سخنی که انسان را وارد بهشت می‌کند و سخنی که او را وارد دوزخ می‌گرداند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ الْعَبْدَ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ لَا يَلْقَىٰ لَهَا بِالْأَلْفِ يَرْفَعُهُ اللَّهُ بِهَا دَرَجَاتٍ وَإِنَّ الْعَبْدَ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ لَا يَلْقَىٰ لَهَا بِالْأَلْفِ يَهْوِي بِهَا فِي جَهَنَّمَ». (به روایت از بخاری).

«بی‌گمان، عبد سخنی می‌گوید که خدا از آن راضی است و خود به (خوبی) آن چندان فکر نمی‌کند در حالی که خداوند به وسیله‌ی آن، او را چندین درجه بالا می‌برد و (برعکس) سخنی می‌گوید که خدا از آن ناراضی است ولی خود به (بدی) آن، چندان فکر نمی‌کند (و بدان اهمیت نمی‌دهد) در حالی که خدا به وسیله‌ی آن او را به دوزخ می‌اندازد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ الْعَبْدَ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مَا يَتَبَيَّنُ فِيهَا يَنْزُلُ بِهَا إِلَى النَّارِ أَوْ يَرْفَعُ بِهَا إِلَى السَّمَاءِ أَوْ يَنْزِلُ بِهَا إِلَى النَّارِ أَوْ يَرْفَعُ بِهَا إِلَى السَّمَاءِ». (متفق علیه).

«بی‌گمان عبد سخنی می‌گوید که در (زشتی و آثارِ بد) آن تفکر نمی‌کند در حالی که به وسیله‌ی آن به عمقی از دوزخ که بیشتر از فاصله‌ی بین مشرق و مغرب است می‌افتد».

۶۵) آسان‌گیری و پاکی دل، از چیزهایی است که انسان را وارد بهشت می‌کند:

* از انس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «با رسول خدا ﷺ نشستیم بودیم؛ ایشان فرمودند:

«يُظَلِّعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

«همین الآن مردی از بهشتیان بر شما وارد می‌شود».

پس مردی از انصار که به دلیلِ وضویش، آب از محاسنش می‌چکید و کفش‌هایش را به دستِ چپش آویخته بود وارد شد. فردای آن روز پیامبر ﷺ همان حرفِ دیروز را تکرار کرد و دوباره همان مرد، همانند بار قبل وارد شد. روز سوم نیز پیامبر ﷺ همان گفته‌ی قبلیش را تکرار کرد و باز همانندِ قبل، آن مرد وارد شد. وقتی که پیامبر ﷺ تشریف بردند، عبدالله پسر عمرو بن العاص به دنبال مرد رفت ... - حدیث ادامه می‌یابد و تا آن جا می‌رسد که - عبدالله به او گفت: «خواستم که پیشِ تو بمانم تا بینم که عملت چیست و به آن اقتدا نمایم ولی ندیدم که عمل [و عبادت] زیادی انجام دهی؛ پس چه چیز، تو را به آنچه که پیامبر ﷺ فرمود، رسانده است؟» آن مرد در جواب گفت: «عمل من چیزی جز آنچه تو دیدی نیست به غیر از این که من در دلم، ناخالصی نسبت به هیچ یک از مسلمین ندارم و بر هیچ خیری که خداوند به کسی داده به او حسودی نمی‌ورزم». عبدالله گفت: «پس همین است که تو را به آن مقام رسانده است ...». (من این حدیث را به طور مختصر از مسند امام احمد آورده‌ام. شعیب گفته است: براساس شرط شیخین، اسنادش صحیح است».

و در روایتی دیگر آمده است که آن مرد گفت: «شب می‌خوابم در حالی که نسبت به هیچ کس، کینه‌ای در قلبم نیست».

از سفیان بن دینار روایت شده است که گفت: «به ابوشبیر گفتم: مرا از اعمال پیشینیانمان باخبر ساز، گفت: آنان عمل و عبادتشان کم بود ولی پاداششان زیاد. گفتم: چرا این چنین است؟ گفت: به دلیل سلامت و پاکی دل‌هایشان».

چه زیباست چیزی که در این مورد ذکر می‌شود: که بعضی از فضلا و بزرگان وقتی که حدیث انس را می‌شنیدند پیوسته می‌گفتند: «خداوندا، من و کسی را که به من ستم نموده است ببخشای^(۱) و این چه فضلی است از جانب خداوند، که کسی به آن نمی‌رسد مگر آن که ایمانش کامل شده و نفسی متعالی داشته و نسبت به برادرانِ مؤمنش، دلی پاک

۱- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِيْنَ ظَلَمْتَنِي. (مترجم).

و سالم داشته و نفسش را برای آن، تربیت کرده و به این کار وا داشته باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ [فصلت: 35].

«و به این خوی (و خلقِ عظیم) نمی‌رسند مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند و بدان نمی‌رسند مگر کسانی که بهره‌ی بزرگی (از ایمان و تقوا و اخلاقِ ستوده) داشته باشند».

۶۶) وجوب و بزرگی پوشاندنِ عیب و گناهانِ مسلمانان و حرام بودنِ پخش کردنِ آن بدونِ ضرورت:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النور: 19].

«بی‌گمان کسانی که دوست دارند که گناهانِ بزرگی در میانِ مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می‌داند (عواقبِ شوم و آثارِ مرگبار اشاعه‌ی فحشا را) و شما نمی‌دانید (ابعادِ مختلفِ پخشِ گناهان و پستی‌ها را)».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لا يسترُ عبدٌ عبداً في الدنيا إلا ستره الله في الآخرة». (به روایت از مسلم).

«هیچ عبدی (گناه و عیب) عبد دیگری را در دنیا نمی‌پوشاند مگر این که خداوند (گناه و عیب) او را در آخرت خواهد پوشاند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يا معشرَ من آمنَ بلسانه ولم يدخلِ الإيمانُ إلى قلبه، لا تؤذوا المسلمين ولا تتبعوا عوراتهم فإنه من تتبع عورة أخيه يتبع الله عورته ومن يتبع الله عورته يفضحه ولو في جوف بيته». (به روایت از ترمذی و آل‌بانی آن را حسن دانسته است).

«ای کسانی که به زبان ایمان آورده‌اید در حالی که ایمان به قلبهایتان وارد نشده است، مسلمانان را آزار ندهید و به دنبال اسرار آنان نروید (و عیب و گناهان آنان را فاش نکنید) زیرا هرکس این کار را با برادرِ مؤمنش انجام دهد خداوند نیز به دنبال اسرار و عیب و گناه او می‌رود و هرکس که خدا با او چنین کند، او را حتی اگر در داخل خانه‌اش باشد رسوا می‌کند.»

۶۷) خانه‌ای که در اطراف بهشت برای کسی که جدال و جرّ و بحث را با این که بر حقّ باشد، ترک نماید:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أنا زعيمٌ ببیتِ فی ربضِ الجنةِ لمنْ تركه المراءَ وإنْ كانَ محققاً وبیتِ فی وسطِ الجنةِ لمنْ تركه الکذبَ وإنْ كانَ مازحاً وبیتِ فی أعلى الجنةِ لمنْ حسنَ خلقه». (به روایت از ابوداود و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«من ضمانت می‌کنم خانه‌ای را در اطراف بهشت برای کسی که جدال و جرّ و بحث را با این که بر حقّ هم باشد ترک نماید و نیز خانه‌ای را در وسط بهشت برای کسی که دروغ را حتی به شوخی ترک کند و نیز خانه‌ای را در آن بالاهاى بهشت برای کسی که خلق و خوی خود را نیکو گرداند.»
و «المراء» یعنی: جدال.

۶۸) فضل و بزرگی اصلاح روابط بین مردم:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نُّجُوهُمْ إِلَّا مَنَ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: 114].

«در بسیاری از نجواها و پیچ‌هایشان خیر و خوبی نیست مگر در نجواها و پیچ‌های کسی که به صدقه و احسان یا به کار نیکو و پسندیده‌ای یا اصلاح بین مردم

دستور دهد. هرکس چنین کاری را به خاطرِ رضایِ خدا انجام دهد خداوند به او پاداش بزرگی عطا می‌کند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟»

«آیا شما را از چیزی بزرگ‌تر از روزه و نماز و صدقه باخبر نسازم؟»

گفتند: «بلی». ایشان فرمودند:

«صَلْحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فِسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ». (ترمذی آن را صحیح دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).

«اصلاح روابط بین مردم که بی‌گمان، بر هم زدن روابط بین دیگران کشنده و مرگبار است».

و از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمود:

«هِيَ الْحَالِقَةُ لَا أَقُولُ تَحْلُقُ الشَّعْرَ وَلَكِنْ تَحْلُقُ الدِّينَ». (به روایت از ترمذی و آلبانی

در «صحيح التَّغْيِبِ وَالتَّرْهِيْبِ» گفته است که: حسنٌ لغیره^(۱) می‌باشد).

«آن سترنده است؛ نمی‌گویم (و منظورم این نیست) که مو را می‌سترد بلکه دین را

می‌سترد (و از بین می‌برد)».

۶۹) فضل و بزرگی عیادت مریض:

* پیامبر ﷺ فرمود:

^۱ - حدیث «حسنٌ لغیره» حدیثِ ضعیفی است که طرقِ روایت آن زیاد باشد و سببِ ضعف آن، فسق و گناهِ راوی یا دروغ‌گویی او نباشد. چنین حدیثی به مرتبه‌ی حسن ارتقاء می‌یابد که به آن «حسنٌ لغیره» گفته می‌شود و این نوع حدیث از حدیث «حسن» از نظر مرتبه و اعتبار، پایین‌تر است. (مترجم).

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا غَدَوَةً، إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَمْسِيَ وَإِنْ عَادَهُ عَشِيَّةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَصْبِحَ وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّةِ». (ترمذی آن را حسن می‌دانسته ولی آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ مسلمانی نیست که در اوّل روز، به عیادتِ مسلمانی برود مگر این که هفتاد هزار فرشته تا شب بر او درود می‌فرستند و او را در شب عیادت نمی‌کند مگر این که هفتاد هزار فرشته تا صبح بر او درود می‌فرستند و برای او بُستانی در بهشت خواهد بود.» و معنای «خریف» میوه‌ی چیده شده یا همان بُستان (یعنی جای چیدن میوه) است.

۷۰) فضل و بزرگی اذان و مؤذنین:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ أَدَّنَ اثْنَيْ عَشْرَةَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَكُتِبَتْ لَهُ فِي تَأْذِينِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سِتُونَ حَسَنَةً وَلَكُلِّ إِقَامَةٍ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً». (به روایت از ابن ماجه و آلبانی آن را صحیح دانسته است).
«هرکس دوازده سال اذان بگوید، بهشت برای او واجب می‌شود و برای اذان گفتنش در هر روز، شصت حسنه و برای هر بار اقامه گفتنش سی حسنه نوشته می‌شود».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلَ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (به روایت از مسلم).
«گردن مؤذنین در روز قیامت از همه درازتر است»^(۱).

* پیامبر ﷺ فرمود:

«الْمُؤَذِّنُ يُعْفَرُ لَهُ مَدَى صَوْتِهِ وَأَجْرُهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ صَلَّى مَعَهُ». (به روایت از طبرانی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

^۱ - درازی کردن بر درازی قد دلالت می‌کند و عرب‌ها، بزرگان و رؤسا را به درازی کردن توصیف می‌نمودند و این دلیل بر بلندی آنان و علو شأن و مرتبه‌شان بر سایر مردم می‌باشد و همین به عنوان شرف و بزرگواری آنان کافی است. (التّاج الجامع للأصول). (مترجم).

«گناه مؤذن، متناسب با مسافتی که صدایش طی می‌کند بخشوده می‌شود و اجر و پاداش او به اندازه‌ی اجر و پاداش کسانی است که با او نماز می‌خوانند».

* از عبدالله بن عبدالرحمن بن ابی صعصعه روایت شده است که ابوسعید خدری رضی الله عنه به او گفت: «می‌بینم که تو گوسفند و صحرا را دوست داری پس وقتی که در میان گوسفندان - یا در صحرایت بودی و برای نماز، اذان گفتی صدایت را به صورت ندا بلند کن زیرا تا آن جا که صدای مؤذن می‌رسد هیچ جنی و هیچ انسان و هیچ چیزی صدای مؤذن را نمی‌شنود مگر این که در روز قیامت برایش شهادت می‌دهد». ابوسعید گفت: «من این سخن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده‌ام». (به روایت از بخاری).

و استاد شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته الله گفته است: خوشا به حال مؤذنین در صورتی که اخلاص داشته باشند - یا این که گفته است: اگر راست‌گو باشند.

۷۱) دو رکعت نمازی که بهشت را واجب می‌گرداند:

* پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيَحْسُنُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُومُ فَيَرْكُوعُ رَكَعَتَيْنِ يَقْبَلُ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ إِلَّا قَدْ أُوجِبَ». (به روایت از ابوداود و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ یک از شما نیست که وضوی کاملی بگیرد سپس برخیزد و دو رکعت نماز بخواند که قلب و جسم خود را (هم‌زمان) در آن حاضر نماید مگر این که بهشت برایش واجب می‌گردد».

و «أَوْجَبَ» یعنی: بهشت برایش واجب می‌شود، همان‌گونه که در حدیث فوق به لفظ امام مسلم آمده است.

۷۲) فضل و بزرگی رفتن به مسجد:

* پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالتَّوَرِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (ابوداود آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«کسانی را که در تاریکی‌ها، بسیار به مسجد می‌روند به نور کامل در روز قیامت بشارت ده».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ، أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ نُزُلًا فِي الْجَنَّةِ كَمَا غَدَا أَوْ رَاحَ». (متفقٌ علیه).
 «هرکس که اول صبح یا شبانگاه به مسجد برود، هر بار که این کار را انجام می‌دهد خداوند برای او منزلگاهی برای خوردنِ طعامِ پربرکت و استراحت، آماده می‌گرداند».
 نووی رحمته گفته است که: «نزل»، رزق و روزی و طعام و چیزی است که برای مهمان تهیه می‌شود.

۷۳) هفت کس هستند که خداوند، آنان را زیر سایه‌ی خویش می‌گیرد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«سَبْعَةٌ يَظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا تَنْفِقُ يَمِينُهُ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ». (متفقٌ علیه).

«هفت نفر هستند که خداوند، آنان را در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او نیست (یعنی روز قیامت) زیر سایه‌ی خود می‌گیرد: پیشوای عادل، جوانی که در عبادتِ خداوندِ متعال رشد کرده است (و از ابتدا مشغول به عبادتِ او بوده است)، و مردی که دلِ او بسته به مساجد است، و دو نفر که برای خدا با هم دوستی می‌کنند و برای او باهم جمع می‌شوند و به خاطر او از هم جدا می‌شوند، و مردی که زنی صاحب نَسَب و شریف و زیبا او را (به کارِ نامشروع) دعوت کند ولی او در جواب بگوید: «من از خداوند می‌ترسم»، و مردی که صدقه‌ای می‌دهد

و آن‌گونه آن را مخفی می‌نماید که حتی آن کس که در سمتِ چپِ اوست نمی‌داند که دستِ راستِ او چه چیز را انفاق می‌کند، و مردی که خدا را تنها (و بدون شریک) یاد می‌کند و در نتیجه‌ی آن، چشمانش از اشک، پر می‌شود».

۷۳) فضل و بزرگی وضو:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ». (به روایت از مسلم).

«هر کس وضویِ کاملی بگیرد گناهان (صغیره) و خطاهایش از بدنش و حتی از زیر ناخن‌هایش خارج می‌شود».

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ تَوَضَّأَ هَكَذَا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَكَانَتْ صَلَاتُهُ وَمَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ نَافِلَةً». (به روایت از مسلم).

«هرکس که این چنین وضو بگیرد آن گناهان (صغیره‌ای) که مرتکب شده بخشیده می‌شود و راه رفتن او به سوی مسجد (برایش) نافله محسوب می‌گردد».

و «نافله» یعنی: زیادی.

۷۵) فضل و بزرگی گفتن شهادتین بعد از وضو:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ وَضُوئِهِ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيُّهَا شَاءَ». (به روایت از ابوداود و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ یک از شما نیست که وضویِ کاملی بگیرد و بعد از فراغت از آن بگوید: «گواهی می‌دهم که هیچ معبودی به حقی جز الله ﷻ نیست، یگانه است و هیچ شریکی

ندارد و نیز گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست، مگر این که درهای هشتگانه‌ی بهشت به روی او باز می‌شود و از هر کدام که خواست، وارد آن می‌شود».

۷۶) فضل و بزرگی دو رکعت، نماز، بعد از وضو:

* پیامبر ﷺ به بلال رضی الله عنه فرمود:

«یا بلال، حدّثنی بأرجی عملٍ عملتهُ فی الإسلام. فإني سمعتُ دفَّ نعلیک بین یدئی فی الجنّةِ».

«ای بلال، بهترین عملی را که در اسلام انجام داده‌ای به من بگو که من صدای پای تو را قبل از خودم در بهشت می‌شنوم».

گفت: «بهترین عملی که به نظر خودم انجام داده‌ام این است که در هیچ زمانی از شب و روز، وضو نگرفته‌ام مگر این که با آن وضو، آن مقدار نماز که برایم تقدیر شده است (و توانایی انجام آن را دارم) خوانده‌ام». (متفقٌ علیه است و این، لفظِ بخاری است).
«أرجی»: یعنی عملی که بیشترین امید به به‌دست آوردن پاداش آن هست. «الدفُّ»: امام نووی رحمته الله گفته است که: صدای کفش و حرکت آن بر روی زمین است.

۷۷) تکرار کردن اذان به دنبال مؤذن و پاداش آن:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من قال حين يسمع النداء: اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة آت محمدا الوسيلة والفضيلة وابعثه مقاما محمودا الذي وعدته، حلت له شفاعتي يوم القيامة». (به روایت از بخاری).

«هر کس هنگامی که صدای اذان را می‌شنود، بگوید: خداوندا، ای پروردگار و صاحب این دعوت کامل و این نماز برپا شده، آن وسیلت و فضیلت را به محمد ﷺ (که منزلی در بهشت برای اوست) عطا کن و او را به آن مقام و منزلت پسندیده و

شایسته‌ای که به او وعده داده‌ای (که همان مقام شفاعتِ بزرگ است) برسان، در این صورت شفاعتِ من برای او در روزِ قیامت، روا می‌گردد».

۷۸) فضل و بزرگی مسواک:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«السَّوَاكُ مَطَهْرَةٌ لِّلْفَمِّ وَمَرْضَاةٌ لِّلرَّبِّ». (به روایت از نسایی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«مسواک، سبب پاکیزگی دهان و مایه‌ی رضایت پروردگار است».

۷۹) فضل و بزرگی نمازهای پنجگانه:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«الصَّلَاةُ الْحَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ كَفَّارَةٌ لِّمَا بَيْنَهُنَّ مَا لَمْ تَغْشَ الْكَبَائِرُ». (به روایت از مسلم).

«نمازهای پنجگانه و از یک نماز جمعه تا نماز جمعه‌ی دیگر، کفاره‌ی گناهانی است که در اثنای آن‌ها، انجام شده به شرطی که شخص، مرتکب گناهانِ کبیره نشده باشد». و «لم تغش» یعنی انجام نداده باشد زیرا واجب است که انسان از گناه کبیره توبه کرده و برگشته باشد.

۸۰) چوپانِ گوسفندی که پیامبر ﷺ [بر خروج از دوزخ] برایش شهادت داد:

* از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «پیامبر ﷺ صدای مردی را که در مسیر او بود شنید که می‌گفت: «الله أكبر، الله أكبر». پیامبر ﷺ فرمود: «علی الفطرة».

«او بر فطرت (دین و اسلام و اهل فطرت) است».

سپس گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». پیامبر ﷺ فرمود:

«خَرَجَ مِنَ النَّارِ».

«(با گفتن این جمله) از دوزخ خارج شد».

آنان که با پیامبر بودند به سوی آن مرد (برای دیدن او که با توجه به فرموده‌ی پیامبر، بهشتی بود) از هم پیشی گرفتند؛ دیدند که یک چوپان گوسفند است که چون وقت نماز رسیده ایستاده و اذان می‌گوید». (آلبانی آن را صحیح دانسته و منذری رحمته گفته است: ابن خزیمه آن را در صحیحش روایت کرده و به همین شکل در صحیح مسلم نیز آمده است).

خداوند تو را رحمت کند، به این فضلِ عظیم و پاداش بی‌پایان نگاه کن و بدان که قسم به خدا این پاداش، جز برای عملِ خالص و پاک و مخلصانه نیست؛ هنگامی که آن چوپان، خدا را در نفسش به بزرگی یاد کرد و مخلصانه به عبادت او پرداخت به چیزی رسید که رسید، ما هم آن را از خداوند بزرگواری می‌خواهیم که فضلش گسترده است.

۸۱) فضل و بزرگی کسی که در بیابانی نماز می‌خواند در حالی که تنهاست:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِذَا كَانَ الرَّجُلُ بَارِضٍ فِيَّ فَحَانَتِ الصَّلَاةُ فَلْيَتَوَضَّأْ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ مَاءً فَلْيَتِيمَّمْ فَإِنْ أَقَامَ صَلَّى مَعَهُ مَلَكًا وَإِنْ أَدَّنَ وَأَقَامَ صَلَّى خَلْفَهُ مِنْ جُنُودِ اللَّهِ مَا لَا يُرَى طَرَفَاهُ». (به روایت از ابوداود و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هرگاه کسی (تنها) در بیابانی بود و وقت نماز رسید باید وضو بگیرد و اگر آبی (برای وضو) به دست نیامد باید تیمم کند سپس اگر اقامه‌ی نماز گفت، دو فرشته‌ی محافظش با او نماز می‌خوانند و در صورتی که اذان بگوید و سپس اقامه، آن عدّه از سربازان و مأموران خداوند که دو طرف آن، مشخص نیست پشت سر او نماز می‌خوانند».

و «القی» به معنی زمین فلات و صحرای بی‌آب و علف است، منذری هم، چنین گفته است.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يَعَجَبُ رَبُّكَ مِنْ رَاعِي غَنَمٍ فِي رَأْسِ شَطِئَةِ الْجَبَلِ يُؤَدِّنُ بِالصَّلَاةِ وَيُصَلِّيَ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: انظُرُوا إِلَى عَبْدِي هَذَا يُؤَدِّنُ وَيُقِيمُ الصَّلَاةَ يَخَافُ مِنِّي قَدْ عَفَرْتُ لِعَبْدِي وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ». (نسایی و ابوداود آن را روایت کرده و آلبانی صحیح دانسته است).

«پروردگارت از چوپانِ گوسفندی که بر سرِ شکافِ کوهی برای نماز اذان می‌گوید و نماز می‌خواند خوشش می‌آید و می‌فرماید: به این بنده‌ی من نگاه کن، اذان می‌گوید و نماز را به پا می‌دارد و از من می‌ترسد. من گناهان این بنده‌ام را بخشیدم و او را وارد بهشت نمودم».

خداوند تو را رحمت کند، به فرموده‌ی خداوندِ متعال در حدیث فوق دقت کن؛ خلاصه‌ی حدیث فوق، این است که: «از من می‌ترسد» و ثواب و پاداش این ترس، در آن جاست که می‌فرماید: «من گناهان این بنده‌ام را بخشیدم و او را وارد بهشت نمودم» پس ثواب و پاداشِ عظیمِ اخلاص برایت مشخص می‌شود و می‌فهمی که نجات و رهایی فقط به وسیله‌ی اخلاص به دست می‌آید و بی‌گمان، کسی که از اخلاص محروم شده باشد، نجات و رهایی پیدا نمی‌کند.

خداوندا، محبتِ خود و حسنِ ظنّ به خود و پرهیز و تقوای از خود در نهان و آشکارا را به ما عطا کن که تو بخشنده و بزرگواری.

۸۲) فضل و بزرگی نمازهای صبح و عصر:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى الْبَرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ». (متفقٌ علیه).

«هر کس نماز صبح و عصر را بخواند وارد بهشت می‌شود».

و «البرْدَيْنِ» یعنی نماز صبح و عصر.

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«لَنْ يَلْجَ النَّارَ أَحَدٌ صَلَّى قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا...» یعنی الفجر والعصر. (به روایت از مسلم).

«کسی که قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن، نماز (صبح و عصر) بخواند هرگز وارد دوزخ نمی‌شود».

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى الصَّبْحَ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ». (به روایت از مسلم).

«هر کس که نماز صبح را بخواند، محافظت و نگهداری او بر عهده‌ی خداست».

۸۳) حضور یافتن در نماز صبح و عشاء، سلامتی است از نفاق:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«لَيْسَ صَلَاةٌ أَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهَا لِأَتْوَهُمَا وَلَوْ حَبْوًا». (متفقٌ علیه).

«هیچ نمازی برای منافقان از نماز صبح و نماز عشاء گرانتر نیست و اگر می‌دانستند که در آن، چه (خیر و پاداشی) است، به حالت سینه‌خیز هم اگر شده، در آن حضور می‌یافتند و آن را به انجام می‌رساندند».

مفهوم برعکس حدیث فوق، این است که از نشانه‌های رهایی از نفاق، حضور در نماز جماعت صبح و عشاء برای رضای خداوند متعال می‌باشد. والله أعلم.

۸۴) به طور کلی هر کس نماز را ترک کند کافر می‌گردد:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». (ترمذی آن را حسن دانسته

ولی آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«عهد و پیمانی که (حدّ فاصل) بین ما و بین آنان (یعنی کفار) است (انجام) نماز می‌باشد. پس هرکس آن را ترک کند کافر شده است.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». (به روایت از مسلم)

«(فاصله‌ی) بین شخص و شرک و کفر، ترک نماز است»^(۱).

* از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده که او از پیامبر نقل کرده است که روزی

پیامبر ﷺ از نماز یاد کرد و فرمود:

«مَنْ حَافِظٌ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُوْرًا وَ بَرَهَانًا وَ نَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَمْ يَحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُوْرٌ وَ لَا بَرَهَانٌ وَ لَا نَجَاةٌ، وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ أَبِي بَنِي خَلْفٍ». (به روایت از احمد، و هیشمی گفته است که رجال آن، همه قابل اعتمادند و شعیب آن را حسن دانسته است).

«هر کس بر آن محافظت نماید، نماز در روز قیامت برای او نور و برهان و مایه‌ی نجاتش خواهد بود و کسی که بر آن محافظت نکند هیچ نور و برهانی نخواهد داشت و نجات پیدا نخواهد کرد و در روز قیامت با قارون و فرعون و هامان خواهد بود.»

۸۵) ترک نماز جماعت، قویترین نشانه‌ی منافق است:

* از ابن مسعود روایت شده است که گفت: «[در زمان پیامبر ﷺ] ما را می‌دیدید که هیچ کس غیر از منافقی که نفاقش معلوم و آشکار بود از نماز جماعت تخلف نمی‌کرد حتی در صورت ناتوانی شخص، زیرِ دستانِ او را از دو طرف می‌گرفتند و او را در صفِ جماعت قرار می‌دادند». (به روایت از مسلم).

۸۶) فضل و بزرگی رسیدن به جماعت در هنگام تکبیرة الإحرام (امام):

^۱ - پس هرکس نماز را ترک کند، آن فاصله از بین می‌رود و کافر می‌گردد. (مترجم).

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي جَمَاعَةٍ يَدْرِكُهُ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى كَتَبَ لَهُ بَرَاءَتَانِ: بَرَاءَةٌ مِنَ التَّارِ وَبَرَاءَةٌ مِنَ التَّفَاقِ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را حسن دانسته است).
 «هر کس برای خدا، چهل روز در جماعتی نماز بخواند به گونه‌ای که به تکبیر اوّل (یعنی تکبیرة الإحرام) برسد دو برائت برای او نوشته می‌شود: رهایی و برائتی از دوزخ و برائتی از نفاق».

۸۷) فضل و بزرگی نمازِ جمعه و رفتن برای آن (به مسجدِ جامع) در اوّلِ بامداد و اجر و پاداشی که دارد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ غَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ وَبَكَرَ وَابْتَكَرَ وَمَشَى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا مِنَ الْإِمَامِ فَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ عَمَلٌ سَنَةٍ، أَجْرُ صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا». (ابن ماجه آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).
 «هرکس در روزِ جمعه سرش را بشوید و غسل کند و در اوّلِ بامداد (برای ادای آن به مسجدِ جامع) برود تا به اوّلِ خطبه‌ی امام نیز دست یابد و خود را به او نزدیک گرداند و به او گوش فرا دهد و سخنِ بیهوده نگوید، با هر قدمش (که به سوی مسجد جامع برمی‌دارد) عبادتِ یک سال و پاداشِ روزه و قیامِ شب‌های آن را خواهد داشت».
 من این حدیث را از پدرم - خداوند بقای او را بر بهترین عمل و سلامت کامل، طولانی گرداند - آموختم. خداوند به جای من او را پاداش دهد و عاقبت ما و او و تمامی مسلمانان را نیکو گرداند. آمین.

۸۸) عملی مکتوب در علیین:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ مَتَطَهَّرًا إِلَى صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ، فَأَجْرُهُ كَأَجْرِ الْحَاجِّ الْمَحْرَمِ، وَمَنْ خَرَجَ إِلَى تَسْبِيحِ الصَّحِيِّ لَا يَنْصَبُهُ إِلَّا إِيَّاهُ فَأَجْرُهُ كَأَجْرِ الْمُعْتَمِرِ، وَصَلَاةٌ عَلَى أَثَرِ صَلَاةٍ لَا لَعْوُ بَيْنَهُمَا كِتَابٌ فِي عَلَيِّينَ». (به روایت از ابوداود و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«هرکس، پاک و مطهر و با وضو برای (ادای جماعت) نمازی واجب از خانه‌اش خارج شود، پاداش او به اندازه‌ی یک حاجی در حال احرام است و کسی که از منزلش به نیت انجام نماز چاشتگاه بیرون آید و چیزی غیر آن، او را از خانه بیرون نیاورده باشد، پاداش او همانند پاداش کسی است که عمره‌ای به جا آورده باشد و یک نماز به دنبال نمازی دیگر که سخن بیهوده‌ای در بین آن‌ها صورت نگیرد، نوشته‌ای در «علیین» است.»

۸۹) دعای بزرگی که گوینده‌ی آن نومید نمی‌شود و به خواسته‌ی خویش می‌رسد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«دَعْوَةُ ذِي التَّوْنِ إِذْ دَعَا وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحَوْتِ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«دعای حضرت یونس وقتی که در شکم آن ماهی بود و دعا کرد، این بود که گفت: هیچ معبود به حقّی جز تو نیست، تو پاک و منزّه‌ی من از زمره‌ی ستمکاران گشتم، هیچ انسان مسلمانی این دعا را هیچ وقت و در مورد هیچ چیزی نخوانده است مگر این که خداوند، دعایش را مستجاب کرده است.»

۹۰) حدیثی که چگونگی استجاب دعا را توضیح می‌دهد:

* از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

«ما من مسلمٍ يدعو لیسِ یاثمٍ ولا بقطیعةٍ رحمٍ إلاَّ أعطاهُ إحدى ثلاثٍ: إمَّا أنْ یجعلَ له دعوتُهُ و إمَّا أنْ یدخرها له فی الآخرةِ و إمَّا أنْ یدفعَ عنه من السوءِ مثلها». (بخاری در ادب مفرد، آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ مسلمانی، دعایی که برای گناه یا قطع رابطه‌ی خویشاوندی نباشد، نمی‌کند مگر این که خداوند، یکی از سه مورد (زیر) را به او عطا می‌کند: یا این که دعایش مستجاب می‌گردد یا آن را برای آخرتش قرار می‌دهد (و در آن جا متناسب با آن، به او نعمت می‌دهد و درجه‌اش را بالا می‌برد) یا این که بدیی مثل آن را از او دفع می‌گرداند».

۹۱) در مورد محفوظ شدن از شر شیطان:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أعوذُ باللهِ العظیمِ وبوجهِ الکریمِ و سلطانهِ القدیمِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ، فإذا قالَ ذلكَ، قالَ الشَّیطانُ: حفظَ منی سائرَ الیومِ». (ابوداود آن را روایت کرده و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«پناه می‌برم به خداوند بزرگ و وجود بسیار بخشنده‌اش و قدرت همیشگی‌اش از شیطانِ رجم شده. و هر وقت که شخص، این را بخواند شیطان می‌گوید: بقیه‌ی روز، او از من حفظ شد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من قالَ إذا خرجَ من بیتِهِ: بِسْمِ اللَّهِ توکلْتُ علی اللَّهِ، لا حولَ ولا قوَّةَ إلاَّ باللهِ، یقالُ له حينئذٍ: کفیتَ ووقیتَ وهدیتَ وتنحی عنه الشَّیطانُ فیقولُ للشَّیطانِ آخرَ: کیفَ لکَ برجلٍ قد هدیَ وکفی ووقی؟» (ابوداود آن را با اسناد حسن روایت کرده، همان‌گونه که علامه ابن باز رحمته در «تحفة الأخیار» بدان اشاره کرده است).

«هرکسی که در هنگام بیرون رفتن از خانه بگوید: به نام خدا، توکل کردم به او، هیچ توانایی و نیرویی نیست مگر با (توانایی و نیروی) او، در این هنگام به او گفته می‌شود:

(به وسیله‌ی این دعا) تو کفایت شدی و محافظت شدی و هدایت شدی و شیطان از او دور کرده می‌شود پس به شیطان دیگری می‌گوید: با مردی که هدایت شده و کفایت شده و محفوظ گشته است چگونه‌ای (و با او چه کار می‌کنی)؟!».

۹۲) فضل و بزرگی دعا:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ الدُّعَاءِ». (به روایت از ابن ماجه و آل‌بانی آن را حسن دانسته است).

«هیچ چیزی برای خداوندِ سبحان از دعا گرامی‌تر نیست».

۹۳) دعایی بزرگ بعد از بلند شدن از رکوع:

* از رفاعه بن رافع الزرقی رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «روزی پشتِ سرِ پیامبر ﷺ نماز می‌خواندیم. ایشان وقتی که سرش را از رکوع بلند کرد فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، و در ادامه‌ی آن، مردی گفت:

«رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مَبَارَكًا فِيهِ».

«پرودگارا! و حمد و ستایش فقط مخصوصِ تو است حمدی فراوان و پاک و مبارک در آن».

وقتی که پیامبر از نماز خارج شد فرمود:

«مِنِ الْمُتَكَلِّمِ؟»

گوینده‌ی (آن دعا) که بود؟

آن شخص گفت: من. پیامبر ﷺ فرمود:

«لَقَدْ رَأَيْتُ بضعَةً وثلاثينَ ملَكًا يبتدرونها أَيهمْ يكتبها أوَّلُ». (به روایت از بخاری).
«سی و چند فرشته را دیدم که از همدیگر پیشی می‌گرفتند تا ببینند کدامشان اوّل، آن را می‌نویسد».

ولی بعضی از پیش‌نمازان برای رفتن به سجده عجله می‌کنند و با این کارشان، این فضلِ عظیم را از خود و آنان که پشت سرشان نماز می‌خوانند سلب می‌کنند.

۹۴) بهترین دعا:

* از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: «مردی پیشِ رسولِ خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسولِ خدا کدام دعا بهتر است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«سَلِ اللّٰهَ العَفْوَ والعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

«گذشت (از گناهانت) و سلامتی در دنیا و آخرت را از خداوند بخواه».

فردای آن روز، دوباره آن مرد آمد و گفت: «ای نبیِّ خدا کدام دعا بهتر است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«سَلِ اللّٰهَ العَفْوَ والعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِذَا أُعْطِيَتْ العَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَقَدْ أَفْلَحْتَ». (بخاری آن را در ادبِ مفرد روایت کرده و البانی گفته که صحیح است).

«گذشت (از گناهانت) و سلامتی در دنیا و آخرت را از خداوند بخواه و هرگاه سلامتی در دنیا و آخرت به تو داده شود، رستگار شده‌ای».

۹۵) نزدیک‌ترین حالتِ بنده به پروردگارش:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ العَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثَرُوا فِيهِ الدَّعَاءَ». (به روایت از مسلم).
«نزدیک‌ترین حالتِ بنده نسبت به پروردگارش در حالی است که او در سجده است پس در آن، زیاد دعا کنید».

۹۶) دعای بازپرداختِ قرض:

* علی علیه السلام به بنده‌ای که قراردادِ آزاد کردنِ خود را در ازای وجهِ معینی بسته بود و پیش او از دین و بدهکاری‌اش شکایت نمود، گفت: آیا کلماتی را به تو یاد ندهم که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من یاد داد که اگر آن را بخوانی و بدهی‌هایت به اندازه‌ی کوه صبر باشد، خداوند، آن را به جای تو ادا می‌نماید! و در ادامه گفت: بگو:

«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ مَن سِوَاكَ». (ترمذی آن را روایت کرده و آلبانی حسن دانسته است).

«خداوندا، تو خود به وسیله‌ی حلالیت، مرا از حرامت (بی‌نیاز کن و) کفایت نما و با فضل و کرمت مرا از غیرِ خودت بی‌نیاز فرما».

۹۷) مستحب بودنِ دعا در هنگامِ شنیدنِ صدایِ خروس:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِذَا سَمِعْتُمْ صِيَاحَ الدِّيَكَةِ فَاسْأَلُوا مِنْ فَضْلِهِ، فَإِنَّهَا رَأَتْ مَلَكًا». (متفقٌ علیه).
«هرگاه صدای خروسی را شنیدید از فضل خداوند طلب کنید، زیرا آن خروس، فرشته‌ای دیده است».

۹۸) پناه بردن به خدا از قضای بد و رسیدنِ سختی و بیچارگی:

* از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله از زیادی عايله و درویشی و از سختی و بیچارگی و قضای بد و شاد شدنِ دشمنان (و ذلیل شدن در مقابل آنان) به خداوند پناه می‌برد».

۹۹) بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله:

* از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: «بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود:

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (متفقٌ عليه).
 «خداوندا! و ای پروردگار ما، در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذابِ دوزخ محفوظ دار».
 * از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که بیشترین دعای پیامبر، قبل از رحلتش این بود:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمَلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ». (به روایت از ترمذی و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).
 «خداوندا، من از شر آنچه که انجام داده‌ام و نیز از شر آنچه که انجام نداده‌ام (و می‌بایست انجام می‌دادم) به تو پناه می‌برم».

۱۰۰) دعایی برای استواری و ثبات در دین خدا:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». (به روایت از ترمذی و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).
 «ای گرداننده‌ی قلبها، قلب مرا بر دینت ثابت و استوار فرما».

۱۰۱) دعایی که درهای آسمان برای آن، باز می‌شود:

* از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که گفت: «داشتیم با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌خواندیم که یکی از حاضرین گفت:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا».

«خداوند، بی‌گمان از هر چیز بزرگ‌تر است و سپاس و ستایش فراوان برای او و خداوند پاک و منزّه است (و من تسبیح او می‌گوییم) در هر صبح و عصر (یعنی همیشه)».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ الْقَائِلُ كَلِمَةً كَذَا وَكَذَا؟»

«چه کسی بود که چنین و چنان گفت؟»

شخصی از حاضرین گفت: «من، ای رسول خدا». ایشان فرمودند:
«عجبتُ لها، فتحتُ لها أبوابَ الجنّةِ».

«از آن تعجب کردم، درهای آسمان برای آن (دعا) باز شد».

ابن عمر گفت: «و من از زمانی که آن حدیث را از پیامبر ﷺ شنیدم، آن دعا را ترک نکردم». (به روایت از مسلم رحمته در قسمت آنچه که بین تکبیرة الإحرام و قرائت فاتحه خوانده می‌شود).

۱۰۲) خانه‌ای در بهشت برای کسی که مسجدی بسازد حتی اگر به اندازه‌ی جای پرنده‌ای باشد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«من بنی مسجداً ولو لمفحص قطاةٍ بنی الله له بيتاً فی الجنة». (به روایت از امام احمد و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هرکس مسجدی بسازد حتی اگر به اندازه‌ی جایی باشد که یک مرغ سنگ‌خواره برای تخم‌گذاری در زمین می‌کند، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند».
و «مفحص قطاةٍ» یعنی جایی که مرغ سنگ‌خواره حفر می‌کند و در آن، تخم‌گذاری می‌نماید.

۱۰۳) فضل و بزرگی نماز سنت قبل از نماز صبح:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«رکعتا الفجر خیر من الدنیا و ما فیها». (به روایت از مسلم).
«دو رکعت نماز (سنت) صبح از دنیا و هر آنچه در آن است بهتر است».
و «رکعتا الفجر» یعنی: نماز سنت قبل از نماز صبح.

۱۰۴) فضل و بزرگی نمازهای سنت راتبه:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ ثَابَرَ عَلَى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ دَخَلَ الْجَنَّةَ: أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ». (به روایت از نسائی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هر کس که بر خواندن دوازده رکعت نماز در هر شبانه‌روز، مداومت داشته باشد وارد بهشت می‌شود: چهار رکعت قبل از نمازِ ظهر و دو رکعت بعد از آن و دو رکعت بعد از نمازِ مغرب و دو رکعت بعد از نمازِ عشاء و دو رکعت قبل از نمازِ صبح». و در روایت دیگری از مسلم آمده است که: «... مگر این که خداوند خانه‌ای برای او در بهشت می‌سازد و یا، ... مگر این که خانه‌ای در بهشت برایش ساخته می‌شود».

۱۰۵) فضل و بزرگی نمازِ سنتِ ظهر و پاداشِ عظیمِ آن:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ حَافِظٌ عَلَى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَأَرْبَعٍ بَعْدَهَا، حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«هر کس بر (خواندن) چهار رکعت (نمازِ سنتِ) قبل از نمازِ ظهر و چهار رکعت بعد از آن، مداومت داشته باشد خداوند (سوزاندن) او را بر آتشِ دوزخ حرام می‌گرداند».

۱۰۶) فضل و بزرگی دو رکعت نمازِ بعد از انجامِ گناه:

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا مِنْ رَجُلٍ يَذْنُبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَقُومُ فَيُطَهِّرُ ثُمَّ يَصَلِّي، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«هیچ کسی نیست که گناهی مرتکب شود سپس برخیزد و وضو بگیرد و بعد نماز بخواند و سپس از خدا طلبِ بخشش نماید مگر این که خداوند، او را می‌بخشاید».

۱۰۷) همراهی با پیامبر ﷺ در بهشت:

* از ربیعہ بن کعب الأسلمی رضی اللہ عنہ روایت شده است که او به پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گفت: «از تو می‌خواهم که در بهشت با تو باشم» پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود:

«أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ؟»

«آیا چیز دیگری هم می‌خواهی؟»

او گفت: «فقط همین را می‌خواهم» پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود:

«فَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ». (به روایت از مسلم).

«پس با سجده‌ی زیاد (در نماز) مرا برای همراه گردانیدن تو با خود (در بهشت) یاری کن.»

۱۰۸) فضل و بزرگی سجده برای خداوند رب العالمین:

* از ثوبان رضی اللہ عنہ روایت شده که درباره‌ی عملی که او را وارد بهشت نماید یا محبوب‌ترین عمل نزد خداوند از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم سؤال نمود. ایشان در جواب به او فرمودند:

«عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَظَّ بِهَا عُنُقَ خَطِيئَةٍ». (به روایت از مسلم).

«زیاد برای خدا سجده کن زیرا برای خدا هیچ سجده‌ای نمی‌بری مگر این که خدا به دلیل آن، تو را یک درجه بالا می‌برد و با آن، یک گناه از تو پاک می‌کند.»

* پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود:

«مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ بِهَا حَسَنَةً وَحَاحَ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً، فَاسْتَكْثِرُوا مِنَ السُّجُودِ». (به روایت از ابن ماجه و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ عبدی نیست که برای خدا سجده‌ای ببرد مگر این که خداوند با آن، برایش حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی از او پاک می‌کند و (مقام) او را درجه‌ای بالا می‌برد. پس زیاد (برای خدا) سجده کنید.»

۱۰۹) فضل و بزرگی دو رکعت نماز چاشت:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لا يحافظ على صلاة الضحى إلا أواب». قال: «وهي صلاة الأوابين». (به روایت از طبرانی و آلبانی آن را حسن دانسته است).
«بر نماز چاشتگاه مداومت نمی‌کند مگر کسی که اوآب و بسیار توبه کننده باشد» سپس فرمود: «و این نماز، نمازِ اوآیین است.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إن صليت الضحى ركعتين لم تُكتب من الغافلين». (به روایت از بزار و آلبانی آن را حسن دانسته است).
«اگر دو رکعت نماز چاشت بخوانی از زمره‌ی غافلان نوشته نخواهی شد.»

۱۱۰) فضل و بزرگی قیام شب:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إن في الليل ساعة، لا يوافقها رجل مسلم يسأل الله خيراً من أمر الدنيا والآخرة إلا أعطاه إياه وذلك كل ليلة». (به روایت از مسلم).
«بی‌گمان در شب، ساعتی هست که هیچ مسلمانی در حالی که خیر و نیکی در امر دنیا و آخرت را از خدا می‌خواهد، به آن برخورد نمی‌کند مگر این که آن را به او عطا می‌کند و این حالت در هر شبی وجود دارد.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ كَتَبَ لَهُ قَنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ وَالْقَنْطَارُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ: إِقْرَأْ وَأَرْقُ بِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةً حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى آخِرِ آيَةٍ مَعَهُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْعَبْدِ: إِقْبِضْ فَيَقُولُ الْعَبْدُ بِيَدِهِ: يَا رَبِّ أَنْتَ أَعْلَمُ. يَقُولُ بِهِذِهِ الْخَلْدَ وَبِهِذِهِ التَّعِيمَ». (به روایت از طبرانی و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«هر کس در هر شب که ده آیه بخواند برای او یک قنطار پاداش، نوشته می‌شود و قنطار از دنیا و هر آنچه در اوست بهتر (و بیشتر) است، و وقتی روز قیامت بیاید پروردگارت (به او) می‌گوید: «(قرآن) بخوان و با هر آیه یک درجه بالا رو» تا این که وقتی به آخرین آیه که می‌داند می‌رسد، خداوند عزّ و جلّ به او می‌گوید: «بگیر» او می‌گوید: «ای پروردگارم، (من نمی‌دانم چه چیز را بگیرم) و تو داناتری (به این کار از من)». خداوند می‌فرماید: «با این دست، جاودانگی و با این دست نعمت را (بگیر)». و شیخ آلبانی رحمته الله گفته است: «اقبض» یعنی با دست راست، جاودانگی و با دست چپت نعمت [بهشت] را بگیر.

۱۱۱) فضل و بزرگی با وضو بودن شب:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ بَاتَ طَاهِرًا بَاتَ فِي شِعَارِهِ مَلَكٌ فَلَا يَسْتَيْقِظُ إِلَّا قَالَ الْمَلَكُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِعَبْدِكَ فَلَانَ فَإِنَّهُ بَاتَ طَاهِرًا». (ابن حبان آن را صحیح دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).
«هرکس شب، وضو داشته باشد (و خوابش ببرد) فرشته‌ای در لباسش شب با او می‌ماند و او از خواب بیدار نمی‌شود مگر این که (قبل از آن)، آن فرشته می‌گوید: خداوندا، فلان بنده‌ات را ببخشای زیرا که او، شب، با وضو بوده است».
و منذری گفته است: «و معنای والشّعار، لباس یا چیزی غیر آن است که به بدن می‌چسبد [مثلاً لباس زیر].»

۱۱۲) غذا می‌خورد و دعا می‌کند و لباس می‌پوشد و دعا می‌کند و در نتیجه بخشیده می‌شود:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ أَكَلَ طَعَامًا ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا الطَّعَامَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ»، قَالَ: «وَمَنْ لَبَسَ ثَوْبًا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي هَذَا الثَّوْبَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ». (به روایت از ابوداود و آلبانی آن را حسن دانسته است، به غیر از زیادی «وما تأخر» در دو موضع حدیث).

«هر کس غذایی بخورد و سپس بگوید: سپاس و ستایش، مخصوص خداوندی است که این غذا را به من خوراند و آن را روزی من گردانید بدون (صرف) زحمت و نیرویی از طرف من، گناهان گذشته و آینده‌ی او بخشیده می‌شود» و باز فرمود: «و هر کس اگر لباسی پوشید بگوید: سپاس و ستایش برای خدایی که این لباس را بر من پوشانید و روزی من گردانید بدون (صرف) زحمت و نیرویی از طرف من، گناهان گذشته و آینده‌ی او بخشیده می‌شود».

۱۱۳) چگونه شخص، در زمره‌ی ذاکرین نوشته خواهد شد؟

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِذَا أَيْقَظَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّى - أَوْ صَلَّى - رَكَعَتَيْنِ جَمِيعًا كَتَبَ فِي الذَّاكِرِينَ وَالذَّاكِرَاتِ». (به روایت از ابوداود و امام نووی رحمته آن را صحیح دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).

«هرگاه مرد، همسرش را در شب بیدار نماید و با حواس جمع، دو رکعت نماز بخواند - (یا به روایتی دیگر) بخواند - در زمره‌ی مردان و زنان ذاکر نوشته می‌شوند».

۱۱۴) نیتی که معادل قیام شب می‌باشد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ أَتَى فِرَاشَهُ وَهُوَ يَنْوِي أَنْ يَقُومَ فَيُصَلِّيَ مِنَ اللَّيْلِ، فَغَلَبَتْهُ عَيْنُهُ حَتَّى يَصْبَحَ كَتَبَ لَهُ مَا نَوَى وَكَانَ نَوْمُهُ صَدَقَةً عَلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ». (به روایت از ابن ماجه و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هر کس به رخت‌خوابش برود در حالی که نیت آن را دارد که شب برخیزد و نماز بخواند ولی خواب تا صبح بر چشمانش غلبه کند، آنچه که نیت کرده برایش نوشته می‌شود و خوابش، صدقه‌ای برای او از طرف پروردگارش می‌گردد».

۱۱۵) نمازی به ارزش صد هزار نماز:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ». (به روایت از ابن ماجه و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«یک نماز در مسجد من از هزار نماز در مسجدی دیگر غیر از مسجدالحرام، و یک نماز در مسجدالحرام از صد هزار نماز در مسجدی غیر آن، بهتر است».

۱۱۶) فضل و بزرگی نماز اشراق:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ، كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ». (به روایت از ترمذی و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هر کس نماز صبح را به جماعت بخواند سپس بنشیند و مشغول ذکر خدا شود تا این که خورشید طلوع کند سپس دو رکعت نماز بخواند، اجری معادل با یک حج و عمره‌ی کامل، کامل، کامل خواهد داشت».

(۱۱۷) پاداش بزرگ ارکان اسلام:

* از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که نقل کرد که: «یک عرب صحرانشین پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا، مرا بر عملی که اگر آن را انجام دهم به بهشت بروم راهنمایی فرما». پیامبر فرمود:

«تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتَقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ وَتَصُومُ رَمَضَانَ».

«خدا را عبادت می‌کنی و هیچ چیزی را شریک او قرار نمی‌دهی و نمازهای واجب را به جا می‌آوری و زکات فرض را می‌پردازی و ماه رمضان را روزه می‌گیری».

آن مرد گفت: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، هیچ‌گاه بر این مقدار، چیزی نمی‌افزایم و چیزی از آن نمی‌کاهم». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظَرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا». (متفقٌ علیه).

«هر کس از نگاه کردن به مردی بهشتی شاد می‌شود به این مرد نگاه کند».

(۱۱۸) از فضایل حضور در نماز جماعت:

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِذَا قَالَ الْإِمَامُ: غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، فَقُولُوا: آمِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ قَوْلَهُ قَوْلَ الْمَلَائِكَةِ عُفِّرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (متفقٌ علیه).

«هرگاه پیش‌نماز گفت: «غیرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، شما بگویید: «آمین» زیرا هر کس که گفته‌اش با گفته‌ی فرشتگان همراه گردد تمام گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود»^(۱).

و ای برادر مسلمانم، این فضل و بزرگی برای کسی که به نماز جماعت نرود حاصل نمی‌گردد. والله أعلم.

^۱ - یعنی فرشتگان هم در آن زمان «آمین» می‌گویند.

۱۱۹) بیم دادن از ترک زکات:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«ما من رجل له مال لا يؤدي حق ماله إلا جعل له طوقاً في عنقه شجاع أقرع وهو يفر منه وهو يتبعه» ثم قرأ مصداقه من كتاب الله عز وجل:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [آل عمران: 180]. (به روایت از نسایی و آلبانی آن را صحیح دانسته است و آیه سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۸۰ است).

«هیچ کس نیست که مالی داشته باشد ولی حق آن (یعنی زکات آن) را نپردازد مگر این که از آن مال، طوقی در گردنش و مار افعی کرک ریخته‌ای (از شدت سمی بودن) برایش به وجود آورده می‌شود که او از دست آن فرار می‌کند و آن مار تعقیبش می‌نماید». سپس مصداق آن را در کتاب خداوند عز و جل قرائت فرمود:

«آنان که نسبت بدانچه خداوند از فضل و نعمت خود بدیشان عطا کرده است بخل می‌ورزند (و زکات مال به در نمی‌کنند) گمان نکنند که این کار برای آنان خوب است و به سود ایشان است بلکه این کار برای آنان بد است و به زیان آنان تمام می‌شود. در روز قیامت همان چیزی که بدان بخل ورزیده‌اند طوق (سنگین اسارت بر گردن) ایشان می‌شود».

۱۲۰) فضل و بزرگی کفالت یتیم‌ها و بیوگان:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أنا وكافل اليتيم في الجنة هكذا» وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى وَفَرَجَ بَيْنَهُمَا. (به روایت از بخاری).

«من و کسی که سرپرستی یتیمی را برعهده می‌گیرد در بهشت، این گونه‌ایم» و به انگشت سبابه و میانی اشاره کرد و بین آن‌ها را گشود.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمَسْكِينِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - وَأَحْسَبُهُ قَالَ - وَكَالْقَائِمِ الَّذِي لَا يَفْتَرُ وَكَالصَّائِمِ الَّذِي لَا يَفْطُرُ». (متفقٌ عليه).

«کسی که سرپرستی بیوگان و یتیمان را بر عهده می‌گیرد همانند مجاهد در راه خدا است - و فکر می‌کنم که (در ادامه‌ی آن) گفت: - و همانند کسی است که پیوسته هر شب را به عبادت می‌گذراند و نیز مانند روزه‌داری که هر روز، روزه می‌گیرد».

(۱۲۱) فضل و بزرگی فرزند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ». (به روایت از مسلم).

«هرگاه انسان فوت کرد، اعمالش به پایان می‌رسد و قطع می‌شود مگر سه چیز: صدقه‌ای جاریه یا علمی که دیگران از آن بهره‌مند می‌شوند یا فرزند صالحی که برای او دعا کند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ الدَّرَجَةَ لِلْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ أُنِّي لِي هَذِهِ فَيَقُولُ بِاسْتِغْفَارٍ وَلِدِكَ لَكَ». (به روایت امام احمد و ابن ماجه و شیخ آل‌بانی آن را حسن دانسته است).

«خداوند، درجه‌ی عبد صالح را در بهشت بالا می‌برد و او (با تعجب) می‌گوید: ای پروردگرم، این از کجا به من رسیده است؟» و خداوند در جواب او می‌فرماید: به وسیله‌ی طلب بخشش فرزندت برای تو». در روایت بیهقی آمده است: «به وسیله‌ی دعای فرزندت برای تو».

پس بر هر پدر و مادری لازم است که فرزندان‌شان را صالح تربیت نمایند تا به این اجر و پاداش عظیم برسند و نیز شایسته است که هر فرزندی برای پدر و مادرش دعا کند

زیرا این کار، کمترین و ساده‌ترین چیزی است که یک فرزند می‌تواند حق‌شناسانه به پدر و مادرش تقدیم کند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقُلْ رَبِّ ارْزُقْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: 24].

«بگو: ای پروردگرم، آنان را ببخشای و رحمت کن همان گونه که آنان مرا از کوچکی تربیت نمودند.»

۱۲۲) فضل و بزرگی کسی که چند دختر داشته باشد و آنان را تربیت کند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ ابْتَلَى مِنْ الْبَنَاتِ بَشِيءٌ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ، كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ». (متفقٌ علیه و این لفظ، لفظِ مسلم است).

«هر کس به وسیله‌ی صاحبِ چند دختر شدن، آزمایش گردد و او به آنان نیکی کند (و خوب، تربیتشان نماید)، آن دختران، برای او حجاب و پوششی از آتشِ دوزخ می‌گردند.»

و «مَنْ ابْتَلَى» یعنی: هر کس که خدا او را آزمایش کرد.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَ هُوَ» وَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ. (به روایت از مسلم).

«هر کس دو دختر داشته باشد و آنان را سرپرستی نماید تا این که بزرگ شوند، روز قیامت می‌آید و (در آن روز) من و او همانند این دوتاییم: و دو انگشت دستش را به هم چسبانند.»

«أَنَا وَ هُوَ - وَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ» یعنی: روز قیامت می‌آید و من و او همانند این دو انگشتیم.

«جاریتین» یعنی: دو فرزندِ دختر، همان گونه که امام نووی رحمته گفته است.

* و از عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: «زن مستمندی که دو دخترش را حمل می‌کرد، پیش من آمد و من به او سه عدد خرما دادم. او به هریک از فرزندانش یک خرما داد و یک خرما را هم به سمت دهان خودش بلند کرد تا آن را بخورد ولی دو دخترش آن خرما را از او خواستند پس او هم آن خرمایی را که می‌خواست خود بخورد، بین آن دو تقسیم کرد (و به آنان داد تا بخورند) حال این زن مرا متعجب نمود در نتیجه عمل آن زن را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تعریف نمودم. ایشان فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْجَبَ لَهَا الْجَنَّةَ - أَوْ أَعْتَقَهَا بِهَا مِنَ النَّارِ». (به روایت از مسلم).

«بی‌گمان خداوند، بهشت را برای او واجب گردانیده است - یا این که: با آن عمل، او را از دوزخ آزاد کرده است.»

۱۲۳) فضل و بزرگی پرورش دادن فرزندان بر عبادت:

* پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«سَبْعَةٌ يَظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ...» وَ ذَكَرَ مِنْهُمْ: شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ

تَعَالَى». (متفقٌ علیه).

«هفت نفر هستند که خداوند در روزی که هیچ سایه‌ای غیر سایه‌ی او نیست، آنان را زیر سایه‌ی خود می‌گیرد...» و از این هفت نفر، جوانی را ذکر می‌کند که بر عبادت خداوند متعال، پرورش یافته است.

۱۲۴) فضل و بزرگی حفظ قرآن و واداشتن فرزندان به حفظ آن:

* پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«يَجِيءُ صَاحِبُ الْقُرْآنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، حَلَّةٌ، فَيَلْبَسُ تَاجَ الْكِرَامَةِ ثُمَّ يَقُولُ:

يَا رَبِّ زِدْهُ، فَيَلْبَسُ حَلَّةَ الْكِرَامَةِ ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ ارْضَ عَنْهُ فَيَرْضَى عَنْهُ فَيَقَالُ لَهُ: اقْرَأْ وَاَرِقْ

وَتَزَادُ بِكُلِّ آيَةٍ حَسَنَةً». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).

«در روز قیامت، هم‌نشین با قرآن می‌آید و قرآن می‌گوید: ای پروردگرم، او را آراسته گردان و بپوشان، پس بر او تاج کرامت و بزرگواری می‌نهند، باز می‌گوید: ای پروردگرم، آن را بیشتر کن، پس لباس کرامت و بزرگواری به او پوشانده می‌شود و سپس می‌گوید: ای پروردگار من، از او راضی شو، پس خدا هم از او راضی می‌شود. سپس به او گفته می‌شود که قرآن بخوان و بالا رو و با هر آیه، حسنه‌ای به تو اضافه می‌گردد».

۱۲۵) آن پاداش‌هایی که بعد از موت مؤمن به او می‌رسد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: عِلْمًا عَلَّمَهُ وَنَشْرُهُ، وَوَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ، أَوْ مَصْحَفًا وَرَثَهُ، أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ، أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ تَلْحَقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ». (به روایت از ابن ماجه و آل‌بانی آن را حسن دانسته است).

«از اعمال و حسنات مؤمن که بعد از مرگش به او می‌رسد عبارتند از: علمی که آن را به دیگران یاد داده و بخش کرده باشد، و فرزند صالحی که به جای گذاشته باشد یا قرآنی که به ارث گذاشته باشد، یا مسجدی که بنا کرده باشد یا خانه‌ای که برای در راه ماندگان ساخته باشد یا نهری که جاری کرده باشد یا صدقه‌ای که در زمان حیات و سلامتی‌اش از مالش پرداخت کرده باشد؛ (اجر و پاداش) این‌ها بعد از مرگش به او خواهد رسید».

۱۲۶) فضل و بزرگی کسی که طفلی از دست داده باشد و بر آن، صبر کرده باشد:

* از ابو‌حسان روایت شده که گفت: «به ابوهریره گفتم: «من دو پسر از دست داده‌ام، پس آیا حدیثی از پیامبر ﷺ برایم نقل نمی‌کنی تا در مورد آنان به ما آرامش بخشد؟» گفت: «آری». (پیامبر ﷺ فرمود):

«صِعَارُهُمْ دَعَامِيصُ الْجَنَّةِ يَتَلَقَى أَحَدُهُمْ أَبَاهُ - أَوْ قَالَ أَبَوَيْهِ - فَيَأْخُذُ بِثَوْبِهِ - أَوْ قَالَ بِيَدِهِ - كَمَا أَخَذُ أَنَا بِصَنْفَةِ ثَوْبِكَ هَذَا فَلَا يَتَنَاهَى - أَوْ قَالَ فَلَا يَنْتَهِي - حَتَّى يُدْخِلَهُ اللَّهُ وَأَبَاهُ الْجَنَّةَ». (به روایت از مسلم).

«بچه‌های کوچک مؤمنین (در این دنیا که می‌میرند)، بچه‌های کوچک (اهل) بهشت می‌باشند. (وقتی که) یکی از آنان پدرش را ملاقات می‌کند - یا این که گفت: پدر و مادرش را - لباسش را - یا این که گفت: دستش را - همان‌گونه که من کناره‌ی این لباس تو را گرفته‌ام می‌گیرند- و دست بر نمی‌دارد - تا این که خداوند، او و پدرش را (با هم) وارد بهشت گرداند.»

* از معاویه بن قره روایت شده که او از پدرش نقل کرده که: مردی که پسرش با او بود پیش پیامبر ﷺ می‌آمد. پیامبر ﷺ فرمودند:

«تَحِبُّهُ؟»

«دوستش داری؟»

او در جواب گفت: «ای رسول خدا، خداوند، تو را به آن اندازه که من این بچه را دوست دارم، دوست بدارد». آن مرد مدتی نزد پیامبر ﷺ پیدایش نشد؛ ایشان فرمودند:

«مَا فَعَلَ ابْنُ فُلَانٍ؟»

«پسر (کوچک) فلان کس چه کار می‌کند (و چه طور است)؟»

گفتند: «ای رسول خدا او مرد». پس پیامبر ﷺ به پدرش فرمود:

«أَمَا تَحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ أَبَاكَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ يَنْتَظِرُكَ؟»

«آیا دوست نداری که: به هیچ یک از درهای بهشت نمی‌آیی مگر این که او را منتظرِ

خود خواهی یافت؟»

مردی گفت: «ای رسول خدا آیا این حالت، فقط مخصوص اوست یا برای همه‌ی ما،

چنین است؟» ایشان فرمودند:

«بَلْ لِكُلِّكُمْ». (به روایت از احمد و حاکم و ذهبی آن را صحیح دانسته‌اند و شعیب نیز گفته که صحیح است).

«(خیر) بلکه برای همه‌ی شما (این چنین) است».

۱۲۷) خانه‌ی حمد در بهشت:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمْرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ: مَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمَدًا وَاسْتَرْجَعَ. فَيَقُولُ اللَّهُ: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ». (ترمذی آن را حسن دانسته و آل‌بانی با او موافقت کرده است).

«هرگاه فرزند بنده‌ای می‌میرد خداوند به فرشتگانش می‌گوید: فرزند بنده‌ام را گرفتید؟ آنان می‌گویند: آری. خداوند می‌فرماید: ثمره‌ی قلبش را گرفتید؟ آنان می‌گویند: آری. خداوند می‌فرماید: بنده‌ی من چه گفت؟ آنان می‌گویند: تو را حمد و سپاس کرد و فرزند دیگری خواست. خداوند می‌فرماید: خانه‌ای در بهشت برای بنده‌ام بسازید و نام آن را خانه‌ی حمد بنهید».

۱۲۸) فضل و بزرگی صبر در هنگام مصیبت‌ها و بلاها:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: 10].

«قطعاً به شکیبایان اجر و پاداششان بدون حساب داده می‌شود».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«... وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ» (به روایت از مسلم).

«و صبر نور و روشنایی است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«عجباً لأمر المؤمن أن أمره كله خيرٌ وليس ذاك لأحدٍ إلا للمؤمن: إن أصابته سراءٌ شكرَ فكانَ خيراً له وإن أصابته ضراءٌ صبرَ فكانَ خيراً له». (به روایت از مسلم).

«عجب از امر مؤمن، زیرا امور او، تمامش خیر و خوبی است و این (مزیت)، غیر از مؤمن برای هیچ کس دیگر وجود ندارد (و آن این که): اگر دچار آسایش و فراخی شود و بر آن شکر نماید برای او خیر است و اگر دچار سختی و رنج شود و بر آن صبر نماید نیز برای او خیر و خوبی است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنِّي إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنًا فَحَمَدَنِي عَلَيَّ مَا ابْتَلَيْتُهُ فَإِنَّهُ يَقُومُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ مِنَ الْخَطَايَا وَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ: أَنَا قَيْدْتُ عَبْدِي وَابْتَلَيْتُهُ فَأَجْرُوا لَهُ كَمَا كُنْتُمْ تَجْرُونَ عَلَيْهِ وَهُوَ صَحِيحٌ». (به روایت از احمد و آلبانی آن را حسن دانسته است و شواهدی نیز دارد).

«خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: من هرگاه بنده‌ای از بندگان مؤمنم را (با سختی‌ها) آزمایش کردم و او را بر آنچه که او را بدان آزمایش نموده‌ام مرا حمد و ستایش نمود، آن روز همانند روزی که مادرش او را پاک از گناهان به دنیا آورد از رخت‌خوابش برمی‌خیزد و پروردگار عزّ و جلّ می‌فرماید: من بنده‌ام را (با بلایی که به او رسیده) گرفتار نموده و او را آزمایش کرده‌ام پس شما هم (حال که او گرفتار است و عبادتش همانند قبل نیست) اعمالش را همان‌گونه که در حال سلامت و صحت و آرامش بود ثبت نمایید (و کوتاهی‌هایی را که به دلیل بلایی که من برایش فرستاده‌ام ثبت ننمایید)

«قَيْدْتُ» یعنی: گرفتارش نمودم به وسیله‌ی بلایی که به او رسیده. «فَأَجْرُوا لَهُ كَمَا كُنْتُمْ تَجْرُونَ عَلَيْهِ وَهُوَ صَحِيحٌ» یعنی: اگر بیماری یا بلایی کسی را از بعضی از عبادات باز دارد، خداوند، آن عبادات را آن‌گونه که اگر سالم بود و انجام می‌داد برایش می‌نویسند.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ تَصِيبُهُ مَصِيبَةٌ فَيَقُولُ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ اجْرِنِي فِي مَصِيبَتِي وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا إِلَّا أَخْلَفَ اللَّهُ لِي خَيْرًا مِنْهَا». (به روایت از مسلم).

«هیچ مسلمانی نیست که مصیبتی به او برسد و آنچه را بگوید که خداوند به آن امر فرموده یعنی بگوید: بی‌گمان، از آن خدایم و به سوی او برمی‌گردیم؛ خداوند، مرا در این مصیبت پاداش ده و چیزی بهتر از آن را برایم جایگزین نما، مگر این که خداوند (آن مصیبت را کنار می‌زند و) چیزی بهتر از آن (که ناراحتی در آن نباشد) را برایش جایگزین می‌نماید.»

۱۲۹) ناراحتی و اندوه از چیزهایی است که گناهان را پاک می‌کند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا يَصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشُّوْكَةِ يَشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (متفقٌ عليه).

«هیچ سختی و بیماری و اندوهی (بر آینده) و غمی (بر گذشته) و (به طور کلی) هیچ اذیت و نگرانی و غمی و حتی خاری که در بدن مسلمانی فرو می‌رود، نیست مگر این که خدا به وسیله‌ی آن، گناهانش را پاک می‌کند.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ عَظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عَظَمِ الْبَلَاءِ وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا وَمَنْ سَخَطَ فَلَهُ السَّخَطُ». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).

«بی‌گمان پاداش‌های بزرگ همراه آزمایش‌های بزرگ است. هنگامی که خداوند قومی را دوست بدارد، آنان را آزمایش می‌کند و هر کس (بر آن آزمایش، صبر پیشه کند و) راضی باشد رضایت خدا را خواهد داشت و هر کس (بی‌قراری کند و) بر آن، ناراضی باشد، ناراضیتی خدا را خواهد داشت.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ أَوْ الْمُؤْمِنَةِ فِي جَسَدِهِ وَفِي مَالِهِ وَفِي وَلَدِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَةٍ». (امام احمد آن را در مسندش آورده و ارنائووط آن را حسن دانسته است).
 «زن مرد مؤمن، پیوسته به وسیله‌ی جسمشان و مالشان و فرزندشان آزمایش می‌شوند تا این که خدا را ملاقات می‌کنند در حالی هیچ گناهی بر ذمه‌ی آنان نمانده است».

۱۳۰) فضل و بزرگی کسی که بینایی‌اش را از دست داده و بر آن، صبر کرده‌است:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتِيهِ فَصَبَرَ عَوَّضْتُهُ مِنْهَا الْجَنَّةَ». (به روایت از بخاری).

«خداوند متعال فرموده است: هرگاه بنده‌ام را با (گرفتن) دو محبوبش (یعنی چشمانش) آزمایش کردم و او بر آن، صبر پیشه کرد، من به جای آن، بهشت را به او می‌دهم».

و «حبیبیه» یعنی: دو چشمش.

۱۳۱) بر روی زمین راه می‌رود در حالی که گناهی بر او نیست:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«وَمَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ». (امام احمد آن را در کتاب «المسند» روایت کرده و شعيب آن را حسن دانسته است).
 «عبد، پیوسته آزمایش می‌گردد تا این که (بعد از گذراندن آن‌ها با موفقیت) بر روی زمین راه می‌رود در حالی که هیچ گناهی بر او نیست».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«... مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَصِيبُهُ أَدَى مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَظَّ اللَّهُ بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحَطَّ الشَّجَرَةُ وَرَقَّهَا». (به روایت از مسلم).

«هیچ مسلمانی دچار ناراحتی و بیماری و یا چیزی غیر آن نمی‌شود مگر این که خداوند، همان‌گونه که درخت، برگ‌هایش را می‌ریزد، گناهانش را از او جدا می‌کند».

۱۳۲) فضل و بزرگی گریه کردن از ترس خداوند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَا يَلُجُ النَّارَ رَجُلٌ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى يَعُودَ اللَّبَنُ فِي الضَّرْعِ وَلَا يَجْتَمِعُ غِبَارٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدَخَانُ جَنَّةٍ». (ترمذی آن را روایت کرده و گفته است که: حسن و صحیح است و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هیچ کسی که از ترس خداوند گریه کرده باشد وارد آتش دوزخ نمی‌شود تا زمانی که شیر (دوشیده‌ی) چهارپایی به پستانش برگردد و هیچ گرد و غباری در راه خدا (که بر شخص می‌نشیند) با دود جَنَّم در یک جا جمع نمی‌شوند».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله...» وَ ذَكَرَ مِنْهُمْ: «وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فِافَاضَتْ عَيْنَاهُ». (متفقٌ عليه).

«هفت نفر هستند که خداوند آن‌ها را در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او نیست، زیر سایه‌ی خود قرار می‌گیرد...» و یکی از آنان را که ذکر می‌کند عبارت است از: «مردی که خداوند را به تنهایی و یگانگی یاد کند و (در اثر آن) چشمانش پر از اشک گردد».

۱۳۳) به خوبی و خیر زندگی کرد و به خوبی و خیر نیز مرد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَتَانِي رَبِّي فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ... [فَذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى [إِنْ قَالَ] قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ: لَتَبِيكُ رَبِّي وَسَعَدَيْكَ قَالَ، قَالَ: فِيمَ يَخْتَصِمُ الْمَلَأُ الْأَعْلَى؟ قُلْتُ: فِي الدَّرَجَاتِ وَالْكَفَّارَاتِ وَإِسْبَاغِ الْوُضُوءِ فِي الْمَكْرُوهَاتِ وَانْتِظَارِ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَمَنْ يَحَافِظُ عَلَيْهِنَّ عَاشَ بِخَيْرٍ وَمَاتَ

بخیّرٍ وکَانَ مِنْ ذَنْبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». (به روایت از امام ترمذی و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«خداوند در نیکوترین صورت پیش من ظاهر شد ... [و حدیث را بیان کرد تا آن جا که گفت:] خداوند به من فرمود: ای محمد، گفتم: «به گوش و در فرمانبرداری آماده‌ام. فرمود: جهان فرشتگان در چه موردی با هم گفتگو می‌کنند؟ گفتم: در مورد درجات و کفّارات (گناهان) و وضوی کامل گرفتن با وجود سختی و به انتظار نشستن از نمازی تا نماز دیگری؛ و هر کس بر انجام نمازها مداومت ورزد به خیر و سلامت زندگی می‌کند و به خیر و سلامت می‌میرد و از گناهانش همانند روزی که مادرش، او را به دنیا آورد پاک و مطهر می‌گردد».

۱۳۴) فضل و بزرگی کسی که عزیزی را از دست می‌دهد و بر آن، صبر می‌نماید:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَا لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّةً مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا الْجَنَّةَ». (به روایت از بخاری).

«خداوند متعال می‌فرماید: هرگاه از بنده‌ی مؤمنم، عزیزی از اهل دنیا را بگیرم و او به آن کفایت کند (و بر آن صبر پیشه نماید و راضی باشد)، برای او نزد من پاداشی جز بهشت نیست».

و «صَفِيَّةٌ» یعنی: کسی که او دوستش دارد؛ امام زبیدی گفته است «یعنی: کسی که انسان، او را دوست دارد مانند پدر و مادر و فرزندی پسر و دختر و همسر و هر کسی که انسان، او را دوست دارد. و منظور از قبض او، وفات اوست». شاید کسانی که برای خدا یکدیگر را دوست دارند نیز شامل این فضل و نیکی شوند. و اللهُ أَعْلَمُ.

۱۳۵) بزرگ‌ترین استغفار:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«سَيِّدُ الْاِسْتِغْفَارِ اَنْ تَقُوْلَ: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، خَلَقْتَنِيْ وَاَنَا عَلٰى عَهْدِكَ و وَعَدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَاَبُوْءُ بِذَنْبِيْ، فَاغْفِرْ لِيْ، فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ» قَالَ: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ التَّهَارِ مَوْقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ اَنْ يَمْسِيَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ اَنْ يَصْبَحَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ». (به روایت از بخاری).

«سید و بزرگ استغفارها این است که بگویی: «خداوندا، تو پروردگار من هستی، هیچ معبود به حقی جز تو نیست، تو مرا خلق کرده‌ای و من تا آن جا که بتوانم بر عهد و پیمان تو و (به امید) وعده‌ی تو هستم، و به نعمت و لطف تو بر خود و به گناهم اقرار می‌کنم پس مرا ببخشای که بی‌گمان هیچ کس گناه را نمی‌بخشد مگر تو، و سپس فرمود: و هر کس در حالی که به آن یقین دارد آن را در روز بگوید و همان روز، قبل از این که شب شود فوت کند بهشتی خواهد بود و هرکس، آن را در شب بگوید در حالی که به آن، یقین دارد و قبل از این که صبح شود بمیرد نیز بهشتی خواهد بود».

۱۳۶) فضل و بزرگی شفاعت خیر و واسطه‌ی عمل نیک شدن:

* خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ يَشْفَعُ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا﴾ [النساء: 85].

«هرکس میانجیگری پسندیده نماید (و واسطه‌ی عمل نیک گردد) نصیبی از (پاداش)

آن خواهد داشت».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«اشْفَعُوا تَوْجَرُوا» (متفقٌ علیه).

«میانجیگری (پسندیده) نمایید (و واسطه‌ی عمل نیک شوید) تا پاداش بگیرید».

۱۳۷) محبوبترین مردم نزد خداوند و فضل و بزرگی برآورده نمودن احتیاجات مسلمانان:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ، وَأَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ سُورُورٌ تُدْخِلُهُ عَلَى مُسْلِمٍ، أَوْ تَكْشِفُ عَنْهُ كُرْبَةً، أَوْ تَقْضِي عَنْهُ دَيْنًا، أَوْ تُطْرِدُ عَنْهُ جُوعًا، وَلَأنَّ أُمَّتِي مَعَ أَخِي لِي فِي حَاجَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَعْتَكِفَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، يَعْنِي مَسْجِدَ الْمَدِينَةِ، شَهْرًا...» إِلَى أَنْ قَالَ: «وَمَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فِي حَاجَتِهِ حَتَّى يَثْبِتَهَا لَهُ ثَبَّتَ اللَّهُ قَدَمَهُ يَوْمَ تَزُولُ الْأَقْدَامُ». (به روایت از طبرانی و ابن ابی الدنيا و آلبانی در «صحیح الجامع» آن را حسن دانسته است).

«محبوبترین مردم نزد خداوند، سودمندترین آنها برای مردم است و محبوبترین اعمال نزد خداوند خوشحالی است که به مسلمانی می‌دهی یا مشکلی از او رفع می‌کنی یا قرضی را به جای او برایش پرداخت می‌نمایی یا گرسنگی از او دور می‌نمایی و من اگر با برادر مسلمانم به دنبال حاجت او بروم تا نیازش برآورده شود برایم خوشایندتر از این است که در این مسجدم [یعنی مسجد النبی] یک ماه اعتکاف کنم...». تا آن جا که فرمود: «و هر کس که با برادر مسلمانش به دنبال نیاز او برود تا آن را برایش برآورده نماید، خداوند، قدم او را در روزی که قدمها در آن می‌لغزند [یعنی روز قیامت] ثابت می‌نماید.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مَعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ عَبْدِهِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ». (به روایت از مسلم).

هر کس که اندوه و مشکلی از مشکلات دنیا را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند، مشکل و اندوهی از اندوه‌های آخرت را برای او برطرف می‌نماید و کسی که بر شخص

تنگ‌دستی، آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد و هر کس مسلمانی را بپوشاند خداوند، او را در دنیا و آخرت می‌پوشاند و (خلاصه) مادام که بنده به دنبال یاری برادرش باشد خداوند نیز به دنبال یاری او خواهد بود.»
و راست گفت کسی که این شعر را سرود:

وَأَفْضَلُ النَّاسِ مِنْ بَيْنِ الْوَرَى	رَجُلٌ تَقْضَىٰ عَلَيْهِ لِلنَّاسِ حَاجَاتٌ
قَدَمَاتِ قَوْمٍ وَمَا مَاتَ مَكَارِمُهُمْ	وَعَاشَ قَوْمٌ وَهَمَّ فِي النَّاسِ أَمْوَاتِ
أَفْضَلُ مَرْدَمٍ أَوْ بَيْنَ خَلَائِقِ بَاشِدِ أَنْ كَسِ	كِهِ بِرِ دَسْتِش رَوَا كَرْدَدِ نِيَازِ هَرِ خَلَائِقِ
بِرْفَتَنْدِ از جِهَانِ قَوْمِي وَلِيكَنْ مَانْدِ لَطْفِش	وَمَانْدَانِ قَوْمِي دِگَرَا مَافَنَائِشِ بِهٗ بُرَبُّوْدِنِ بَاخَلَائِقِ

۱۳۸) هرگاه خداوند، عبدی را دوست بدارد او را برای بندگانش محبوب می‌گرداند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا نَادَىٰ جِبْرِيلَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَبَّ فُلَانًا فَأَجِبَهُ فَيُجِبُهُ جِبْرِيلُ، ثُمَّ يُنَادِي جِبْرِيلُ فِي السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَبَّ فُلَانًا فَأَجِبُوهُ، فَيُجِبُهُ أَهْلُ السَّمَاءِ وَيُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ». (متفق عليه).

«خداوند تبارک و تعالی هر وقت بنده‌ای را دوست بدارد به جبرئیل می‌گوید: «خداوند، فلان کس را دوست می‌دارد پس تو نیز او را دوست بدار پس جبرئیل هم او را دوست می‌دارد، سپس جبرئیل در آسمان، ندا سر می‌دهد: «خداوند، فلان کس را دوست می‌دارد پس او را دوست بدارید» در نتیجه ساکنان آسمان، او را دوست می‌دارند و در میان ساکنان زمین نیز، دوستی و رضایت از او قرار داده می‌شود.»

۱۳۹) فضل و بزرگی نیکی و محبت مردم نسبت به عبد:

* از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «بر جنازه‌ای گذشتند و او را به نیکی یاد کردند» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَجَبَتْ».

«واجب شد».

سپس بر جنازه‌ای دیگر گذشتند ولی او را به بدی یاد کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَجَبَتْ».

«واجب شد».

عمر بن الخطاب رضی الله عنه گفت: «چه چیز واجب شد؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هَذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ خَيْرًا فَوَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَهَذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ شَرًّا فَوَجَبَتْ لَهُ النَّارُ، وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ». (متفق عليه).

«آن مردی را که شما به نیکی از او یاد کردید، بهشت برای او واجب شد و آن مردی را که شما به بدی از او یاد کردید، آتش دوزخ برای او واجب گردید؛ شما شاهدان خداوند در زمین هستید»^(۱).

در این حدیث ترغیب و تشویق بزرگی است بر این که عبد، خود، صالح و نیکوکار باشد و برادران مؤمنش را دوست بدارد و برای آنان، محبوب باشد و در حق آنان نیکوکار

^۱ - البته نباید این حدیث بر کسب رضایتِ خلق به هر قیمت، حمل گردد. در این جا رضایتِ خلقی مورد نظر است که آنان هم رضای پروردگار را طلب می‌کنند و چنان که می‌بینید یکی از آنان حضرت عمر رضی الله عنه بوده است که نیاز به توصیف او در راضی شدن او به رضای خدا نیست و بدیهی است که رضایت یا نارضایتی آنان که وقعی به دستورات و خواست و رضایت خداوند متعال نمی‌نهند در خشنودی و ناخشنودی پروردگار، هیچ تأثیری ندارد و نباید برای رضایت آنان کار کرد بلکه فقط باید رضایت پروردگار را در نظر گرفت در این صورت اگر کسانی باشند که به رضایت خدا راضی‌اند، آنان نیز از او خشنود خواهند بود و او مصداق حدیث فوق قرار خواهد گرفت. (مترجم).

باشد و به آنان بدی ننماید تا به این شهادتِ عظیم از طرف پیامبر و این بشارتِ زود هنگام دست یابد.

۱۴۰) خداوند، او را برای انتخاب کردن در روز قیامت دعوت می‌کند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ تَرَكَ اللَّبَاسَ تَوَاضِعًا لِلَّهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ دَعَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُخَيَّرَهُ مِنْ أَىِّ حُلَلِ الْإِيمَانِ شَاءَ يَلْبَسُهَا». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).

«هرکس (پوشیدن) لباس (های) فاخر و گران‌قیمت) را به دلیل تواضع و فروتنی در مقابل خدا ترک کند در حالی که بر (تهیه کردن و پوشیدن) آن توانا باشد، خداوند، او را در حضور خلائق در روز قیامت صدا می‌زند تا او را مختار گرداند که از هریک از لباسهای ایمان که می‌خواهد بپوشد».

۱۴۱) فضل و بزرگی فروتنی و نکوهش غرور:

* خداوند در مدح بندگان متواضعش می‌فرماید:

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [القصص: 83].

«ما آن سرایِ آخرت را تنها بهره‌ی کسی می‌گردانیم که در زمین خواهانِ تکبر و استکبار نیستند و فساد و تباهی نمی‌جویند (و دلشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی و شهرت‌طلبی و تباهکاری، پاک و پالوده است و عاقبتِ (کار) از آن پرهیزگاران است».

و باز خداوند سبحان در وصفِ آنان، که دوستشان دارد و آنان هم او را دوست دارند می‌فرماید:

﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: 54].

«... خداوند آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند آنان در مقابلِ مؤمنین نرم و متواضعند...». و ﴿أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی: در برابرِ آنان متواضعند و با آن مهربان هستند.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«... مَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ». (به روایت از مسلم).

«... هیچ کس به خاطر خدا تواضع نکرده مگر این که خداوند (درجه‌ی) او را بالا برده است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ...». (به روایت از مسلم).

«کسی که به اندازه‌ی ذره‌ای، کبر و غرور در قلبش باشد وارد بهشت نمی‌شود».

پیامبر ﷺ معنای کبر و غرور را در حدیث زیر شرح داده و گفته است:

«الْكِبْرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَعَمَطُ النَّاسِ».

«غرور، نپذیرفتن حق و تحقیر و خوار شمردن مردم است».

و «بَطْرُ الْحَقِّ» یعنی: رد کردن و قبول نکردن حق از گوینده‌ی آن و «عَمَطُ النَّاسِ»

یعنی: حقیر شمردن مردم. پناه می‌بریم به خداوند از شرِّ دوزخ.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«... أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ: كُلُّ عَتَلٍ جَوَاطِئِ مُسْتَكْبِرٍ». (متفق علیه).

«... آیا باخبرت‌ان نکند از دوزخیان؟ (فرمود:): هر انسانِ بسیار ستمگرِ سنگ دلِ تناورِ

پرخورِ خرامنده‌ی با غرور و متکبر».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«بَيْنَمَا رَجُلٌ يَتَبَخَّرُ يَمْشِي فِي بَرْدِيهِ قَدْ أَعْجَبَتْهُ نَفْسُهُ فَنَسَفَ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ وَهُوَ

يَتَجَلَّجَلُ فِيهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (به روایت از مسلم).

«این گونه واقع شده است که) شخصی متکبرانه و خودپسندانه در لباس‌هایش (که) آن را آراسته و تمیز کرده است) راه می‌رود و محور (جمال و عظمت) خویش گشته است و خدا (به دلیل این حالت) او را به زمین فرو برده است و او تا روز قیامت (هم‌چنان) در آن فرو می‌رود».

✽ پیامبر ﷺ فرمود:

«إِحْتَجَّتِ النَّارُ وَالْجَنَّةُ فَقَالَتْ هَذِهِ: يَدْخُلِي الْجَبَّارُونَ وَالْمُتَكَبِّرُونَ وَقَالَتْ هَذِهِ: يَدْخُلِي الضَّعْفَاءُ وَالْمَسَاكِينُ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِهَذِهِ: أَنْتِ عَذَابِي أَعْدَبُ بَكِ مِنْ أَشَاءٍ - وَرُبَّمَا قَالَ: أَصِيبُ بَكِ مِنْ أَشَاءٍ - وَقَالَ لِهَذِهِ: أَنْتِ رَحْمَتِي أَرْحَمُ بَكِ مِنْ أَشَاءٍ وَلَكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْ كَمَا مَلُؤَهَا». (به روایت از مسلم).

«دوزخ و بهشت با همدیگر به مباحثه پرداختند؛ این یکی گفت: ستمگران وارد من می‌شوند، و دیگری گفت: ضعیفان و مستمندان وارد من می‌شوند. خداوند به این یکی گفت: تو عذاب من هستی و هرکس را که بخوام با تو عذاب می‌دهم - و شاید گفت: هر کس را بخوام به وسیله‌ی تو دچار مصیبت و بلا می‌کنم، - و به دیگری گفت: تو رحمت من هستی و هر کس را که بخوام به وسیله‌ی تو می‌بخشایم و رحمت می‌کنم و هر یک از شما به وسیله‌ی افراد خاص خود، پر خواهید شد».

۱۴۲) در مورد کسی که خواست از دوزخ نجات پیدا کند و وارد بهشت شود:

✽ پیامبر ﷺ بعد از آن که فتنه‌هایی را که در آخر الزمان می‌آیند ذکر کرد فرمود:

«فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَزْحَرَ عَنِ النَّارِ وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ فَلْتَأْتِهِ مَنِيَّتَهُ وَهُوَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَأْتِ إِلَى النَّاسِ الَّذِي يَحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهِ». (به روایت از مسلم).

«هرکس دوست دارد از دوزخ دور شود و وارد بهشت گردد باید مرگش در وقتی سراغش بیاید که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد و هرکس می‌خواهد که مردم به سوی او بیایند (و او را دوست داشته باشند) باید او نیز به سوی آنان برود (و آنان را دوست بدارد)»

۱۴۳) درجات در آخرت، چیست؟

* پیامبر ﷺ در آنچه که از پروردگارش روایت می‌کند فرمود: خداوند عزّ و جلّ فرمود:

«يَا مُحَمَّدُ، قُلْتُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدِيكَ. فَقَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ قُلَّ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَعَلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرَكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحَبَّبَ الْمَسَاكِينَ وَإِذَا أُرِدْتَ بَعَادَكَ فَتَنَّهُ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ غَيْرَ مَفْتُونٍ» قال: «وَالدَّرَجَاتُ: إِفْشَاءُ السَّلَامِ وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ وَالصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالتَّاسُّ نِيَامًا». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«ای محمد، گفتم: به گوش و در فرمانبرداری آماده‌ام خداوند فرمود: «هرگاه نماز خواندی بگو: خداوند، من انجام اعمال خیر و ترک اعمال ناپسند و دوستی مستمندان را از تو می‌خواهم، و هرگاه خواستی که بندگان را دچار فتنه‌ای کنی مرا از فتنه و آشوب بگیر (و محفوظ گردان)». سپس پیامبر ﷺ فرمود: «و درجات عبارتند از: «آشکار نمودن سلام و غذا دادن (به دیگران) و نماز خواندن در شب، در حالی که مردم در خوابند».

۱۴۴) فضل و بزرگی امام عادل و کسی که در حکم او باشد:

ارزش و منزلت عدالت و بزرگی آن نزد خداوند به آن چنان مکان و شأن بزرگی رسیده است که در مورد آن می‌فرماید:

﴿وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: 9].

«و عدالت پیشه کنید که بی‌گمان خداوند، عدالت‌پیشگان را دوست دارد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ لِلْمُقْسِطِينَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى مَنْابِرٍ مِنْ نُورٍ، عَلَى يَمِينِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَا وَلَوْ». (به روایت از مسلم و این لفظ، لفظ نسائی است و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«بی‌گمان که عدالت‌پیشگان در نزد خداوند متعال بر منبرهایی از نور بر دست راست خداوند هستند و آنان کسانی‌اند که در حکمشان و خانواده‌شان و کارهایی که بر عهده می‌گیرند و انجام می‌دهند عدالت را رعایت می‌کنند».

این امر فقط مخصوص ولیّ امر مسلمانان نیست بلکه واجب است که پدر هم در حقّ فرزندان و اهل بیتش و نیز کسی که دارای دو زن یا بیشتر است و نیز مدیر در اداره و بین کارمندان عادل باشد و در بین آنان عدالت را رعایت کند تا به فضل عظیم برسد.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«سَبْعَةٌ يَظْلَهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ...» وَ ذَكَرَ مِنْهُمْ فِي أَوْلِهِمْ إِمَامٌ عَادِلٌ. (متفقٌ علیه).

«هفت نفر هستند که خداوند در روزی که هیچ سایه‌ای غیر از سایه‌ی او نیست آن‌ها را زیر سایه‌ی خویش می‌گیرد...» و اولین کسی که از آن یاد می‌کند عبارت است از «امامی عادل».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أَهْلُ الْجَنَّةِ ثَلَاثَةٌ...» وَ ذَكَرَ مِنْهُمْ «ذُو سُلْطَانٍ مَقْسُطٍ مُتَّصِدِّقٍ مُوَقِّقٍ». (متفقٌ علیه).
«بهشتیان سه دسته‌اند...» و یکی از آنان، که پیامبر از آن یاد کرد عبارت است از: «سلطانی عدالت‌پیشه و بخشنده و توفیق یافته».

۱۴۵) فضل و بزرگی انسانِ پرهیزگار در مورد عورت و شکمش:

* یکی از هفت نفری که پیامبر ﷺ فرمود در روزی که هیچ سایه‌ای غیر از سایه‌ی خدا نیست خدا آن‌ها را زیر سایه‌ی خویش می‌گیرد عبارت است از:

«وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ...». (متفقٌ علیه).

«و مردی که، زنی صاحب حسب و نَسَب و زیبا او را (به کار نامشروع) دعوت می‌کند ولی او می‌گوید که: من از خدا می‌ترسم».

* پیامبر ﷺ در حدیث قبل در مورد بهشتیان که سه گروهند فرمود:

«وَعَفِيفٌ مَتَعَفِّفٌ ذُو عِيَالٍ». (به روایت از مسلم).

«و انسانی پاک‌دامن و پارسا و عیالوار».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ ضَمَّنَ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنُ لَهُ الْجَنَّةَ». (به روایت از بخاری).

«کسی که زبانش و آنچه را که در بین دو پایش قرار دارد برایم ضمانت کند (که با

آن‌ها گناه نکند) من بهشت را برای او تضمین می‌کنم».

و «مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ» یعنی زبانش.

۱۴۶) فضل و بزرگی کسی که عمرش دراز و عملش نیکو باشد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«خَيْرُ النَّاسِ مَنْ طَالَ عَمْرُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ». (ترمذی آن را حسن دانسته ولی آلبانی آن

را صحیح دانسته است).

«بهترین مردم کسی است که عمرش دراز و عملش نیکو باشد».

* از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که گفت:

«كَانَ رَجُلَانِ مِنْ بَلِيٍّ، حَتَّىٰ مِنْ قِضَاعَةَ، أَسْلَمَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَاسْتَشْهَدَا أَحَدُهُمَا

وَأَخَّرَ الْآخِرُ سَنَةً، قَالَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدٍ اللَّهُ: فَأَرَيْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ الْمُؤَخَّرَ مِنْهُمَا أَدْخَلَ قَبْلَ

الشَّهِيدِ فَتَعَجَّبْتُ لِذَلِكَ، فَأَصْبَحْتُ فذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ ﷺ أَوْ ذَكَرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَلَيْسَ قَدِصَامًا بَعْدَهُ رَمَضَانَ وَصَلَّى سِتَّةَ آلَافِ رُكْعَةً أَوْ كَذًا وَكَذَا

رُكْعَةً صَلَاةَ السَّنَةِ». (به روایت از احمد و آلبانی در «الترغیب» آن را صحیح دانسته

است).

«دو نفر از مردان بلی، از طایفه‌ی قضاعه به رسول خدا ﷺ ایمان آوردند. یکی از آن

دو (در جنگ) شهید شد و دیگری. (شهادتش) یک سال به تأخیر افتاد. طلحه بن عبید الله

گفت: (در خواب) بهشت به من نشان داده شد و دیدم که یکی از آن دو که یک سال بعد

شهید شده بود را قبل از دیگری وارد بهشت کردند، و از این موضوع تعجب کردم، صبح آن شب، موضوع را به پیامبر ﷺ عرض کردم - یا این که این موضوع برای رسول خدا ﷺ ذکر شد. ایشان فرمودند: مگر غیر این است که او بعد از اوّلی رمضان را روزه گرفته و شش هزار رکعت - یا فلان و فلان رکعت نماز سنت - خوانده است!».

۱۴۷) فضل و بزرگی صدقه و این که صدقه در روز قیامت، مایه‌ی نجات است:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ». (متفقٌ علیه).

«خود را از دوزخ نجات دهید حتی اگر به وسیله‌ی (صدقه دادن) نصف خرمايي باشد».

یعنی: گاهی اوقات، عبد از دوزخ نجات پیدا می‌کند حتی اگر مقدار بسیار کمی مانند نصف خرمايي صدقه داده باشد.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ وَلَا يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا الطَّيِّبُ فَإِنَّ اللَّهَ يَنْقَبِلُهَا بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَرْبِّيْهَا لِصَاحِبِهَا كَمَا يَرْبِّيْ أَحَدَكُمْ فَلَوْهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ». (متفقٌ علیه).

«هرکس به اندازه‌ی یک خرما از کسب حلال، صدقه بدهد - که غیر از مال پاک و حلال پیش خدا نمی‌رود - خداوند، آن را قبول می‌کند و با دست راستش می‌گیرد و سپس آن را پرورده می‌کند همان‌گونه که شما کره اسب‌هایتان را پرورده می‌کنید تا این که (آن صدقه) همانند کوهی می‌گردد».

و «عدل التمرة» یعنی: به اندازه‌ی یک خرما، و «فلو» همان کره اسب است.

* از جمله‌ی کسانی که پیامبر ﷺ در حدیث هفت نفری که خداوند در روزی که هیچ سایه‌ای غیر از سایه‌ی او نیست آنان را زیر سایه‌ی خویش می‌گیرد عبارت است از: «وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تَنَفَّقُ يَمِينُهُ». (متفقٌ علیه).

«و مردی که صدقه‌ای می‌دهد و آن گونه آن را پنهان می‌کند که آن کس که در سمتِ چپ اوست نداند آنچه را که دستِ راستش انفاق می‌کند».

* پیامبر ﷺ به ابوذر فرمود:

«یا أباذرٍّ، مَا أَحَبُّ أَنْ أَحَدًا لِي ذَهَبًا يَأْتِي عَلَيَّ لَيْلَةً أَوْ ثَلَاثَ عِنْدِي مِنْهُ دِينَارٌ إِلَّا أُرْصَدُهُ لِدِينٍ إِلَّا أَنْ أَقُولَ فِي عِبَادِ اللَّهِ هَكَذَا وَ هَكَذَا» وَأَرَانَا بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ: «يَا أباذرٍّ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «الْأَكْثَرُونَ هُمُ الْأَقْلَوْنَ إِلَّا مَنْ قَالَ هَكَذَا وَ هَكَذَا...». (متفقٌ عليه)

«ای ابوذر، من دوست ندارم که به اندازه‌ی کوهِ أحد طلا داشته باشم و یک یا (حداً اکثر) سه شب بر من بگذرد و حتی دیناری از آن نزد من مانده باشد و مگر آن مقدار که برای پرداختن قرضی آماده کرده باشم مگر این که بگویم: آن را چنین و چنان به بندگان خدا ببخشید»، و در این حال با دست (در هنگام کلامش به چگونگی کار) اشاره می‌کرد. باز فرمود: «ای ابوذر»، گفتم: «به گوش و فرمان بردارم ای رسولِ خدا». فرمود: «آنان که ثروتمندترند، (در بهشت) کمترند مگر کسی که بگوید این چنان و آن چنین (مالم را به این و آن ببخشید).

* پیامبر ﷺ فرمود:

«صِنَاعُ الْمَعْرُوفِ تَقَى مِصَارِعَ السَّوِّ وَالصَّدَقَةُ خَفِيًّا تَطْفِيءُ غَضَبَ الرَّبِّ وَصَلَةُ الرَّحْمِ تَزِيدُ فِي الْعَمْرِ وَكُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَأَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمُ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ...». (به روایت از طبرانی و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«کارها و حرفه‌های نیک، (انسان را) از افتادن در پرتگاه‌های بد حفظ می‌کنند و صدقه‌ی پنهانی، (آتش) خشمِ پروردگار را می‌نشاند و صله‌ی رحم، عمر را زیاد می‌کند و هر کار خیری (خود)، صدقه‌ای است و اهلِ خیر و نیکی در دنیا در آخرت هم بر خیر و نیکی خواهند بود».

(۱۴۸) فضل و بزرگی شهادت در راهِ خدا:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«اللَّشَّهيدِ عِنْدَ اللَّهِ سَتْ خِصَالٍ: يَغْفِرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ وَيَرى مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ وَيُجَارِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَيَوْضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ، الْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَيَزُوجُ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ وَيَشْفَعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقْرَبِهِ».

(ترمذی آن را حسن دانسته و لی‌البانی آن را صحیح دانسته است).

وَفِي رِوَايَةِ أَحْمَدَ: «يَغْفِرُ لَهُ مِنْ دَمِهِ».

«شهید نزد خداوند شش حق دارد: گناهان او در اولین لحظه بخشیده می‌شود، و جایگاهش در بهشت را می‌بیند و از عذاب قبر نجات داده می‌شود، از بزرگ‌ترین ترس (یعنی روز رستاخیز) در امان می‌ماند، تاج وقاری بر سر او نهاده می‌شود که هر یاقوت آن از تمام دنیا و هرچه در آن است ارزشمندتر است، هفتاد و دو همسر از حوریان چشم درشت به ازدواج او درخواهند آمد و برای هفتاد نفر از بستگانش می‌تواند شفاعت کند».

در روایت امام احمد [در قسمت اول] چنین آمده است: «گناهان او در اولین لحظه از خونس، بخشیده می‌شود».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُكَلِّمُ أَحَدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يَكَلِّمُ فِي سَبِيلِهِ، إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اللَّوْنُ لَوْنُ دِمِّهِ وَالرَّيْحُ رِيحُ مِسْكِ».

(به روایت از بخاری).

«سوگند به کسی که جانم در دست اوست هیچ کس در راه خدا زخمی نمی‌شود - و خدا به کسی که در راه او زخمی شود آگاهتر است - مگر این که در روز قیامت می‌آید در حالی که رنگش رنگ خون (سرخ رو) و بویش بوی مسک است».

«كُلِّمٌ» یعنی جراحات.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ فَوْقَ نَاقَةٍ وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ جَرَحَ جَرْحًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ نَكَبَ نَكَبَةً فَإِنَّهَا تَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَغْزَرَ مَا كَانَتْ: لَوْنَهَا الزَّعْفَرَانُ وَرِيحُهَا كَالْمُسْكَ». (ترمذی آن را صحیح دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).

«هر مسلمانی که بر پشت شتری در راه خدا بجنگد، بهشت برایش واجب می‌گردد، و هرکس در راه خدا مجروحیتی بردارد یا دچار بلا و مصیبتی شود آن مجروحیت و بلا و مصیبت در بهترین و بزرگ‌ترین حالت در روز قیامت می‌آید: رنگ آن رنگ زعفران و بوی آن همچون مسک است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يَغْفِرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ». (ترمذی آن را صحیح دانسته و آلبانی با او موافقت کرده است).

«تمام گناهان شهید به غیر از قرض، بخشیده می‌شود».

۱۴۹) بیان فراوانی انواع شهید از امت محمد ﷺ:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا تَعْدُونَ الشَّهِيدَ فِيكُمْ؟». قالوا: «يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ». قال: «إِنَّ شَهِدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِيتُ». قالوا: «فَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» قال: «مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي الطَّاعُونَ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِيدٌ». قال: «وَ الْغَرِيقُ شَهِيدٌ».

«شما در میان خود چه کسی را شهید به حساب می‌آورید؟». گفتند: «ای رسول خدا، هرکس که در راه خدا کشته شود، شهید است». ایشان فرمودند: «در این صورت شهدای امت من کم خواهند بود». گفتند: «پس ای رسول خدا آنان چه کسانی‌اند؟». فرمود: «هرکس که در راه خدا کشته شود شهید است، و هر کس که در راه خدا بمیرد شهید است، و هر کس به دلیل ابتلا به بیماری طاعون بمیرد شهید است و هر کس به دلیل

بیماری شکم (مانند اسهال، شکم درد و ...) بمیرد شهید است» و فرمود: «و کسی که در آب غرق می‌شود نیز شهید است».

۱۵۰) فضل و بزرگی کسی که شهادت را بخواهد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصَدَقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشَّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ». (به روایت از مسلم).

«هر کس صادقانه از خدا شهادت را بخواهد، خداوند، او را به مقام و جایگاه‌های شهیدان می‌رساند با این که در رخت‌خوابش بمیرد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقاً أُعْطِيهَا وَلَوْ لَمْ تَصْبُهُ». (به روایت از مسلم).

«هر کس صادقانه شهادت را طلب کند (مقام و ثواب آن) به او داده می‌شود حتی اگر به شهادت هم نرسد».

«أُعْطِيهَا» یعنی ثوابش به او داده می‌شود.

۱۵۱) فضل و بزرگی ایستادن در مقابل دشمن در راه خدا:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«رِبَاطٌ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا وَمَوْضِعُ سَوْطِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا». (به روایت از بخاری).

«یک روز ایستادن در مقابل دشمن در راه خدا از دنیا و آنچه در آن است بهتر است و جایگاه یکی از شما در بهشت به دلیل شرکت در جنگ از دنیا و آنچه در آن است نیکوتر است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«رباطُ یومٍ فی سبیلِ اللّٰهِ خیرٌ منْ ألفِ یومٍ فیما سواهُ مِنَ المنازِلِ». (ترمذی آن را روایت کرده و گفته است که: حدیثی است حسن و صحیح و آلبانی آن را حسن دانسته است).
 «ارزشِ یک روز ایستادن در مقابلِ دشمن در راهِ خدا از (صرف کردن) هزار روز در (عبادت) غیرِ آن بهتر است».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«موقِفُ ساعةٍ فی سبیلِ اللّٰهِ خیرٌ منْ قیامِ لیلَةِ القدرِ عندَ الحجرِ الأسودِ». (به روایت از بیهقی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).
 «جایگاهِ یک ساعت ایستادن (در مقابلِ دشمن) در راهِ خدا از قیام (و عبادت) شب در کنارِ حجرِ الأسود بهتر است».

این حدیث علاوه بر دلالت بر بزرگیِ ثواب و پاداشِ ایستادن در مقابلِ دشمن در راهِ خدا و بزرگ‌تر بودنِ آن از قیام و عبادتِ شبِ قدرِ نزدِ حجرِ الأسود، با لفظ و مفهومش بر این، دلالت می‌کند که قیام و عبادت در شبِ قدر در کنارِ حجرِ الأسود دارای برتری و ویژگیِ خاصی بر غیر آن است به این شرط که به مزاحمت و اذیت کردنِ دیگران نینجامد و إلاً بزرگی نماز در مسجد الحرام (غیر از شبِ قدر نیز) آشکار است.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«رباطُ یومٍ و لیلَةٍ خیرٌ منْ صیامِ شهرٍ و قیامِهِ و اِنْ ماتَ جری علیه عملُهُ الَّذی کانَ یعملُ و اُجرِی علیه رزقُهُ و اَمِنَ الفِتَّانَ». (به روایت از مسلم).

«ایستادنِ یک شبانه روز در مقابلِ دشمن از روزه‌ی یک ماه و قیامِ شب‌های آن، بهتر است و اگر (طیُّ این عمل بمیرد) اعمالی که (در دنیا) انجام می‌داد (بعد از مرگش نیز) بر او جاری می‌گردد (و ثوابش به او می‌رسد) و روزیش (از جانبِ خداوند) نیز ادامه می‌یابد و از شرّ فتنه‌ی قبر در امان می‌ماند».

و «الفِتَّان» یعنی فتنه‌ی قبر، خداوند، ما را از آن پناه دهد ... پس خوشا به حال سپاهیانِ توحید و اسلام و ایمان.

۱۵۲) فضل و بزرگی کسی که در حال رویارویی با دشمن می‌میرد:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«كُلُّ مَيِّتٍ يَخْتُمُ عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الَّذِي مَاتَ مَرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يَنْمِي لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ وَيَأْمَنُ فِتْنَةَ الْقَبْرِ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«هر مرده‌ای بر عملش، مهر پایان زده می‌شود مگر کسی که در حال رویارویی با

دشمن در راه خدا مرده باشد؛ که او عملش تا روز قیامت، رشد و نمو داده می‌شود و از

فتنه‌ی قبر محفوظ می‌گردد».

۱۵۳) فضل و بزرگی تجهیز یک جنگاور در راه خدا:

* از ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت شده که گفت: «مردی شتری افسار شده آورد و

گفت: «این شتر (برای جهاد) در راه خدا (از طرف من وقف) باشد». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَكَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعُمِائَةِ نَاقَةٍ كُلُّهَا مَخْطُومَةٌ». (به روایت از مسلم).

«به دلیل (بخشیدن) این شتر، هفتصد شتر در روز قیامت خواهی داشت که تمام آن،

افسار شده است».

امام نووی رحمته الله گفته است: «مخطوم» یعنی دارای خطام و خطام چیزی شبیه به زمام

و مهار است. گفته شده است که: مقصود از آن، پاداش هفتصد شتر می‌باشد؛ این احتمال

هم وجود دارد که معنی ظاهرش مورد نظر باشد و در بهشت به پاداش آن، هفتصد شتر

به او داده شود که هریک از آن شتران، مخطوم و افسار شده باشد که برای گشت و گذار،

هر جا که خواست بر آن سوار می‌شود همان‌گونه که در مورد اسب‌های نجیب آمده است

و این احتمال قویتر است. و الله أعلم».

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ جَهَّزَ غَازِيًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا وَمَنْ خَلَفَهُ فِي أَهْلِهِ بَخِيرٌ فَقَدْ غَزَا». (به روایت از مسلم).

«هر کس جنگجویی را در راه خدا تجهیز نماید و نیز کسی که به نیکی، جانشین او برای (سرپرستی) خانواده‌اش باشد همانند این است که خود، جنگیده باشد».

۱۵۴) روزه از چیزهایی است که انسان را از دوزخ دور می‌کند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا». (متفقٌ علیه).
«هر کس روزی را در راه خدا روزه بگیرد، خداوند، او را به اندازه‌ی هفتاد پاییز (یا هفتادسال) از دوزخ دور می‌گرداند».

و «سبعین خریفاً» یعنی به اندازه‌ی مسیر طی شده در هفتاد سال.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». (به روایت از ترمذی و آلبانی آن را حسن دانسته است).
«هرکس روزی را در راه خدا روزه بگیرد، خداوند در بین او و بین دوزخ، گودالی به اندازه‌ی فاصله‌ی بین آسمان و زمین قرار می‌دهد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ: الرَّيَّانُ. يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ مَعَهُمْ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ. يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ إِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أَغْلَقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ». (متفقٌ علیه).

«بی‌گمان در بهشت دری هست که به آن و «ریان»، گفته می‌شود که روزه‌داران در روز قیامت از آن در، وارد (بهشت) می‌شوند و هیچ کس غیر از آنان با ایشان وارد (آن در) نمی‌شود. گفته می‌شود: روزه‌داران کجایند؟ پس روزه‌داران به پا می‌خیزند (تا از آن

در، وارد بهشت شوند) و کسی غیر از آنان با ایشان وارد آن در نمی‌شود. پس هر وقت آخرین نفرِ روزه‌داران از آن در وارد شدند بسته می‌شود و دیگر کسی (نمی‌تواند) از آن، وارد (بهشت) گردد».

۱۵۵) روزه‌ی ماهِ رمضان:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (متفقٌ علیه).
«هر کس ماهِ رمضان را از روی ایمان و خالص برای خدا روزه بگیرد تمام گناهانِ گذشته‌اش بخشوده می‌شود».

۱۵۶) روزه‌ی شش روز از ماهِ شَوَّال:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ». (به روایت از مسلم).
«هر کس ماهِ رمضان را روزه بگیرد و سپس به دنبال آن، شش روز از ماهِ شَوَّال را نیز روزه بگیرد مانند این است که کل سال، روزه گرفته باشد».

۱۵۷) پاداشِ روزه‌ی سه روز:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهِ». (متفقٌ علیه).
«(پاداش) روزه‌ی سه روز (وسط) هر ماه همانند (پاداش) روزه‌ی کل سال است».

۱۵۸) روزه‌ی روزِ عرفه:

* از رسول خدا ﷺ در موردِ روزه گرفتن در روزِ عرفه سؤال شد. ایشان فرمودند:
«يَكْفُرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ». (به روایت از مسلم).
«گناه سال گذشته و آینده را پاک می‌کند».

(۱۵۹) روزه‌ی روزِ عاشورا:

* از رسولِ خدا ﷺ در موردِ روزه گرفتن در روزِ عاشورا سؤال شد. ایشان در جواب فرمودند:

«يَكْفُرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ». (به روایت از مسلم).
«گناهانِ سالِ گذشته را پاک می‌کند».

(۱۶۰) فضل و بزرگیِ افطار دادن به روزه‌دار:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ فَطَرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الصَّائِمِ شَيْئًا». (ترمذی آن را روایت کرده و گفته که صحیح است و آلبانی هم با او موافقت کرده است).
«هر کس که به روزه‌داریِ افطاری دهد به اندازه‌ی او پاداش می‌گیرد و اجر او به هیچ وجه از اجر و پاداشِ روزه‌دار کمتر نیست».

(۱۶۱) فضل و بزرگیِ عبادت در شبِ قدر:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (به روایت از مسلم).
«هر کس، شبِ قدر را از روی ایمان و خالص برای خدا عبادت کند تمام گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود».

(۱۶۲) فضل و بزرگیِ حج و عمره:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ». (به روایت از مسلم).

«از یک عمره تا عمره‌ی دیگر کفاره‌ی گناهانِ مابینِ آن دو است و حجِّ مقبول، پاداشی جز بهشت ندارد.»

۱۶۳) عملِ صالح در ده روزِ اوّلِ ذی حِجّه:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«ما من أَيّامٍ العملُ الصّالحُ أحبُّ إلى اللهِ فيهنَّ من هذه الأيّامِ - یعنی ایّامِ عشرِ ذی الحِجّه - قالوا: ولا الجهادُ في سبيلِ الله؟ قال: «ولا الجهادُ في سبيلِ الله إلاّ رجلاً خرَجَ بنفسه و ماله ثمّ لم يرجعْ من ذلك بشيءٍ». (به روایت از بخاری).

«هیچ ایّامی نیست که انجامِ عملِ صالح در آن، پیشِ خداوند، محبوبتر باشد از این ایّام - یعنی ده روز (اوّل) ذی حِجّه» گفتند: «حتّی جهاد در راهِ خدا هم؟» فرمود: حتّی جهاد در راهِ خدا هم، مگر این که کسی (برای جهاد در راهِ خدا) با جان و مالِ خود خارج شود و هیچ یک از آن دو را باز نگرداند.»

باب: دوری از آن چه که اعمال انسان را باطل می‌گرداند

(۱۶۴) خداوند، آن را همچون ذراتِ غبارِ پراکنده در هوا می‌گرداند:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لألفين أقواماً من أمتي يأتون يومَ القيامةِ بحسناتٍ أمثالِ تهاميةٍ، بيضاً فيجعلها اللهُ هباءً منثوراً، أما إنهم إخوانكم ومن جلدتكم، ويأخذون من الليلِ كما تأخذون ولكنهم قومٌ إذا خلوا بمحارمِ اللهِ انتهكوها». (به روایت از ابن ماجه و آلبنی آن را صحیح دانسته است).

«هزاران قوم از امت من در روز قیامت نیکی‌هایی به اندازه‌ی سرزمین مکه (زیاد) و نورانی می‌آورند ولی خداوند، آن را همچون ذراتِ غبار، در هوا پراکنده می‌گرداند اما آنان برادرانِ شما و از عشیره‌ی شما هستند و آنچه را (از اعمال نیک و عبادات) که شما از شب می‌گیرید آنان هم از شب می‌گیرند ولی آنان قومی هستند که هرگاه خود را با محارمِ خود تنها می‌یابند حرمتِ آن را می‌شکنند و آن را انجام می‌دهند».

(۱۶۵) مفلسان و بی‌چیزانِ روزِ قیامت:

* پیامبر ﷺ فرمود:

«أتدرون ما المفلس؟» قالو: المفلسُ فينا من لا درهمَ له ولا متاع، فقال: «إنَّ المفلسَ من أمتي يأتي يومَ القيامةِ بصلاةٍ وصيامٍ وركاةٍ ويأتي قد شتمَ هذا وقذفَ هذا وأكلَ مالَ هذا وسفكَ دمَ هذا و ضربَ هذا فيُعطي هذا من حسناته وهذا من حسناته فإن فنيت حسناته قبل أن يُقضى ما عليه أخذَ من خطاياهم فطرحت عليه ثمَّ طرَحَ في النارِ». (به روایت از مسلم - و پناه می‌بریم به خدا از دوزخ).

«آیا می‌دانید که مفلس و بی‌چیز کیست؟» گفتند: «مفلس در بین ما کسی است که پول و مالی نداشته باشد» ایشان فرمودند: «بی‌گمان مفلسِ امت من کسی است که در

روز قیامت، نماز و روزه و زکات می‌آورد در حالی که یکی را دشنام داده، به آن دیگری تهمت زده، مال این یکی را خورده، خون یکی دیگر را ریخته و آن دیگری را زده است پس به هریک از آنها از حسنات او داده می‌شود و اگر قبل از این که حقوقی که بر اوست ادا شود، نیکی‌هایش تمام گردد از گناهان آنان برداشته و به او اضافه می‌شود و سپس به دوزخ انداخته می‌شود».

۱۶۶) پس اگر کسی پرسید: راه نجات پیدا کردن از حق الناس چیست:

* در جواب گفته می‌شود: پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ مِنْ عَرَضِهِ أَوْ شَيْءٌ فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَخَذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أَخَذَ مِنْ سَيِّئَاتِهِ صَاحِبَهُ فَحَمَلَ عَلَيْهِ». (به روایت از بخاری).

«هر کس که در مورد آبروی برادر مؤمنش یا چیز دیگری به او ظلم کرده است باید امروز (در این دنیا) قبل از این که دینار و درهمی نباشد، از او حلالیت بطلبد (زیرا در غیر این صورت) اگر عمل صالحی داشته باشد به اندازه‌ی ظمی که مرتکب شده است از اعمال صالحش برداشته می‌شود (و به شخصی که به او ظلم کرده اضافه می‌شود) و اگر هم عمل نیکی نداشته باشد از گناهان کسی که به او ظلم شده برداشته می‌شود و به او اضافه می‌گردد».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«التَّوَدُّنَ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقَادَ لِلشَّاةِ الْجِلْحَاءِ مِنَ الشَّاةِ الْقِرْنَاءِ». (به روایت از مسلم).

«حتماً تمام حقوق را در روز قیامت به صاحبان آن، باز خواهید گرداند آن گونه که حتی گوسفندی بی شاخ از گوسفند شاخ‌دار (برای حساب) باز داشته خواهد شد (و به جای آن، قابل قبول نخواهد بود)».

و حلالیت، این گونه است که به درگاه خدا توبه کنی و آنچه را که به ظلم گرفته‌ای باز گردانی و بهترین و بزرگ‌ترین آسوه و نمونه برای تو در این کار، پیامبر ﷺ است که خداوند در مورد او می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۝﴾ [الأحزاب: 21].

«سر مشق و الگوی زیبایی در (شیوهی پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شماست، برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند) امید به خدا داشته و جویای خدا باشند و خدا را بسیار یاد کنند».

پس نگاه کن به کمال تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ او که خلق و خویش برگرفته از قرآن بود پس به کسی ظلم نکرد و مال کسی را (به ظلم) نگرفت و به هیچ کس تعدی و دست‌درازی نکرد و با وجود این، در حدیث ذیل، ترس عظیم او را از این که خدا را ملاقات کند و حقی بر او باشد که آن را ادا نکرده باشد بین:

* روایت شده است که رسول الله ﷺ در روز جنگ بدر با چوبی که در دست داشت صف‌های اصحابش را برای نماز تنظیم می‌کرد. در حین این کار به سواد بن غزیه -حلیف بنی عدی بنی النجار- که از دیگران جلوتر بود رسید (و با آن چوب، برای عقب راندن او به شکمش زد) و به او فرمود:

«استو یا سواد!». فقال: يا رسول الله أوجعتني وقد بعثك الله بالحق والعدل فأقدينى. فكشف رسول الله عن بطنه فقال: «استفد» قال: فاعتنقه فقبل بطنه فقال: «ما حملك على هذا يا سواد؟» قال: يا رسول الله، حضر ما ترى، فأردت أن يكون آخر العهد بك أن يمسه جلدى جلدك. فدعا له رسول الله ﷺ بخير». (طبرانی آن را در «معجم الكبير» روایت کرده و دکتر «باسم الجوابره» آن را حسن دانسته و در تحقیقش بر این حدیث گفته است: حافظ ابن حجر در «الإصابة» گفته است: آن را عبدالرزاق و بغوی روایت کرده‌اند و اسناد عبدالرزاق حسن است ولی مرسل». و طبرانی آن را در «الكبير»، چنان که در «مجمع الزوائد» آمده روایت کرده است و هیشمی گفته که: رجال آن، همه ثقه و قابل

اطمینانند. این حدیث از طریق دیگری نیز روایت شده که ابونعیم آن را در «معرفة الصحابة» آورده است. پس مجموع این روایات، حدیث را «حسن لغیره» می‌نماید».

«ای سواد (عقب برو و) در صف بایست، سواد گفت: ای رسولِ خدا، مرا به درد آوردی در حالی که خداوند، تو را بر حق و عدالت مبعوث کرده پس در راه خدا عدالت پیشه کن. پس پیامبر لباسش را از شکمش کنار زد و فرمود: قصاصم کن! او گفت که: رسولِ خدا را در آغوش گرفت و شکمش را بوسید. پیامبر به او فرمود: ای سواد، چه چیز تو را وادار به این کار کرد؟ گفت: ای رسولِ خدا، می‌بینی که وقتِ مرگ است پس خواستم که آخرین عهدم با تو این باشد که پوستم پوستِ تو را لمس کند. پس پیامبر ﷺ برایش دعای خیر نمود.

و «قدح» تیر است [یا چوب تیری که هنوز پیکان و پر بر آن قرار نداده باشند] و

«مستنتل» یعنی: پیش افتاده.

باب: دوری کردن از توکل بر خدا بدون عمل

هیچ شکی در این نیست که رحمت و بخششِ خداوند رحمان و رحیم است که آرزو و امید ماست؛ ما بندگانِ ضعیف او و محتاج به عفو و گذشت و رحمتِ اویم و این، چیزی است که اگر وجود نداشت، گناهکاران، مایوس و نا امید می شدند و به همین خاطر، خداوندِ سبحان، بندگانِ گناهکار و مسرف را که گناهشان همانندِ طوقی بر گردنشان است و می خواهند که از آن، نجات پیدا کنند و رها شوند آرام می کند و به آنان می فرماید:

﴿قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يٰحَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَىٰ الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾﴾ [الزمر: 53 - 58].

«(از قولِ خدا به مردمان) بگو: «ای بندگانم! ای آنان که در معاصی زیاده روی هم کرده اید از لطفِ و مرحمتِ خدا مایوس و نا امید نگردید. قطعاً خداوند همه ی گناهان را می آمرزد چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است. و به سویِ پروردگارِ خود برگردید و تسلیم او شوید (و خاضعانه و خاشعانه از او امرش فرمانبرداری کنید) پیش از آن که عذاب، ناگهان به سویِ شما تاخت آرد و دیگر کمک و یاری نشوید (و کسی نتواند شما را از عذابِ خدا برهاند). و از زیباترین و بهترین چیزی که از سویِ پروردگارتان برای شما فرو فرستاده شده است (که قرآن است) پیروی کنید پیش از این که عذاب (دنیوی یا اخروی) ناگهان به سویِ شما تاخت آرد در حالی که شما بی خبر باشید. تا روز قیامت

کسی نگوید: «دردا و حسرتا! چه کوتاهی‌ها که در حق (طاعت و عبادت) خدا کرده‌ام. دریغا و افسوس من از زمره‌ی مسخره‌کنندگان (آیین یزدانی) بوده‌ام. یا این که نگوید: اگر خداوند راهنماییم می‌کرد از زمره‌ی پرهیزگاران می‌شدم. یا این که بدان گاه که عذاب را مشاهده می‌کند نگوید: کاشکی بازگشتی به دنیا برایم میسر می‌بود تا از زمره‌ی نیکوکاران گردم».

پس خداوند، رحمت کند تو را! به رحمت و مغفرت خداوند متعال در این آیه بنگر:

﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۵۲﴾﴾.

«از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید؛ قطعاً خداوند، همه‌ی گناهان را می‌آمرزد چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است».

و سپس نگاه کن به ترساندن بندگانش از عذابش و نیز به ربط دادن عمل نیک به خاتمه‌ی نیک توسط او آن جا که می‌فرماید:

﴿وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ بُعْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۵۵﴾﴾.

«و از زیباترین و بهترین چیزی که از سوی پروردگارتان برای شما فرو فرستاده است (که قرآن است) پیروی کنید پیش از این که عذاب (دنیوی یا اخروی) ناگهان به سوی شما تاخت آرد در حالی که شما بی‌خبرید».

و تمام این وعده‌های نیک و ترساندن‌ها در یک سوره‌ی واحد و به دنبال هم آمده‌اند. حال خود، قیاس کنید که حال ما در مقابل دیگر سوره‌های قرآن و احادیث پیامبر ﷺ که فقط در مورد وعید و تهدید، آن چنان سخن گفته‌اند که ذکر آن بسیار به درازا می‌کشد چگونه است؟! اهل سنت و جماعت دارای قاعده‌ی گران‌قدری بر گرفته از دو وحی بزرگ یعنی کتاب خدا و سنت فرستاده‌اش ﷺ می‌باشد و این قاعده این است که: بر هر مؤمنی واجب است که قلبش همیشه در بین ترس و امید، معلق باشد و قلب انسان را به پرنده‌ای تشبیه کرده‌اند که دارای دو بال است: بالی از ترس و بال دیگری از امید چون

پرواز با یک بال واحد و بدون بالی دیگر، مقدور نمی‌باشد در نتیجه کسی که بترسد و امید نداشته باشد، از رحمت خدا مأیوس و نومید می‌شود و سپس هلاک می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكَ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ [یوسف: 87].

«بی‌گمان، غیر از کافران، هیچ کس از رحمت و بخشش خداوند مأیوس نمی‌گردد». و باز خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَالَ وَمَنْ يَقْنُطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾ [الحجر: 56].

«و چه کسی غیر از گمراهان از رحمت بخشش پروردگارش نومید و مأیوس می‌گردد؟!»

و خداوند، در مقابل گروه اول، آن کسانی را که ایمان می‌آورند و فقط بر رحمت و بخشش او امید می‌بندند و برای طلب آن کوشا نیستند و برایش تلاش نمی‌کنند نکوهش می‌کند و می‌فرماید:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ خَيْرٌ لِلَّذِينَ إِيْتَقَنُوا أَفْلا تَعْقِلُونَ﴾ [الأعراف: 169].

«بعد از آن، فرزندان ناخلفی جانشین آنان شدند که وارث کتاب (آسمانی تورات) گشتند (اما بدان عمل نکردند چرا که به جای پیروی از حق به دنبال مادیات روان شدند) و کالای این جهان پست را دریافت می‌داشتند و می‌گفتند: ما بخشیده خواهیم شد. تا آن جا که می‌فرماید: «و دنیای دیگر بسی بهتر (از کالای این دنیا) است برای کسانی که پرهیزگاری کنند (و از خداوند بترسند. چرا نمی‌اندیشید و هم‌چنان بر گناه استمرار می‌ورزید؟) مگر عقل ندارید و نمی‌فهمید؟».

و این، صادق‌ترین شاهد و گواه بر ایمان همراه با عمل می‌باشد و در آن، بزرگ‌ترین دلیل بر گمراهی کسی است که فکر می‌کنند که گناه با وجود ایمان، ضرری به شخص نمی‌رساند بلکه حتی یکی از بزرگ‌ترین قواعد اهل سنت و جماعت این است که: ایمان صحیح چاره‌ای جز همراه داشتن عمل ندارد و با عبادت افزایش می‌یابد و با گناه و معصیت، کم می‌شود و عبارت است از اعتقاد به قلب و گفتن با زبان و عمل با اعضا و جوارح و حتی آنان قلب را به یک کاسه یا ظرف تشبیه کرده‌اند که اگر در آن، شیر ریخته شود، از شیر پر می‌شود و اگر چیزی دیگر در آن ریخته شود، از همان چیز پر می‌شود که در آن ریخته شده است و گفته‌اند: «هرچه ایمان در قلب عبد، بیشتر شود، بر اعضا و جوارحش هم بیشتر نمایان می‌شود و این حالت با ظهور ایمان در مظهر آن یعنی با اقتدا کردن به سنت پیامبر ﷺ صورت می‌گیرد زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾ [آل عمران: 31].

«(به آنان) بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید (که در این صورت) خداوند نیز شما را دوست خواهد داشت و گناهانتان را خواهد بخشید و خداوند بخشنده و مهربان است.»

و این چنین، ایمان بر اخلاق عبد و رفتار و برخوردش با دیگران ظاهر می‌شود و در این مورد، حدیثی از پیامبر ﷺ نیز هست که می‌فرماید:

«أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (به روایت از ابوداود و آلبانی آن را صحیح

دانسته است).

«کاملترین مردم از نظر ایمان، خوش‌اخلاقترین آنان می‌باشد.»

بر هر مؤمنی واجب است که در امر مهمی تفکر نماید و آن، این است که: او بدون رحمت و بخشش خداوند و فقط با عمل خویش وارد بهشت نخواهد شد بلکه در

وهلهی اول، رحمت و بخشش او لازم است و این گفته‌ی پیامبر ﷺ به اصحابش نیز در این مورد است که به آنان فرمود:

«قاربوا وسددوا واعلموا أَنَّهُ لَنْ يَنْجُوَ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِعَمَلِهِ» قالوا: يا رسولَ اللهِ، وَلَا أَنْتَ؟
قال: «وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَعَمَّدَنِي اللهُ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ» (به روایت از مسلم).

«(با انجام اعمال درست و سخن گفتن نرم با دیگران، به خدا) نزدیک شوید و عمل نیک و صواب انجام دهید و بدانید که هیچ کس از شما هرگز با عمل خویش رستگار نمی‌شود. گفتند: ای رسول خدا حتی شما هم؟ فرمود: و حتی من هم، مگر این که خداوند، رحمت و فضلش را بر من ارزانی دارد.»

پس ای برادر مسلمان گرامی! - خداوند موفقت گرداند - چون به این موضوع پی بردی بدان که ناگزیر، باید برای کسب رحمت و بخشش خداوند ﷻ کوشش نماییم و حال، گوش کن به وعده‌ی رحمت، توسط خداوند به بندگان مؤمنش و این که چگونه خداوند سبحان آن را به عمل نیک ربط می‌دهد آن جا که خداوند حکیم و خبیر می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٦﴾﴾
[الإسراء: 19].

«و هر کس که آخرت را بخواهد و سعی و تلاش خود را در حالی که مؤمن است برای (رسیدن) به آن، انجام دهد، چنین کسانی، سعی و تلاششان مشکور واقع می‌شود (و بی‌مزد و پاداش نخواهد ماند)». و نیز می‌فرماید:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ﴿[الأعراف: 156-157].

«و رحمت من بر هر چیزی گسترده است پس آن را برای کسانی که تقوا پیشه می‌کنند و زکات را می‌پردازند و آنان که به آیات (قرآن)، ایمان می‌آورند می‌نویسم (و نصیبشان می‌کنیم). آنان که از پیامبر درس ناخوانده‌ی فرستاده‌ی ما پیروی می‌کنند...».

پس آیا ما از زمره‌ی پرهیزگاران هستیم؟ و آیا ما پیروان سنت پیامبر ﷺ می‌باشیم؟
پیامبری که فرمود:

«كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أُبِيَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يُأْبَى؟ قَالَ: مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أُبِيَ». (به روایت از بخاری).

«تمام افراد امت من وارد بهشت می‌شوند مگر کسی که سرپیچی کند. گفتند: ای رسول خدا چه کسی سرپیچی می‌کند؟ فرمود: هر کس از من اطاعت کند وارد بهشت می‌شود و هر کس که از من تخلف ورزد، سرپیچی کرده است.»

و نگاه کن - خداوند تو را رحمت کند! - به معنی این گفته است هنگامی که می‌گویی: «و أشهد أن محمداً رسول الله» که علماء گفته‌اند که: معنای آن، عبارت است از اجابت امر او در وقتی که دستور می‌دهد و تصدیق او در هنگامی که از چیزی خبر می‌دهد و دست برداشتن از چیزی که او از آن، نهی کرده است و این که خدا با هیچ چیزی مگر آنچه که او دستور داده پرستش نمی‌شود.

از زمره‌ی آن چیزهایی که انسان را از توکل بر رحمت خدا بدون انجام عمل و یا به عبارتی دیگر، همراه ترک عمل به دستور خداوند باز می‌دارد و می‌ترساند این فرموده‌ی خداوند متعال است:

﴿وَالْعَصْرِ ۝١ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝٢ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ۝٣﴾ [العصر: 1-3].

«قسم به عصر. بی‌گمان انسان در ضرر و خسران است. مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل نیک انجام دهند و همدیگر را به حق سفارش کنند و همدیگر را به صبر و بردباری توصیه نمایند.»

و از آن چیزهایی که شایسته است که در کنار این سوره‌ی عظیم ذکر شود، تفسیر شیخ و استاد، علامه‌ی ما عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته الله علیه بر این سوره که شامل خیر دنیا و آخرت است می‌باشد؛ او گفته است: «خداوند در این سوره به عصر، قسم یاد کرده و

خداوند متعال می‌تواند به هریک از مخلوقاتش که بخواهد قسم یاد کند ولی بندگان او نباید به چیزی جز خداوند عزّ و جلّ قسم بخورند به دلیل این فرموده‌ی پیامبر ﷺ که فرمود:

«مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ» (به روایت از ترمذی و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

«هر کس که به غیر خدا قسم یاد کند حقیقتاً کفر ورزیده یا شرک ورزیده است.»
و باز در ادامه گفته است: «خداوند متعال در این سوره توضیح داده که حتماً انسانها زیانکار و ضرر خورده‌ند مگر کسانی که دارای چهار صفت باشند: ۱- مگر آنان که ایمان بیاورند، ۲- و لازمه‌ی ایمان، عمل صالح است. پس فرمود: و عمل نیک انجام دهند، ۳- سپس فرمود: و همدیگر را به حق سفارش کنند. که بیان‌کننده‌ی وجوب نصیحت یکدیگر در بین مؤمنان و خدا را به یاد بعضی آوردن به وسیله‌ی بعضی دیگر و امر به معروف در مورد مسایل بینشان و نهیشان از اعمال ناپسند می‌باشد، ۴- و همدیگر را به صبر و بردباری توصیه نمایند. یعنی بر آنچه که در این راه برایشان پیش می‌آید صبر نمایند و تحمل این را بکنند که مردم از آنان روی بگردانند به شرطی که روش آنان بر طبق چیزی باشد که خداوند متعال در کتابش و سنت رسول او ﷺ به آن، دستور داده است.» من این موضوع را از او شنیدم و معنای آن را حفظ نمودم.

و باز از آن آیاتی که انسان را از توکل کردن بر رحمت خداوند بدون عمل برحذر می‌دارد و می‌ترساند این فرموده‌ی خداوند متعال است:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾﴾

[النور: 63].

«آنان که از دستور پیامبر سرپیچی می‌ورزند باید از این که بلایی دامنگیرشان شود یا عذابی دردناک دچارشان شود بترسند.»

و نیز می‌فرماید:

﴿وَيَحْذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: 30].

«و خداوند، شما را از (نافرمانی) خودش برحذر می‌دارد و (در عین حال) او نسبت به بندگانش مهربان است». و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾ [البروج: 12].

«بی‌گمان مجازات پروردگارت سخت و شدید است».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾ [هود: 102].

«و عقاب پروردگار تو، هر گاه که بخواند (اهالی) شهرها و آبادیهایی را (بر اثر فساد و تباهی)، در حالی که اهالی آن ظالمند عذاب نماید، این چنین (شدید) است. به راستی که عقاب خدا دردناک و سخت است». و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ [الفجر: 14].

«بی‌گمان، پروردگار تو در کمین (مردمان و مترصد عذاب گناهکاران) است».

و باز می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۗ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۗ﴾

[الزلزلة: ۷-۸].

«پس هر کس به اندازه‌ی ذره‌ی غباری کار نیکو کرده باشد (نتیجه‌ی) آن را می‌بیند (و پاداشش را خواهد گرفت). و هر کس به اندازه‌ی ذره‌ی غباری کار بد کرده باشد (نتیجه‌ی) آن را می‌بیند (و سزایش را خواهد چشید)».

در سنت پیامبر ﷺ نیز وعیدهای شدید در مورد کسی که از چیزهایی که خدا و رسول او از آن نهی کرده‌اند آمده است و از آن جمله می‌توان به احادیث زیر اشاره کرد:

پیامبر ﷺ فرمود:

﴿إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مَا يُتَبَّنُ فِيهَا يَزُلُّ بِهَا فِي النَّارِ أَبْعَدَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾.
[متفقٌ علیه].

«گاهی اوقات) عبد سخنی می گوید و در آن دقت نمی کند و به دلیل آن در عمقی بیشتر از فاصله‌ی بین مشرق و مغرب به دوزخ انداخته می شود».

و نیز فرمود:

«وَيْلٌ لِلَّذِي يَحْدُثُ الْقَوْمَ ثُمَّ يَكْذِبُ لِيُضْحَكَهُمْ، وَيْلٌ لَهُ، وَيْلٌ لَهُ» (امام احمد آن را روایت کرده و شعيب آن را حسن دانسته است).

«وای بر کسی که در حالی که برای دیگران حرف می زند، برای خندانن آنان دروغ بگوید، وای بر او! وای بر او! وای بر او!»

و باز پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبِينَ مِنَ الْإِزَارِ فِي النَّارِ» (به روایت از بخاری).
«آن قسمت از پوشش پایین تنه که پایین تر از قوزک پا باشد در آتش است».

و نیز فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغَارُ وَغَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمَرْءَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ». (متفقٌ عليه).
«بی گمان خداوند متعال غیرتی می شود (و بعضی چیزها به او بر می خورد) و آنچه که خدا را غیرتی می کند این است که کسی عملی را که خداوند، حرام کرده است انجام دهد».

و از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که گفت: در زمان پیامبر ﷺ مردی بود که به او «کرکره» می گفتند؛ زمانی که کرکره مُرد، پیامبر ﷺ فرمود:

«هُوَ فِي النَّارِ».

«او در دوزخ است».

مردم رفتند که به وضعیّتش نگاه کنند؛ عبایی را پیدا کردند که با خیانت به دست آورده بود. (به روایت از بخاری).

و باز پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ اقْتَطَعَ حَقَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بِيَمِينِهِ فَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ التَّارَ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. فَقَالَ رَجُلٌ: وَإِنْ كَانَ شَيْئاً يُسِيرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: وَإِنْ قَضِيْبًا مِنْ أَرَاك». (به روایت از مسلم).

«هر کس حقّ مسلمانی را به وسیله‌ی سوگند خوردن، از او بگیرد خداوند، دوزخ را برایش واجب می‌گرداند و بهشت را بر او حرام می‌نماید. مردی پرسید: حتی اگر چیز بسیار کوچکی باشد؟ و پیامبر در جواب او گفت: حتی اگر شاخه‌ای از چوب اراک^(۱) باشد».

پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا لَعَنَ شَيْئًا صَعَدَتِ اللَّعْنَةُ إِلَى السَّمَاءِ فَتَغْلُقُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ دُونَهَا ثُمَّ تَهْبِطُ إِلَى الْأَرْضِ فَتَغْلُقُ أَبْوَابَهَا دُونَهَا ثُمَّ تَأْخُذُ يَمِينًا وَشِمَالًا فَإِذَا لَمْ تَجِدْ مَسَاغًا رَجَعَتْ إِلَى الذِّى لَعَنَ فَإِنْ كَانَ أَهْلًا لَذَلِكَ وَإِلَّا رَجَعَتْ إِلَى قَائِلِهَا». (به روایت از ابوداود و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«بی‌گمان هر گاه شخص، چیزی را نفرین می‌کند، آن نفرین به سوی آسمان، بالا می‌رود و درهای آسمان غیر از در آن نفرین، بسته می‌شود، سپس به سوی زمین پایین می‌آید و درهای زمین غیر از در آن، بسته می‌شود؛ سپس شروع می‌کند به چپ و راست رفتن و اگر راهی برای وارد شدن بر چیزی نیافت به سمت کسی که نفرین شده بر می‌گردد، البته در صورتی که آن شخص، مناسب برای آن نفرین باشد و در غیر این صورت به خود شخص نفرین‌کننده برمی‌گردد».

و «مَسَاغًا» یعنی محل ورود و راهی که نفرین را برای آن چیز واجب می‌گرداند.

پیامبر ﷺ فرمود:

«لَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ بِكُلِّ الذِّى عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ لَمْ يِيَّاسَ مِنَ الْجَنَّةِ وَلَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ الذِّى عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَذَابِ لَمْ يَأْمَنْ مِنَ التَّارِ». (به روایت از بخاری).

^۱ - چوب اراک، چوبی است که برای نظافت دهان و به عنوان «مسواک» از آن استفاده می‌شود.

«اگر کافر، به تمام رحمت و بخششی که در نزد خداوند هست آگاهی داشت از (ورود به) بهشت ناامید نمی‌شد و اگر انسان مؤمن هم به تمام عذابی که در نزد خداوند وجود دارد آگاهی داشت از (رفتن به) دوزخ، احساس امنیت نمی‌کرد».

خلاصه‌ی کلام در مورد مسأله‌ی عمل صالح این است که ما به عنوان بندگانی که خداوند، برای عبادت خودش خلق کرده و به دادن پاداش نیک در اطاعت از او وعده داده و از عذاب دردناکش در صورت نافرمانی و سرپیچی از او ما را برحذر داشته است، بر ما واجب است که کارمان را با تدبیر و دوراندیشی انجام دهیم و به سوی رشد و پیشرفتمان برگردیم و در اوضاع و احوالمان و کم‌کاری‌مان نسبت به حق خداوند و اهمال و اسرافمان در کارهایمان تفکر کنیم و به سوی خداوند متعال برگردیم و به درگاهش توبه‌ی نصح آوریم. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ سَبَّأْتُمْ مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَأَغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ [التحریم: 8].

«ای مؤمنان! به درگاه خدا برگردید و توبه‌ی خالصانه‌ای بکنید، شاید پروردگارتان، گناهانتان را محو نماید و بزداید و شما را به باغهای بهشتی داخل گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن، رودبارها روان است. این کار در روزی خواهد بود که خداوند، پیغمبر و کسانی را که با او ایمان آورده‌اند خوار نمی‌دارد (بلکه ایشان را والا می‌گرداند و به درجات بالا می‌رساند). نور (ایمان و عمل صالح) ایشان، پیشاپیش و سوی راستشان (رو به جانب بهشت) در حرکت است. (وقتی که خاموش شدن نور منافقان را می‌بینند رو به درگاه خدا می‌کنند و) می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل گردان (تا در پرتو آن به بهشت برسیم) و ما را ببخشای چرا که تو بر هر چیزی بس توانایی».

پس بر هر کسی که خداوند، او را توفیق داده و مسلمان قرار داده است لازم است که نعمت خدا را بر خود، شکر و سپاس گوید و قبل از این که مهلتش به پایان رسد و کاری جز سپردن جان و نظاره کردن روحش در هنگام خروج، نتواند انجام دهد به انجام عمل نیک بپردازد و البته در این حال نزع خدا آگاهتر است که بر چه حالی خواهیم بود و پایان و آخر کارها مهم است و معتبر می‌باشد، و عبد بر هر چیزی که بمیرد و بر همان چیز زنده خواهد شد پس هر کس در حال گزاردن حج و گفتن «لیبک» بمیرد در روز قیامت، لیبک‌گویان زنده خواهد شد و هر کس در حال سجده بمیرد - به رحمت خداوند - سجده‌کنان زنده می‌شود و اگر مشغول بر معصیت و در حال ارتکاب گناه بمیرد - که ما پناه می‌بریم به خدا از این حالت و از این که با این پایان، خداوند را ملاقات کنیم به او پناه می‌بریم - فکر می‌کنید که چنین کسی چگونه خداوند را ملاقات خواهد کرد؟ در آن روز، فریب‌ها و تقلب‌های شیطان، رسوا می‌شود و زیبایی‌های ظاهری دنیا و خوشی‌های دروغین آن از بین می‌رود و ظالمان به خویشتن خواهند دانست که حقیقتاً طعمه‌ای برای شیطان بوده‌اند. خداوند متعال در مورد این غافلان، چنین می‌فرماید:

﴿وَبَدَا لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾ [الزمر: 47].

«و از جانب خدا چیزی (از شکنجه و عذاب) برای ایشان جلوه‌گر و پدیدار می‌شود که گمانش نمی‌بردند (و به فکرشان هم نمی‌رسید)».

بر ما واجب است که عمل و ترس از خدا و حُسن ظن و امید را به او، که بخشش و رحمت را دوست دارد، با یکدیگر، همراه نماییم و چه طور این گونه نیست در حالی که او خود را «بسیار توبه پذیرنده»^(۱) نامیده است؟ و چطور، این گونه نیست در حالی که خداوند عزّ و جلّ در کتاب عظیمش در مورد خود می‌فرماید:

^۱ - تَوَّاب. (مترجم).

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾﴾ [النساء: 27-28].

«خداوند می خواهد توبه‌ی شما را بپذیرد (و به سوی طاعت و عبادت برگردید و از لوث گناهان، پاک و پاکیزه گردید) و کسانی که به دنبال شهوات راه می‌افتند می‌خواهند که (از حق دور شوید و به سوی باطل بگرایید و از راه راست) خیلی منحرف گردید (تا همچون ایشان شوید). خدا می‌خواهد (با وضع احکام سهل و ساده) کار را بر شما آسان کند (چرا که او می‌داند که انسان در برابر غرایز و امیال خود ناتوان است) و انسان، ضعیف آفریده شده است».

و اگر کسی بپرسد: چه عملی؟ و کیست که به دور از گناهان و معاصی باشد که بر گردن گناهکاران، طوق شده و عقل‌های آنان را سرگردان کرده است؟ من در جواب او می‌گویم: تمام ما گناهکاریم و چه کسی از ما هست که گناه نکند؟ ولی بهترین گناهکاران، توبه‌کنندگانند پس بر همه‌ی ما لازم است که به توبه استغفار و بازگشت به سوی خداوند کریم و بخشنده‌ای پناه ببریم که در مورد خودش فرموده است:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ﴿٨٢﴾﴾ [طه: 82].

«و من قطعاً کسی را که (از کفر و گناه خود) برگردد و ایمان بیاورد و کارهای شایسته بکند و سپس راه‌یاب شود (و تا آخر، آن را ادامه دهد) می‌بخشم».

پس لازم است که همگان به سوی مغفرت و بخشش خداوند بشتابیم و بهشت او را آن چنان که به آن دستور داده و مقرر فرموده است، طلب نماییم و این کار با نیکو گرداندن اعمالمان امکان‌پذیر است؛ خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٢٢٢﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٢٢٤﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَّغْفِرَةٌ

مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِدِينَ فِيهَا وَنَعَمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ ﴿۱۳۶﴾ [آل عمران:

133-136].

«و (با انجام اعمال شایسته) به سوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی بشتابید و از همدیگر پیشی بگیرید که بهای آن (برای مثال، همچون بهای آسمان‌ها و زمین است؛) و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیه دیده شده است. آن کسانی که در حال خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و تنگ‌دستی به احسان و بذل و بخشش دست می‌بازند و خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند و خداوند (هم) نیکوکاران را دوست می‌دارد. و کسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشتن ستم کردند به یاد خدا می‌افتند و آمرزش گناهانشان را خواستار می‌شوند و به جز خدا کیست که گناهان را بیامرزد و با علم و آگاهی بر (زشتی کار و نهی و وعید خدا از آن) چیزی که انجام داده‌اند پافشاری نمی‌کنند (و به تکرار گناه دست نمی‌یازند). آن چنان پرهیزگاری پاداششان، آمرزش خدایشان و باغ‌های بهشتی است که در زیر (درختان) آن‌ها جویبارها روان است و در آنجاها جاودانه می‌مانند و این چه پاداش نیکی است که بهره‌ی کسانی می‌گردد که اهل علمند (و برابر فرمان خدا کار می‌کنند)».

باب: فضل و بزرگی توبه و استغفار

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۰]

[110].

«و هر کس که عمل زشتی انجام دهد یا (با انجام گناهی) بر خویشتن ستم کند و سپس از خداوند، طلب بخشش نماید و استغفار کند، خداوند را بسیار بخشنده و مهربان خواهد یافت.»

و نیز می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۳]

[33].

«و خداوند در حالی که تو در بین آنانی و نیز در حالی که آنان طلب آمرزش می کنند، آنان را عذاب نخواهد کرد.»

و نیز می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ ذُنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: 135].

«و کسانی که دچار گناه (کبیره‌ای) شدند یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشتن ستم کردند به یاد خدا می افتند و آمرزش گناهان را خواستار می شوند و به جز خدا کیست که گناهان را ببامرزد و با علم و آگاهی بر (زشتی کار و نهی و وعید خدا از آن) چیزی که انجام داده‌اند پافشاری نمی کنند (و به تکرار گناه دست نمی یازند).»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تَذَنْبُوا لَذَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يُذَنْبُونَ فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ». (به روایت از مسلم).

«سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر شما گناه نمی‌کردید خداوند، شما را می‌میراند و قومی را بر روی زمین می‌آورد که گناه کنند و به دنبال آن، از خداوند طلب مغفرت نمایند و او (توبه‌شان را قبول کند) و گناهانشان را ببخشد.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَخْطَأَ خَطِيئَةً نُكِرَتْ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِذَا هُوَ نَزَعَ وَاسْتَغْفَرَ وَتَابَ سُقِلَ قَلْبُهُ وَإِنْ عَادَ زِيدَ فِيهَا حَتَّى تَعْلُوَ قَلْبُهُ وَهُوَ الرَّانُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [المطففين: 14] (ترمذی آن را روایت کرده و آلبانی آن را حسن دانسته است).

«هرگاه عبد، گناهی مرتکب می‌شود نقطه‌ی سیاهی در قلب او پدیدار می‌شود؛ هرگاه از آن، دست بکشد و استغفار کند، قلبش جلا داده می‌شود (و از آن نقطه، پاک می‌شود) ولی اگر دوباره به آن گناه دست بزند، نقطه‌های سیاه در قلبش زیاد می‌شود تا این که قلبش را فرا می‌گیرد و این همان «ران» است که خداوند از آن، یاد کرده است: نه هرگز! بلکه آنچه (از کارهای زشت و گناه) که در دنیا کسب می‌کردند بر قلب‌هایشان چیره شده است.»

* پیامبر ﷺ فرمود:

«سَيِّدُ الْاِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا أَنْتَ. قَالَ: وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مَوْقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يَمْسِيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مَوْقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يَصْبَحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (به روایت از بخاری).

«برترین استغفارها این است که بگویی: خداوندا، تو پروردگار من هستی، هیچ معبود به حقی جز تو نیست؛ تو مرا آفریدی و من بنده‌ی تو ام و تا آن جا که بتوانم بر عهد و

پیمان تو می‌مانم؛ از شر آنچه که انجام داده‌ام به تو پناه می‌آورم؛ به نعمت‌هایت بر خود، اقرار می‌کنم و به گناهان خویشتن اعتراف می‌نمایم پس مرا ببخشای، که بی‌گمان، هیچ‌کس جز تو نمی‌تواند گناهان را ببخشد». و سپس فرمود: «هر کس در حالی که به آن ایمان و یقین دارد، آن را در روز بخواند و در همان روز، قبل از فرا رسیدن شب، بمیرد از بهشتیان است و نیز هر کس که آن را در شب بگوید در حالی که به آن ایمان و یقین دارد و قبل از فرا رسیدن صبح بمیرد بهشتی است».

فصلی در مورد بیان وسعت رحمت خداوند و خوش حالی او از توبه‌ی بنده‌ی مؤمنش

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الذین یتبعون الرسول الّتی الّتی] [الأعراف: 156-157].

«و رحمت من هر چیز را در بر گرفته است و آن را برای کسانی مقرر خواهم داشت که پرهیزگاری کنند و زکات بدهند و به آیات (قرآن) ما ایمان بیاورند. آنان که از فرستاده‌ی خدا (محمد مصطفی ﷺ) پیغمبر امی (که خواندن و نوشتن نمی‌داند) پیروی می‌کنند...».

و نیز فرمود:

﴿قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ] [وَأْتِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ] [الزمر: 53-55].

«(از قول من به مردمان) بگو: ای بندگانم که در معاصی زیاده‌روی هم کرده‌اید از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید. قطعاً خداوند، همه‌ی گناهان را می‌آمرزد چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است. و به سوی پروردگار خود برگردید و تسلیم

او شوید (و خاضعانه و خاشعانه از او امرش فرمان‌برداری کنید) پیش از آن که عذاب، ناگهان به سوی شما تاخت آرد و دیگر کمک و یاری نشوید (و کسی نتواند شما را از عذاب خدا برهاند). و از زیباترین و بهترین چیزی که پروردگارتان برایتان فرو فرستاده است (که قرآن است) پیروی کنید پیش از این که عذاب (دنیوی یا اخروی) ناگهان به سوی شما تاخت آرد در حالی که شما بی‌خبر باشید».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا أَوْ أُزِيدَ، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِثْلَهَا أَوْ أُغْفِرُ. وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي شِبْرًا تَقَرَّبْتُ مِنْهُ ذِرَاعًا، وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعًا، وَمَنْ أَتَانِي يَمِثِّي أَتَيْتُهُ هَرُوْلَةً، وَمَنْ لَقِينِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ حَطِيبَةً لَا يُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لَقِيتُهُ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً». (به روایت از مسلم).

«خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: هر کس عمل نیکی انجام دهد، ده برابر یا بیشتر، پاداش می‌گیرد و هر کس که عمل زشت و گناهی انجام دهد به همان اندازه مجازات و یا بخشیده می‌شود؛ و هر کس یک وجب به من نزدیک شود، من به اندازه‌ی ساعد دست به او نزدیک می‌شوم و هر کس که به اندازه‌ی ساعد دست به من نزدیک شود، من به اندازه‌ی یک باز^(۱) به او نزدیک می‌شوم و هر کس قدم‌زنان به سمت من بیاید، من پویه‌کنان به او نزدیک می‌شوم و هر کس که با گناهایی به اندازه‌ی زمین پیش من بیاید ولی به من شرک نورزیده باشد من نیز با مغفرتی به اندازه‌ی زمین پیش او می‌روم (و تمام گناهانش را می‌بخشم)».

* پیامبر ﷺ فرمود:

«لَلَّهِ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ حِينَ يَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ أَحَدِكُمْ كَانَ عَلَى رَاحِلَتِهِ بِأَرْضِ فَلَاةٍ فَأَنْفَلَتْ مِنْهُ وَعَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشِرَابُهُ فَأَيْسَ مِنْهَا فَأَتَى شَجْرَةً فَاصْطَجَعَ فِي ظِلِّهَا قَدْ أَيْسَ مِنْ

^۱ - هرگاه دست‌ها را در امتداد هم باز کنیم، فاصله‌ی سر انگشتان یک دست تا سر انگشتان دست دیگر را یک «باز» می‌گویند. (مترجم).

رَاحِلَتِهِ فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذَا هُوَ بِهَا قَائِمَةً عِنْدَهُ فَأَخَذَ بِخِطَامِهَا ثُمَّ قَالَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَجِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ. أَخْطَأَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَجِ». (به روایت از مسلم).

«خداوند با توبه‌ی عبدش، هنگامی که به درگاه او توبه میکند بسیار بیشتر خوشحال می‌شود از یکی از شما که در سرزمینی بی‌آب و علف بر شتری در حال سفر باشد ولی شترش در حالی که خوراک و نوشیدنی‌اش بر روی آن قرار دارد از دستش رها شود و او برود و زیر سایه‌ی درختی بخوابد در حالی که از پیدا کردن شترش ناامید شده باشد و در این حال یک مرتبه آن را نزد خویش بیابد و افسار آن را بگیرد و از شدت خوشحالی بگوید: خداوندا، تو بنده‌ی من هستی و من پروردگار تو ام؛ یعنی از شدت خوشحالی دچار اشتباه شود».

«از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که گفت: عده‌ای اسیر پیش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند؛ زنی در میان اسیران می‌دوید تا این که بچه‌ی شیرخواره‌ای را در میان اسرا پیدا کرد و گرفت و به سینه‌ی خود چسباند و او را شیر داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَتَرُونَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ طَارِحَةً وَوَلَدَهَا فِي النَّارِ؟» قُلْنَا: لَا وَاللَّهِ. فَقَالَ: «اللَّهُ أَرْحَمُ بَعَادِهِ مِنْ هَذِهِ بَوْلِدِهَا». (متفق علیه).

«فکر می‌کنید که این زن، فرزندش را در آتش بیندازد؟» گفتیم: نه، به خدا. ایشان فرمودند: خداوند نسبت به بندگان از این زن نسبت به فرزندش مهربانتر است».

* پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ وَإِنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنَ الْعَمَلِ». (متفق علیه). وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: «مَنْ شَهِدَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ».

«هر کس گواهی دهد که هیچ معبود به حقی غیر از خدا نیست و شریکی ندارد و

محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده‌ی اوست و عیسی بنده و فرستاده و کلمه‌ی اوست که بر مریم

القا نمود و به اجازه و دستور او بوده است و این که بهشت و دوزخ، حق است (و به مقتضای همه‌ی آن‌ها عمل کند)، خداوند او را با هر اندازه از عمل (نیک، چه کم و چه زیاد) که داشته باشد وارد بهشت می‌نماید.» و در روایتی از مسلم آمده است: «هرکس شهادت دهد که هیچ معبود به حقی جز خدا نیست و محمد فرستاده‌ی اوست (و به مقتضای آن عمل کند) خداوند، او را بر آتش حرام می‌گرداند».

و «روح منه» یعنی به امر و دستور پروردگار متعال بوده است.

* پیامبر ﷺ فرمود:

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا بَنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَتْ فَيْكَ وَلَا أَبَالِي، يَا بَنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلَا أَبَالِي، يَا بَنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقَرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تَشْرِكُ بِي شَيْئاً لَأَتَيْتَكَ بِقَرَابِهَا مَغْفِرَةً». (ترمذی آن را حسن دانسته و آلبانی آن را صحیح دانسته است).

«خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای فرزند آدم! بی‌گمان اگر از من بخواهی و امید به من داشته باشی، با داشتن هر عملی تو را می‌بخشم و از چیزی هم پروا ندارم. ای فرزند آدم! اگر با گناهایی به اندازه‌ی زمین پیش من بیایی ولی چیزی را شریک من قرار نداده باشی من نیز با مغفرتی به اندازه‌ی زمین پیش تو می‌آیم (و تمام گناهانت را می‌بخشم)».

و در آخر، رساله را با حدیث زیر به دلیل پند عظیمی که در آن است به پایان می‌رسانم. امید است که خداوند توفیق پند گرفتن از آن را به ما بدهد:

از برآء عازب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعِ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالِ مِنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مِنَ السَّمَاءِ بِيضُ الْوَجْهِ كَأَنَّ وَجْهَهُمُ الشَّمْسُ، مَعَهُمْ كَفَنٌ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ وَحَنُوطٌ مِنْ حَنُوطِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَجْلِسُوا مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ الْقَلْبُ حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ: أَيَّتَهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ - وَ فِي رِوَايَةٍ: الْمَطْمِئِنَّةُ - أَخْرَجَنِي إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ. قَالَ: فَتَخْرُجُ تَسِيلٌ كَمَا تَسِيلُ الْقَطْرَةُ مِنْ فِي السَّقَاءِ

فياخذها - وفي رواية: حتى إذا خرجت روحه صلى عليه كل ملك بين السماء والأرض و كل ملك في السماء و فتحت له أبواب السماء ليس من أهل باب إلا وهم يدعون الله أن يعرج بروحه من قبلهم - فإذا أخذها لم يدعوها في يده طرفه عين حتى يأخذوها فيجعلوها في ذلك الكفن و في ذلك الخنوط فذلك قوله تعالى: ﴿تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ [الأنعام: 61]. و يخرج منها كأطيب نفتحته مسك و وجدت على وجه الأرض. قال: فيصعدون بها فلا يمرّون - يعني بها - على ملائكة من الملائكة إلا قالوا: ما هذا الروح الطيب؟ فيقولون: فلان فلان بأحسن أسمائه التي كانوا يسمونه بها في الدنيا حتى ينتهوا بها إلى سماء الدنيا فيستفتحون له فيفتح لهم فيشيعه من كل سماء مقرّبوها إلى السماء التي تليها حتى ينتهي به إلى السماء السابعة فيقول الله - عزّ و جلّ: أكتبوا كتاب عبدي في عليين، ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيمُونَ﴾ [١٩] ﴿كَتَبُ مَرْقُومٌ﴾ [٢٠] ﴿يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ [١١] [المطففين: 19 - 21] فيكتب كتابه في عليين ثم يقال: اعيدوه إلى الأرض فإني وعدتهم أنّي منها خلقتهم و فيها أعيدهم و منها أخرجهم تارة أخرى.

قال: فيردّ إلى الأرض و تعاد روحه في جسده. قال: فإني يسمع خفق نعال أصحابه إذا و لو عنه مدبرين فيأتيه ملكان شديداً الانتهار فينتهرانه و يجلسانه فيقولان له: من ربك؟ فيقول: ربّي الله، فيقولان له: ما دينك؟ فيقول: ديني الإسلام فيقولان له ما هذا الرجل الذي بعث فيكم؟ فيقول هو رسول الله ﷺ فيقولان له: ما عملك؟ فيقول: قرأت كتاب الله فآمنت به و صدقت فينتهره فيقول: من ربك؟ ما دينك؟ من نبيك؟ و هي آخره فتنة تعرض على المؤمن فذلك حين يقول الله عزّ و جلّ:

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ [ابراهيم: 27].

فيقول: ربّي الله، و ديني الإسلام و نبيّ محمد - صلى الله عليه و سلم - فينادي مناد في السماء: أن صدق عبدي، فأفرشوه من الجنة و ألبسوه من الجنة و افتحوا له باباً إلى الجنة. قال: فيأتيه من روحها و طيبها و يفسح له في قبره مدّ بصره. قال: و يأتيه - و في روايه: يمثّل له -

رجلٌ حسنُ الوجهِ، حسنُ الثَّيابِ طيبُ الرِّيحِ، فيقولُ: أبشِرْ بِالَّذِي يَسُرُّكَ، أبشِرْ بِرِضْوَانِ مَنْ
اللَّهِ وَجَنَاتٍ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ، هذا يومك الَّذِي كُنْتَ توعُدُ، فيقولُ لَهُ: وَأَنْتَ فبِشْرِكَ اللَّهُ
بِخَيْرٍ، مَنْ أَنْتَ؟ فوجهُك الوجهُ يَجِيءُ بِالْخَيْرِ، فيقولُ: أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحُ، فواللهِ مَا عَلِمْتُكَ
إِلَّا كُنْتَ سَرِيعاً فِي طَاعَةِ اللَّهِ، بطيئاً فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فجزاك اللهُ خيراً.
ثمَّ يفتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَبَابٌ مِنَ النَّارِ، فيقالُ: هذا منزلُك لو عصيتَ اللهُ، أبدلك
اللَّهُ بِهِ هَذَا إِذَا رَأَى مَا فِي الْجَنَّةِ قَالَ: رَبِّ عَجِّلْ قِيَامَ السَّاعَةِ كَمَا أَرْجِعُ إِلَى أَهْلِي وَمَالِي فيقالُ
لَهُ: أَسْكُنْ.

قال: وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ - وَ فِي رِوَايَةٍ: الْفَاجِرَ - إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعِ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالِ مِنَ
الْآخِرَةِ، نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ غَلاظُ شِدَادٍ، سَوْدُ وُجُوهِهِمْ مَعَهُمُ الْمَسْوُوحُ مِنَ النَّارِ،
فِيجْلِسُونَ مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ ثُمَّ يَجِيءُ مَلِكُهُ الْمَوْتِ حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فيقولُ: أَيَّتُهَا النَّفْسُ
الْحَبِيثَةُ أَخْرَجِي إِلَى سَخَطِ مَنْ اللَّهُ وَغَضَبِ. قَالَ: فَتَفَرَّقَ فِي جَسَدِهِ فَيَنْتَزِعُهَا كَمَا يَنْتَزِعُ
السَّفُودُ الْكَثِيرُ الشَّعْبُ مِنَ الصَّوْفِ الْمَبْلُولِ فَتَقْطَعُ مَعَهَا الْعُرُوقُ وَالْعَصَبُ فَيَلْعَنُهُ كُلُّ مَلِكٍ
بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَكُلُّ مَلِكٍ فِي السَّمَاءِ وَتُغْلَقُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، لَيْسَ مِنْ أَهْلِ بَابٍ إِلَّا وَهُمْ
يَدْعُونَ اللَّهَ الْأَلَّاءَ تَرْجُ رُوحُهُ مِنْ قَبْلِهِمْ، فَيَأْخُذُهَا، إِذَا أَخْذَهَا لَمْ يَدْعُوهَا فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ
حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تَلْكَ الْمَسْوُوحِ وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنَّ رِيحَ جَيْفَةٍ وَجَدَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ
فِيصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ بِهَا عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا: مَا هَذَا الرَّوحُ الْحَبِيثُ؟
فَيَقُولُونَ: فَلَانُ ابْنِ فَلَانٍ بِأَقْبِحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَ يَسْمَى بِهَا فِي الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَهَى بِهِ إِلَى
السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَفْتَحُ لَهُ، فَلَا يَفْتَحُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْحَيَّاطِ﴾

[الأعراف: 40].

فيقولُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سَجِّينَ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى، ثُمَّ يَقَالُ: اعْبُدُوا عَبْدِي
إِلَى الْأَرْضِ فَإِنِّي وَعَدْتُهُمْ أَنْ مِنْهَا خَلَقْتُهُمْ وَفِيهَا أَعْبَدُهُمْ وَمِنْهَا أَخْرَجْتُهُمْ تَارَةً أُخْرَى،
فَنَطْرُحُ رُوحَهُ مِنَ السَّمَاءِ طَرْحاً حَتَّى تَقَعَ فِي جَسَدِهِ، ثُمَّ قَرَأَ:

﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

سَحِيقٍ ﴿٣١﴾ [الحج: 31].

فَتُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ. قَالَ: فَإِنَّهُ لَيَسْمَعُ خَفَقَ نِعَالِ أَصْحَابِهِ إِذَا وَلَّوْا عَنْهُ وَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ شَدِيدًا الْإِنْتِهَارَ فَيَنْتَهَرَانِهِ وَيَجْلِسَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبِّكَ؟ فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ. لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ فَمَا تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ الَّذِي بَعَثَ فِيكُمْ؟ فَلَا يَهْتَدِي لِاسْمِهِ، فَيَقَالُ: مُحَمَّدٌ، فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ لَا أَدْرِي، سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ ذَاكَ! قَالَ: فَيَقَالُ: لَا دَرِيْتِ وَلَا تَلَوْتِ. فَيَنَادِي مَنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ كَذَّبَ، فَأَفْرَشُوا لَهُ مِنَ النَّارِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ، فَيَأْتِيهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَهْمِهَا وَيَضِيْقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَحْتَلَفَ فِيهِ أَضْلَاعُهُ. وَيَأْتِيهِ - وَ فِي رِوَايَةٍ: يَمْتَلُ لَهُ - رَجُلٌ قَبِيحُ الْوَجْهِ، قَبِيحُ الثِّيَابِ مِنْتَنُ الرِّيحِ، فَيَقُولُ: أَبْشُرْ بِالَّذِي يَسُوؤُكَ، هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوَعِّدُ، فَيَقُولُ: وَأَنْتَ فَبَشْرِكَ اللَّهُ بِالشَّرِّ مَنْ أَنْتَ؟ فَوَجْهَكَ الْوَجْهُ يُجِئُ بِالشَّرِّ! فَيَقُولُ أَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيثُ، فَوَاللَّهِ مَا عَمَلْتُ إِلَّا كُنْتُ بَطِيئًا عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ، سَرِيعًا إِلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ شَرًّا.

ثُمَّ يَقِيضُ لَهُ أَعْمَى أَصَمَّ أَبْكُمْ، فِي يَدِهِ مَرْزَبَةٌ، لَوْ ضَرَبَ بِهَا جَبَلًا كَانَ تَرَابًا فَيَضْرِبُهُ ضَرْبَةً حَتَّى يَصِيرَ بِهَا تَرَابًا، ثُمَّ يَعِيدُهُ اللَّهُ كَمَا كَانَ، فَيَضْرِبُهُ ضَرْبَةً أُخْرَى فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ ثُمَّ يَفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ النَّارِ وَيَمْهَدُ مِنْ فَرِشِ النَّارِ فَيَقُولُ: رَبِّ لَا تَقِمِ السَّاعَةَ. (امام احمد آن را روایت کرده و حاکم گفته است که: بر شرط مسلم و بخاری، صحیح است و ابن قیم در «اعلام الموقعین» آن را صحیح دانسته و البانی هم با آنان موافق بوده است. من این حدیث از کتاب «احکام الجنائز / ۱۹۸» او، همان گونه که او از طرق متعدّد آورده، نقل کرده‌ام).

«از عذاب قبر به خدا پناه برید، و سه بار آن را تکرار کرد و سپس فرمود: هرگاه عبد مؤمن در حال بریدن از دنیا و رفتن به آخرت باشد، فرشتگانی سپیدرو که چهره‌شان همانند خورشید است از آسمان پیش او می‌آیند در حالی که کفنی از کفن‌های بهشت و ماده‌ی خوش‌بویی از مواد خوش‌بوی بهشت به همراه خود دارند و تا جایی که چشم او

کار می‌کند دور و بر او جمع می‌شوند و کنار او می‌نشینند سپس ملک‌الموت می‌آید و کنار سر او می‌نشیند و می‌گوید: ای نفس پاک - و در روایتی دیگر: ای نفس مطمئنه - به سوی بخشش و رضایت خداوند خارج شو. گفت: و سپس روح او همچون قطره‌ای از مشک جاری می‌شود، جریان پیدا می‌کند و ملک‌الموت، آن را می‌گیرد - و در روایتی دیگر آمده است که: تا این که وقتی روح خارج شد تمام فرشتگان بین آسمان و زمین و تمام فرشتگان آسمان بر او درود می‌فرستند و درهای آسمان برای او باز می‌شود و هیچ فرشته‌ای در کنار هیچ دری نیست مگر این که از خدا می‌خواهند که روح او از در آن‌ها بالا رود - و هنگامی که روح او را گرفت، آن را حتی به اندازه‌ی یک چشم بر هم زدن هم در دست او باقی نمی‌گذارند بلکه آن را می‌گیرند و در آن کفن و ماده‌ی خوش‌بو قرار می‌دهند که این همان فرموده‌ی خداوند متعال است که می‌فرماید:

«فرستادگان ما جان او را می‌گیرند و در کارشان کوتاهی نمی‌کنند»

و روح او همچون خوش‌بوترین رایحه‌ای از مسک که بر روی زمین یافت شده است از آن کفن خارج می‌شود. سپس فرمود: سپس آن را بالا می‌برند و او را از کنار هیچ جمعی از فرشتگان عبور نمی‌دهند مگر ای که می‌گویند: این روح پاک، کیست؟ فرشتگان همراه او می‌گویند: فلان کس پسر فلان کس و او را با زیباترین نام‌هایی که در دنیا او را بدان می‌نامیدند معرفی می‌کنند تا این که او را تا پایان آسمان دنیا می‌رسانند و (از فرشتگان مأمور درهای آن جا) می‌خواهند که در را برایش باز کنند. پس در به رویشان باز می‌شود و از هر آسمانی فرشتگان مقرب آن آسمان، او را تا آسمان بالاتر همراهی می‌کنند تا این که او را به آسمان هفتم می‌رسانند و خداوند عز و جل می‌فرماید: اعمال بنده‌ام را در «علیین» بنویسید:

«(ای انسان) تو چه می‌دانی که علیین چه و چگونه است؟. کتاب نوشته شده‌ای است.

فرشتگان مقرب (برای نوشتن مطالب) در آن جا حضور به هم می‌رسانند».

پس کتاب و نامه‌ی اعمالش در «علیین» نوشته می‌شود و بعد گفته می‌شود: او را به زمین برگردانید زیرا من آن‌ها را از خاک آفریده و به آنان وعده داده‌ام که بار دیگر، به خاک بازشان می‌گردانم.

پیامبر ﷺ در ادامه فرمود: پس به زمین بازگردانیده و دوباره به جسدش وارد می‌شود. در ادامه فرمود: و در آن حال، صدای پای یارانش را وقتی که از او جدا می‌شوند و بر می‌گردند می‌شنود. سپس دو فرشته‌ی بسیار تندخو پیش او می‌آیند و بر سر او داد می‌زنند و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: پروردگارت کیست؟ او در جواب، می‌گوید: پروردگار من، الله است، باز به او می‌گویند: دینت چیست؟ و او در جواب می‌گوید: دین من اسلام است. باز از او می‌پرسند: این مردی که در بیتان برانگیخته شد کیست؟ او در جواب می‌گوید: او رسول و فرستاده‌ی خداوند است. باز از او می‌پرسند: عملت چیست؟ او در جواب می‌گوید: کتاب خدا را خواندم و به آن ایمان آوردم و تصدیقش کردم (و به آن عمل نمودم). یکی از آن دو بر سرش فریاد می‌زند و باز می‌پرسد: پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟ و این آخرین فتنه و آزمایشی است که بر مؤمن، وارد می‌شود. این موضوع در هنگامی است که خداوند درباره‌ی آن می‌فرماید:

«خداوند، کسانی را که ایمان آوردند بر گفته‌ی ثابت در زندگی دنیا تثبیت می‌نماید.»

پس [او به یاری و تثبیت خداوند] می‌گوید: پروردگارم الله و دینم اسلام و پیامبرم محمد ﷺ می‌باشد. سپس ندایی از آسمان می‌آید که بنده‌ی من (دین و ایمان) را تصدیق کرد پس، از فرش‌های بهشت برای او بگسترانید و از لباس‌های بهشت به او بپوشانید و دری رو به بهشت برایش باز کنید. در ادامه فرمود: در نتیجه از راحتی و خوشی و بوی خوب آن به او می‌رسد و به آن اندازه که چشمش کار می‌کند، قبرش برای او فراخ می‌شود. فرمود: و مردی خوب‌رو و زیبا پیش او می‌آید - و در روایتی دیگر: برایش مجسم می‌شود - با لباس زیبا و بوی خوش و به او می‌گوید: مژده باد بر تو، که به آنچه که خوشحالت می‌کند یعنی رضایتی از طرف خدا و باغ‌هایی که در آن، نعمت‌ها

برپاست رسیدی؛ این روز همان روزی است که به تو وعده داده می‌شد. او در جوابش می‌گوید: خدا به تو هم بشارت نیکو دهد، تو کیستی؟ که رویت همان رویی است که خیر و نیکی می‌آورد. او می‌گوید: من عملِ صالحِ تو ام و قسم به خدا تو را غیر از این ندیده‌ام مگر این که همیشه در طاعت و عبادتِ خدا شتاب کرده و در گناه و نافرمانی او درنگ نموده‌ای پس خداوند، پاداشِ خیر به تو دهد.

سپس دری از بهشت و دری از دوزخ به رویش باز می‌شود و گفته می‌شود: اگر نافرمانی خدا می‌کردی جایگاه تو این می‌بود و خداوند به جای آن، این جایگاه (بهشت) را به تو داد. هنگامی که او آنچه را که در بهشت است می‌بیند می‌گوید: ای پروردگرم برپایی روز قیامت را نزدیک گردان به این امید که پیش خانواده و مالم برگردم و در جواب به او گفته می‌شود: آرام بگیر.

فرمود: و عبدِ کافر - و در روایتی دیگر: فاجر - وقتی که در حال بریدن از دنیا و رفتن به آخرت باشد، فرشتگانی تندخو و عصبانی با چهره‌های سیاه پیش او می‌آیند و لباسهایی از آتش به همراه دارند و تا جایی که چشم او کار می‌کند دور و بر او جمع می‌شوند و کنار او می‌نشینند سپس ملک‌الموت می‌آید و کنار سر او می‌نشیند و می‌گوید: ای نفسِ خبیث و ناپاک، به سوی خشم و غضبِ خداوند، بیرون آی. فرمود: پس جانش در جسدش به حرکت درمی‌آید و سپس ملک‌الموت روح او را از بدنش همانند بیرون کشیدنِ سیخِ کبابی که شاخک‌های زیادی دارد از پشم خیس، بیرون می‌کشد و با این کار رگ‌ها و عصب‌هایش پاره می‌شود و هر فرشته‌ای در بین آسمان و زمین و هر فرشته‌ای در آسمان او را نفرین می‌کنند و درهای آسمان بر روی او بسته می‌شود و هیچ فرشته‌ای در کنار هیچ دری نیست مگر این که از خدا می‌خواهد که روح او از طرفِ آنان بالا نرود. ملک‌الموت روحش را می‌گیرد و هنگامی که این کار را کرد، سایر فرشتگان، آن را حتی به اندازه‌ی یک چشم بر هم زدن هم در دست او باقی نمی‌گذارند و او را در آن لباسی می‌گذارند و همچون گندیده‌ترین و بدبوترین رایحه‌ای که بر روی زمین یافت شده است

از آن خارج می‌شود سپس او را بالا می‌برند و او را از کنار هیچ جمعی از فرشتگان عبور نمی‌دهند مگر این که آن جمع می‌گویند: این روح خبیث و ناپاک، کیست؟ فرشتگان همراه او می‌گویند: فلان کس پسر فلان کس و او را با زشت‌ترین نام‌هایی که در دنیا او را بدان می‌نمایند معرفی می‌کنند تا این که او را تا پایان آسمان دنیا می‌رسانند و (از فرشتگان مأمور درهای آن جا) می‌خواهند که در را برایش باز کنند ولی در به روی او گشوده نمی‌شود و پیامبر ﷺ این آیه را قرائت فرمود:

«درهای آسمان بر روی آن‌ها باز نمی‌شود و به بهشت وارد نمی‌شوند تا زمانی که شتر وارد سوراخ سوزن گردد.»

سپس خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: اعمال این بنده‌ام را در «سجّین» در قعر زمین بنویسید و بعد گفته می‌شود: او را به زمین برگردانید زیرا من آن‌ها را از خاک آفریده و به آنان وعده داده‌ام که بار دیگر، به خاک بازشان می‌گردانم. سپس روحش از آسمان به شدت دور انداخته می‌شود تا این که بر جسدش قرار می‌گیرد. سپس این آیه را قرائت فرمود:

«و کسی که به خداوند شک می‌ورزد همانند این است که از آسمان فرو افتاده است و در این حال، یا پرندگان او را (در هوا) تگّه تگّه کنند یا باد او را به مکان بسیار دوری (و درّه‌ی ژرفی) پرتاب می‌کند (و وی را چنان بر زمین می‌کوبد که بدنش متلاشی و هر قطعه‌ای از آن به نقطه‌ای پرت می‌شود)». سپس به جسدش بازگردانده می‌شود. در ادامه فرمود: و در آن حال، صدای پای یارانش را وقتی که از او جدا می‌شوند و باز می‌گردند، می‌شنود. سپس دو فرشته‌ی بسیار تندخو پیش او می‌آیند و بر سر او داد می‌زنند و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: پروردگار تو کیست؟ او در جواب می‌گوید: ها، ها؟ نمی‌دانم. سپس به او می‌گویند: دین تو چیست؟ و او در جواب می‌گوید: ها، ها؟ نمی‌دانم. سپس از او می‌پرسند: در مورد این مرد که در بیتان برانگیخته شد چه می‌گویی؟ او اسمش را به یاد نمی‌آورد پس به او گفته می‌شود: محمّد. او در جواب می‌گوید ها، ها؟ نمی‌دانم، شنیدم که مردم، آن اسم را می‌گویند! ایشان فرمودند: گفته می‌شود: ندانستی و نخواندی. سپس ندایی از آسمان می‌آید و می‌گوید: که او

(دین و ایمان) را تکذیب نمود پس، از آتش دوزخ (در قبرش) برای او بگسترانید و دری رو به دوزخ برایش باز کنید، در نتیجه از گرما و گازهای آن، به او می‌رسد و قبرش را برای او تنگ می‌کنند آن گونه که دنده‌هایش داخل هم می‌رود و مردی زشت‌رو با لباس قبیح و بدبو پیش او می‌آید - و در روایتی دیگر: برای او مجسم می‌شود - و به او می‌گوید: مژده باد بر تو به آنچه که از آن، بدت می‌آید! این، روزی است که به تو وعده داده می‌شد. او در جوابش می‌گوید: خداوند به تو هم مژده‌ی بد دهد، تو کیستی؟ او می‌گوید: من عمل خبیث و زشت تو هستم و قسم به خدا تو را غیر از این ندیده‌م مگر این که همیشه در طاعت و عبادت خدا درنگ کرده و در گناه و نافرمانی او شتاب کرده‌ای پس خدا به تو پاداشِ شر بدهد.

سپس فرشته‌ی کر و کور و لالی برای او مأمور می‌شود که یک چوب‌دستی آهنی در دست دارد که اگر با آن، کوهی را بزند، آن را تبدیل به خاک می‌کند: با آن، ضربه‌ای به او می‌زنند تا این که تبدیل به خاک شود سپس خداوند، او را به حالت اولیّه‌ی خود برمی‌گرداند و دوباره ضربه‌ی دیگری به او می‌زند که در اثر آن، چنان فریادی می‌کشد که غیر از انسان و جن، هر چیزی آن را می‌شنود سپس دری از دوزخ برایش باز می‌شود و فرشهایی از آتش دوزخ برای او آماده می‌گردد در نتیجه او می‌گوید: ای پروردگرم! هیچ گاه قیامت را بر پا مکن.»

کتاب‌ها و رساله‌هایی که تهیّه کردن و خواندن آن‌ها توصیه می‌شود

- (۱) اولین کتاب و بزرگ‌ترین و مهمترین آن‌ها کتاب خداوند عزّ و جل یعنی قرآن عظیمی است که هیچ‌گاه باطل و منسوخ نخواهد شد.
- (۲) «الوردُ المصنّفی المختارُ من کلامِ الله تعالی وَکلامِ سیّد الأبرار»، نوشته‌ی جدّ بزرگ ما امام الملك الصالح عبدالعزيز بن عبدالرحمن الفيصل – غفرالله له.
- (۳) «سرّ دوام النعم» نوشته‌ی برادر بزرگوارمان، امیر موفق، فیصل بن مشعل بن سعود بن عبدالعزيز (خداوند بر بزرگیش بیفزاید و درجه‌اش را عالی و مبارکش گرداند).
- (۴) «زادُ المستعین» نوشته‌ی برادر بزرگوارمان الامیر المبارک عبدالعزيز ابن فهد بن عبدالعزيز (خداوند، مقام و هدایت و تقوا و توفیقش را زیاد گرداند).
- (۵) «مختصرُ تفسیرِ ابن کثیر» نوشته‌ی محمد نسیب الرفاعی رحمته الله.
- (۶) «تیسیرُ الکریم الرحمن» نوشته علامه ابن سعدی رحمته الله.
- (۷) «فتحُ الجید شرح کتاب التوحید» نوشته‌ی علامه عبدالرحمن آل شیخ (رحمهم الله).
- (۸) «زاد المعاد فی هدی خیرالعباد رحمته الله» نوشته‌ی امام علامه ابن قیم الجوزیه.
- (۹) «ریاضُ الصالحین» نوشته‌ی امام نووی رحمته الله.
- (۱۰) «الملخصُ الفقہی» نوشته‌ی علامه صالح الفوزان (حفظه الله).
- (۱۱) «اختیارات علامه ابن عثیمین فقیه».
- (۱۲) «أحكام الحیض والنّفس» نوشته‌ی علامه محمد العثیمین (حفظه الله).
- (۱۳) موسوعه أطراف الحدیث النبوی الشریف» نوشته‌ی محمد زغلول – خدا به او پاداش نیک دهد – که واقعاً برای محققین مفید است.
- (۱۴) «مختصرُ سیره الرسول رحمته الله» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوهاب رحمته الله.

- ۱۵) «مختصر الشّمائل المحمّديّة» نوشته‌ی امام علامه‌ی محقق محمد ناصرالدین الألبانی رحمته.
- ۱۶) «تهذیب سیرة النبویّة» نوشته‌ی امام نووی رحمته.
- ۱۷) «موسوعة نصرّة النّعم فی مکارم أخلاق الرّسول الکریم ﷺ» زیر نظر شیخ صالح بن حمید و استاد عبدالرحمن بن ملوّح (و فقهما الله).
- ۱۸) «كنت قبورياً» نوشته‌ی عبدالمنعم الجداوی (وفقه الله).
- ۱۹) «۲۰۰ سؤال و جواب فی العقیدة» نوشته‌ی حافظ احمد حکمی رحمته.
- ۲۰) «شرح الأربعین حدیثاً التّوویة» نوشته‌ی علامه ابن دقیق العید رحمته.
- ۲۱) «مجموعه فتاوی و مقالات متنوّعة» نوشته‌ی شیخ و محبوب ما امام علامه عبدالعزیز بن باز رحمته.
- ۲۲) «الدرر السنیة فی رسائل أئمة الدّعوة التّجدیة» که شیخ عبدالرحمن بن محمد بن قاسم رحمته آن را جمع کرده است رحمته.
- ۲۳) «صلاة الجماعة» نوشته‌ی فقیه صالح السّدلان (حفظه الله).
- ۲۴) «فتاوی الجنّة الدائمة» نوشته‌ی انجمن «بحث العلمیة والإفتاء» (وفقههم الله).
- ۲۵) «الزّد القوم علی المجرم الأثیم» نوشته‌ی علامه‌ی سلفی شیخ محمود التویجری رحمته.
- ۲۶) «دعوة الإمام محمد بن عبدالوهاب» نوشته‌ی شیخ صالح العبود (حفظه الله).
- ۲۷) «الإعلام بنقد کتاب الحلال والحرام» تألیف شیخ ما علامه صالح فوزان (حفظه الله).
- ۲۸) «معاملة الحکام فی ضوء کتاب والسنة» نوشته‌ی شیخ عبدالسلام بن برجس آل عبدالکریم (وفقه الله).
- ۲۹) «کیف تطیل عمرک الانتاجی» نوشته‌ی شیخ محمد بن ابراهیم النّعم (وفقه الله).
- ۳۰) «ولا تقرّبوا الزّنا» برگرفته از کلام ابن قیم رحمته چاپ «دارالقاسم».
- ۳۱) «الأسئلة والأجوبة فی العقیدة» نوشته‌ی علامه صالح الأطرم (خداوند او را شفا دهد و سالم گرداند).

- (۳۲) «کتاب التوحید» نوشته‌ی شیخ ما صالح الفوزان رحمته.
- (۳۳) «إقامة البراهین علی من استغاث بغير الله أو صدق الكهنة والعرافین» نوشته‌ی شیخ علامه‌ی ما عبدالعزیز بن باز رحمته.
- (۳۴) «وجوب التبتّ فی الأخبار واحترام العلماء و بیان مکانتهم فی الأمة» نوشته‌ی شیخ علامه صالح الفوزان (حفظه الله).
- (۳۵) «القول المبین فی حکم الاستهزاء بالمؤمنین» نوشته‌ی شیخ عبدالسلام بن برجس آل عبدالکریم (وفقه الله).
- (۳۶) «حُسن الخاتمة» نوشته‌ی شیخ عبدالله المطلق (حفظه الله).
- (۳۷) «القوارح فی العقيدة» نوشته‌ی شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته.
- (۳۸) «المنظار فی بیان كثيرٍ من الأخطاء الشائعة» نوشته‌ی شیخ صالح بن عبدالعزیز آل الشیخ (وفقههم الله جميعاً).
- (۳۹) «تصحیح الدعاء» نوشته‌ی شیخ بکر بن عبدالله أبوزید (وفقه الله).
- (۴۰) «أدبُ الهاتف» نوشته‌ی شیخ بکر بن عبدالله أبوزید (وفقه الله).
- (۴۱) «حلیة طالب العلم» نوشته‌ی شیخ بکر بن عبدالله أبوزید (وفقه الله).
- (۴۲) «حراسة الفضيلة» نوشته‌ی شیخ بکر بن عبدالله أبوزید (وفقه الله).
- (۴۳) «التعالیم وأثره فی الفكر والکتاب» نوشته‌ی شیخ بکر بن عبدالله أبوزید (وفقه الله).
- (۴۴) «الإبطال لنظرية الخلط بين دين الإسلام وغيره من الأديان» نوشته‌ی شیخ بکر بن عبدالله أبوزید (وفقه الله).
- (۴۵) «الآدابُ الشرعیة» نوشته‌ی ابن مفلح رحمته.
- (۴۶) «أشراط الساعة» نوشته‌ی عمر سلیمان الأشقر (وفقنا الله وإیّاه).
- (۴۷) «الجنة دار الأبرار والطریق الموصولُ إلیه» نوشته‌ی ابوبکر جابر الجزایری (وفقه الله).
- (۴۸) «معرفة الكبير المتعال بالعظمة والجلال والجمال» نوشته‌ی شیخ عبدالکریم بن صالح الحمید (وفقه الله).

- (۴۹) «تنبیه الغافلین» نوشته‌ی شیخ فقیه نصر السمرقندی رحمته.
- (۵۰) «الدُّرَّةُ المختصرة في محاسن الدِّين الإسلامي» نوشته‌ی علامه عبدالرحمن بن سعدی رحمته.
- (۵۱) «الوسائل المفيدة للحياة السعيدة» نوشته‌ی علامه عبدالرحمن بن سعدی رحمته.
- (۵۲) «القول السديد بشرح كتاب التوحيد» نوشته‌ی علامه عبدالرحمن بن سعدی رحمته.
- (۵۳) «قطیعةُ الرَّحْمِ» نوشته‌ی شیخ محمد الحمد (وفقه الله).
- (۵۴) «الجريمة الخلقية» نوشته‌ی شیخ محمد الحمد (وفقه الله).
- (۵۵) «عقوق الوالدين» نوشته‌ی شیخ محمد الحمد (وفقه الله).
- (۵۶) «الكذب - مظاهره و علاجه» نوشته‌ی شیخ محمد الحمد (وفقه الله).
- (۵۷) «كلمات متفرقة في ابواب متفرقة» نوشته‌ی شیخ محمد الحمد (وفقه الله).
- (۵۸) «اقتضاء الصراط المستقيم» نوشته‌ی شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته.
- (۵۹) «العقيدة الواسطية» نوشته‌ی شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته.
- (۶۰) «إغاثة اللہفان من مصائد الشيطان» نوشته‌ی امام ابن القيم رحمته.
- (۶۱) «كشف الشبهات» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۲) «كتاب التوحيد» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۳) «الأصول الثلاثة» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۴) «مسائل الجاهلية» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۵) «تفسير سورة الفاتحة والإخلاص والمعوذتين» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۶) «فضل القرآن - تعلمه وتعليمه» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۷) «أحاديث في الفتن والحوادث» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۸) «ثلاث رسائل في التوحيد و يليه معنى لا إله إلا الله» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۶۹) «مفيد المستفيد في تارك التوحيد» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.
- (۷۰) «الكبائر» نوشته‌ی امام مجدّد محمد بن عبدالوہاب رحمته.

- (۷۱) «التوبة إلى الله» نوشته‌ی شیخ د. صالح بن غانم السدلان (حفظه الله)
- (۷۲) «الأداب والأخلاق الشرعية» نوشته‌ی شیخ علامه عبدالله بن جبرین (حفظه الله).
- (۷۳) «أخلاق المؤمنین والمؤمنات» نوشته‌ی شیخ عبدالعزيز ابن باز رحمته.
- (۷۴) «مسئولیت طالب العلم» نوشته‌ی شیخ عبدالعزيز ابن باز رحمته.
- (۷۵) «عقد النکاح و آثاره» نوشته‌ی علامه محمد العثیمین (سلمه الله).
- (۷۶) «عقیده أهل السنة والجماعة» نوشته‌ی علامه محمد العثیمین (سلمه الله).
- (۷۷) «إعصار التوحید یحطم وثن الصوفیة» نوشته‌ی علامه ابن باز و ابن عثیمین (غفر الله لنا ولهم).
- (۷۸) «فتاوی الأسرة وخاصة المرأة» نوشته‌ی علامه محمد العثیمین (سلمه الله).
- (۷۹) «البيت السعيد وخلاف الزوجین» نوشته‌ی شیخ د. صالح بن حمید (سلمه الله).
- (۸۰) «لطائف وفوائد من الحياة الزوجیة فی بیت النبوة» نوشته‌ی شیخ خالد الشایع (و فقه الله).
- (۸۱) «أدب البيت المسلم» نوشته‌ی نوشته نوشته‌ی دکتر محمد بن عبدالرحمن الأهول (وفقه الله).
- (۸۲) «أريد أن أتوبَ ولكن!» نوشته‌ی شیخ محمد المنجد (وفقه الله).
- (۸۳) «۴۰ طريقة لإصلاح البيوت» نوشته‌ی شیخ محمد المنجد (وفقه الله).
- (۸۴) «محرمات استهانَ بها كثيرٌ من الناس» نوشته‌ی شیخ محمد المنجد (وفقه الله).
- (۸۵) «توجيهات إسلامیة» نوشته‌ی شیخ عبدالله بن حمید رحمته.
- (۸۶) «لفتة الكبد فی نصيحة الولد» نوشته‌ی امام ابن الجوزی رحمته.
- (۸۷) «سؤال وجواب فی أهمّ المهمّات» نوشته‌ی شیخ ابن سعدی رحمته.
- (۸۸) «حاجة الصحوة إلى الفقه فی الدین» نوشته‌ی د. ناصر العقل (وفقه الله وبارک فيه).
- (۸۹) «العلماء همّ الدعاة» نوشته‌ی د. ناصر العقل (وفقه الله وبارک فيه).
- (۹۰) «الافتراق مفهومه وأسبابه» نوشته‌ی د. ناصر العقل (وفقه الله وبارک فيه).
- (۹۱) «التوحید و بیان عقیده السلفیة» نوشته‌ی علامه عبدالله بن حمید رحمته.
- (۹۲) «زيارة القبور الشرعية والشركیة» نوشته‌ی محیی الدین البرکوی (وفقه الله).

- ۹۳) «الوقت أنفاس لا تعود» نوشته‌ی شیخ عبدالملک القاسم (وفقه الله وأكثر من أمثاله)
- ۹۴) «هم إبليس وقوسه» نوشته‌ی شیخ عبدالملک القاسم (وفقه الله).
- ۹۵) «ماذا تفعل في عشر دقائق» نوشته‌ی شیخ عبدالملک القاسم (وفقه الله).
- ۹۶) «قطع المرء في حكم الدخول على الأمراء» نوشته‌ی شیخ عبدالسلام آل عبدالکریم (وفقه الله).

نوارها

- (۱) «دار المتقين» اثر دعوتگر موفق سعد بن عبدالله البریک - خدا، رو سپیدش گرداند و ما و او را بر عبادت خود ثابت قدم نماید - و این اثر، عجیب‌ترین و شگفت‌انگیزترین چیزی است که در مورد بهشت شنیده‌ام پس حتماً آن را تهیه و گوش کنید زیرا سوگند به خدا، خود، گنجی است.
- (۲) «هَلْ مِنْ دَعْوَةٍ قَبْلَ الْمَوْتِ؟» و «وفاة الرسول ﷺ» و «قصص وعبر» و «ما يطلبه المستمعون» و «الرحيل» و «توبة صادقة» - که عبارت است از جوانی که در خانواده‌ای مستمندی زندگی می‌کند و بعد از توبه کردن می‌میرد و واقعاً تأثیرگذار است - که تمام آن‌ها اثر شیخ سعد البریک است.
- (۳) نوارهای سخنرانی، اثر شیخ سعید بن مسفر القحطانی، خداوند به او پاداش نیک دهد و سعی و تلاشش را مبارک گرداند. او دارای نوارهای متنوع و سودمندی درباره‌ی تقوای خدا و آمادگی برای آخرت و نیکی به پدر و مادر و حقوق زوجین است که در این مورد نوار ارزشمند و بی‌مثالی دارد با عنوان «الترمت و لکن!» که من گوش دادن به آن را توصیه می‌کنم و همین طور نواری به نام دیگری از او با عنوان «كيف تنال محبة الله».
- (۴) «رحلة غريب» اثر شیخ محمد المختار الشنقيطي - خداوند با او نیکی کند و به او نفع رساند - که مضمون آن، گوناگون است و برای شخص از نظر وعظ و باز داشتن نفس اماره و نیز برای تشویق و ترغیب به عمل صالح کافی و مؤثر است.
- (۵) تمام نوارهای شیخ عبدالله بن حماد الرسی - حفظه الله - که به صورت پند و اندرزهای مؤثر می‌باشد و خصوصاً نوارهای «حادی الأرواح إلى بلاد الأفراح» و «أيها الشاب عد إلى ربك، فالمت قریب».

- ۶) «دمعة تائب»، «قصّة مأساه» (که نواری است در موردِ مَحَدَرَات)، «بِحَرِّ الْحَبِّ» (نواری مخصوصِ مردان) که تمام آن‌ها اثرِ شیخِ ابراهیم الدویش - وفقه الله - می‌باشد.
- ۷) «المشتاقونَ إِلَى الْجَنَّةِ» اثرِ شیخِ مُحَمَّد العریفی - وفقه الله.
- ۸) «دواء العَشَّاقِ» اثرِ شیخِ مُحَمَّد العریفی - وفقه الله - که نواری است با موضوعی زیبا، لطیف و سودمند، و شایسته است که تهّه شده و به آن گوش داده شود زیرا که فضایی در آن است که تنها در آن یافت می‌شود.
- ۹) «صفة الجنة وصفة النار» اثرِ شیخِ احمد المورعی - وفقنا الله وإیّاه - که رساترین و سودمندترین نواری است که تا حال شنیده‌ام.
- ۱۰) «هادم اللذات» از انتشارات «تسجيلات تقوا» که نواری است بزرگ و عجیب و در نوع خود کمیاب. این نوار از اولین نوارهای اسلامی و سودمندترین آن‌ها بود که گوش دادم ولی نمی‌دانم که اکنون موجود است یا نه و نواری است در موضوعات متنوع و گردآوری شده.
- ۱۱) «نوار طاروق الأجداد» و نیز نوارِ «وسم» و «صوت من الصحرا» - که چند قسمت است - و نوارهای اسلامیِ سودمندِ دیگر که شامل قصایدی است که به صورت آوازهای صحرائی اصیل و سودمند خوانده می‌شود.